



تفسیر موضوعی قرآن

مبانی و سیر تاریخی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن

نویسنده:

بهر روز یداله پور

ناشر چاپی:

دارالعلم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن
۸	مشخصات کتاب
۸	فهرست مطالب
۹	مقدمه
۱۱	فصل اول تفسیر موضوعی
۱۱	اشاره
۱۱	معنای لغوی تفسیر
۱۲	معنای اصطلاحی تفسیر
۱۲	تعریف تفسیر موضوعی
۱۹	اهمیت و ضرورت تفسیر موضوعی
۲۲	روش تحقیق در تفسیر موضوعی
۲۳	روش و یا روش‌های بحث در تفسیر موضوعی
۳۰	روش بحث در موضوعی از خلال قرآن کریم
۳۳	تفاوت تفسیر موضوعی و علوم قرآنی
۳۵	فصل دوم سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن
۳۵	اشاره
۳۶	۱- کتابشناسی کتابهای آیات الاحکام
۳۶	اشاره
۳۶	الف) سیر کتابهای آیات الاحکام در اهل سنت
۳۸	ب) سیر کتابهای آیات الاحکام در فرقه زیدیه
۳۹	ج) سیر تاریخی کتابهای آیات الاحکام در مذهب تشیع
۳۹	اشاره

۴۲	کتابشناسی آیات نازلہ در شأن اهل بیت علیہم السلام
۴۷	آیات متشابهات
۴۷	کتابشناسی ناسخ و منسوخ
۴۸	ب) تفسیر موضوعی در عصر حاضر
۴۸	اشاره
۵۱	۱) مفسران موضوعی در مصر
۵۵	۲) مفسران موضوعی در ایران
۶۴	کتابشناسی داستانهای قرآن
۶۶	فصل سوم جایگاه تفسیر موضوعی و مبانی آن
۶۶	اشاره
۶۶	مبانی نقلی مخالفان تفسیر موضوعی
۶۶	۱- دلیل قرآنی:
۶۸	۲- دلیل روایی: روایات ضرب القرآن بعضه ببعض:
۶۸	مبانی عقلی مخالفان تفسیر موضوعی
۶۸	۱- کیفیت اسلوب و ساختار قرآن
۷۰	۲- جغرافیای آیات اجازه تفسیر موضوعی نمی‌دهد:
۷۱	۳- تفسیر موضوعی راهی در (انحراف در تفسیر قرآن) به شمار می‌آید.
۷۲	مبانی تفسیر موضوعی
۷۲	اشاره
۷۳	أ) مبانی قرآنی تفسیر موضوعی
۷۴	ب) مبانی روایی تفسیر موضوعی
۸۶	مبانی عقلی تفسیر موضوعی
۸۶	الف- آیات قرآن مفسر یکدیگرند
۸۷	ب- گستردگی افق بحث در روش تفسیر موضوعی

- ج- تفسیر موضوعی بیان دیدگاه قرآن به طور متمرکز و تخصصی است. ۸۷
- فصل چهارم ارتباط تفسیر موضوعی با تفسیر ترتیبی ۸۹
- اشاره ۸۹
- بررسی رابطه تفسیر موضوعی با روش ترتیبی ۸۹
- بررسی روش تفسیر قرآن به قرآن و روش تفسیر موضوعی ۹۴
- اشاره ۹۴
- الف: روایت‌های ضرب قرآن به قرآن ۹۸
- ب: تحلیل مفهومی و فقه الحدیثی روایات ضرب قرآن به قرآن ۱۰۰
- نتیجه ۱۰۴
- فهرست منابع عربی ۱۰۴
- فهرست منابع فارسی ۱۰۶
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۰۸

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن

مشخصات کتاب

سرشناسه: یداله پور، بهروز، - ۱۳۴۹
 عنوان و نام پدیدآور: مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن/ بهروز یداله پور
 مشخصات نشر: قم: دارالعلم، ۱۳۸۳.
 مشخصات ظاهری: ص ۱۹۱
 شابک: ۱۲۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۹۱ - ۱۸۶؛ همچنین به صورت زیرنویس
 موضوع: تفسیر -- تاریخ
 موضوع: تفسیر -- فن
 موضوع: تفاسیر -- فهرستها
 رده بندی کنگره: BP۹۲/م۴ ۲۴ ۱۳۸۳
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۹
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۹۲۰۶

فهرست مطالب

عنوان صفحه مقدمه ۵
 فصل اول- تفسیر موضوعی ۱۰
 (تعاریف و کلیات)
 مقومات تفسیر و تعریف موضوعی ۱۰
 اهمیت تفسیر دیدگاه موضوعی و ضرورت آن ۲۴
 روش تحقیق در تفسیر موضوعی ۳۱
 روش یا روشهای بحث در تفسیر موضوعی ۳۱
 روش بحث موضوعی از خلال قرآن ۴۶
 تفاوت تفسیر موضوعی و علوم قرآنی ۵۱
 فصل دوم: سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن ۵۷
 کتابشناسی آیات الاحکام ۵۸
 آیات الاحکام اهل سنت ۵۹
 آیات الاحکام زیدیه ۶۳
 آیات الاحکام شیعه ۶۴
 کتابشناسی آیات نازل در شأن اهل بیت علیهم السلام ۶۹

- کتابشناسی آیات متشابهات ۷۷
- کتابشناسی ناسخ و منسوخ ۷۸
- تفسیر موضوعی در عصر حاضر ۸۰
- مفسران موضوعی در مصر ۸۵
- مفسران موضوعی در ایران ۹۱
- کتابشناسی داستانهای قرآن ۱۰۷
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴
- فصل سوم: جایگاه تفسیر موضوعی و مبانی آن ۱۱۳
- مبانی و ادله مخالفان تفسیر موضوعی ۱۱۴
- مبانی قرآنی ۱۱۴
- مبانی روایی (روایات ضرب قرآن به قرآن) ۱۱۶
- مبانی عقلی مخالفان ۱۱۶
- مبانی تفسیر موضوعی ۱۲۶
- مبنای قرآنی تفسیر موضوعی ۱۲۶
- مبنای روایی تفسیر موضوعی ۱۲۷
- مبانی عقلی تفسیر موضوعی قرآن ۱۵۰
- آیات قرآن مفسر یکدیگرند ۱۵۰
- گسترده‌گی افق بحث در تفسیر موضوعی ۱۵۱
- بیان تخصصی و متمرکز دیدگاه قرآن ۱۵۲
- فصل چهارم: ارتباط تفسیر موضوعی با تفسیر تربیتی ۱۵۶
- بررسی رابطه تفسیر موضوعی با روش تفسیر تربیتی ۱۵۷
- بررسی روش تفسیر قرآن به قرآن و روش تفسیر موضوعی ۱۶۶
- روایات ضرب قرآن به قرآن با روش تفسیر موضوعی ۱۷۳
- تحلیل مفهومی و فقه الحدیثی روایات قرآن به قرآن ۱۷۷
- نتیجه ۱۸۴
- فهرست منابع و مآخذ عربی ۱۸۶
- فهرست منابع فارسی ۱۸۹
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين قرآن مجيد، جاودانه‌ترین سند متقن تاریخی، پایدارترین اعجاز نبوت و ناگسستنی‌ترین سلسله ارتباط حضرت حق سبحانه و تعالی با بشر است که ظاهری زیبا و باطنی ژرف دارد. ورود به حریم قدس آن، طهارت روح و جسم می‌طلبد و بدون طهارت، درک و فهم آن و مس‌ظاهر و باطن آن ممکن نیست.

پیامبر گرامی اسلام- صلی الله علیه و آله- از نخستین روزهای بعثت پربرکت خویش به شرح و تفسیر آن اهتمام ورزیده، به تدبیر در آیات آن امر فرمودند. با اندکی دقت و پژوهش می‌توان دریافت که قرآن مجید خود مفسر خویش است و روش تفسیری پیامبر گرامی اسلام- صلی الله علیه و آله- [برگرفته از] هم، با الهام از مکتب وحی، روش تفسیر قرآن به قرآن بوده است و ائمه اطهار- علیهم السلام- نیز همین راه را پیمودند.

تفسیر قرآن از صدر اسلام تاکنون به دو صورت انجام شده و تا به حال ادامه یافته است. نخست روش تفسیر ترتیبی است که با نظم و ترتیب سوره قرآن مجید هماهنگی دارد. این روش تفسیری از صدر اسلام آغاز گردید بدین نحو که طبق آیات متوالی در یک سوره به تفسیر آن می‌پرداختند و به جهت اینکه حفظ قرآن مجید مورد اهتمام مسلمین بوده و جلسات درس و بحث از تفسیر قرآن، از آغاز تا به پایان آن صورت می‌پذیرفت و بسیاری از مفسران در بحث تفسیری خود به ارتباط آیات و تناسب آیات و سوره می‌پرداختند و نیز بسیاری از مفسران درک صحیح آیات را جز با

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶

فهم سیاق آیات میسر نمی‌دانستند و اعتقاد داشتند که نظم حاکم نباید دگرگون گردد، این روش از قدیمی‌ترین روشهای تفسیری به شمار می‌رود.

در برابر این روش شیوه‌ای دیگر در تفسیر برای دستیابی به مفاهیم و حقیقت آیات قرآن وجود دارد که آیات قرآن را بر اساس موضوعات مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد بنابراین شیوه، آیات مختلفی که درباره یک موضوع در سراسر قرآن مجید موجود است در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد و با تفسیر و جمع بندی مجموع آیات، دیدگاه قرآن درباره آن موضوع به دست آمده و کلیه آیات نیز تبیین می‌گردد.

در این روش برای شرح و توضیح یک موضوع، با ملاحظه آیات هم موضوع و هم مضمون و نه هماهنگی با ترتیب و تنظیم موجود در قرآن، به تفسیر آن پرداخته می‌شود.

تفسیر موضوعی در عصر حاضر به دنبال طرح بازگشت به قرآن مصلحان و اندیشمندان مسلمان و نیز کاوش محققان قرآنی، در یافتن دیدگاه قرآن در پاسخ به مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و ... بوجود آمد.

البته این سخن بدان معنا نیست که تفسیر موضوعی در قرنهای پیشین هرگز مورد توجه نبوده است، بلکه این تفسیر نیز همانند تفسیر ترتیبی از مرحله ابتدایی و با شرحی کوتاه در موضوعات و انطباق یک موضوع از آیه دیگر شروع گردیده و کم کم رو به گسترش نهاده است.

از زمان شناخت تفسیر موضوعی به این اندیشه افتاده بودم تا اطلاع یابم این تفسیر از چه زمانی آغاز گردید و چه کسانی در کدام ادوار تاریخی و در چه موضوعاتی، بدان پرداخته‌اند و آیا تقدّم تفسیر ترتیبی بر تفسیر موضوعی پنداشت صحیحی است و آیا ائمه اطهار- علیهم السلام- یکی از این دو روش را برگزیده‌اند و یا به طور مجموعی، از هر دو بهره گرفته‌اند.

این اندیشه مرا بر آن داشت که به تبیین تفسیر موضوعی و مقومات آن، روش

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷

دستیابی به این نوع تفسیر و دیدگاه قرآن در موضوعات مختلف پرداخته و نیز دامنه بحث از سیر تاریخی آن را بطور گسترده تحقیق نمایم.

ما حاصل این تتبع و تحقیق، نگارشی است که در پیش روست. در فصل اول از این نوشتار به بیان تعریف تفسیر موضوعی، اهمیت و ضرورت آن، مراحل تفسیر و روش تحقیق در این نوع تفسیر پرداخته شده است. در این فصل، ضمن بیان تعاریف مختلفی که در باب تفسیر موضوعی مطرح می‌باشد، تعریف جدیدی را از آن ارائه نموده‌ایم.

در فصل دوم این اثر، سیر تاریخی نگارش تفسیر موضوعی از صدر اسلام تا عصر حاضر و نیز سیر نگارش آن در عصر حاضر، که چه تطوری داشته و چه مراحل را پیموده است و امروزه در کدام مرحله از آن قرار داریم و کدام مرحله بالاترین سطح از تفسیر موضوعی می‌باشد بررسی گردیده است. در فصل سوم به بررسی ادله مخالفان تفسیر موضوعی خواهیم نشست و مبانی و ادله اثباتی این نوع تفسیر را ذکر خواهیم نمود. در آن‌ها معلوم خواهد شد که تفسیر موضوعی بر ادله و مستندات قرآنی استوار بوده، در سنت نبوی و سیره ائمه اطهار- علیهم السلام- وجود داشته، از نظر عقل پذیرفته شده و مورد نیاز مبرم است و به نوعی پاسخگوی نیاز اساسی مردمان است.

در فصل پایانی، به رابطه میان تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی پرداخته شده است و در این نگرش، به ارتباط میان روش تفسیر قرآن به قرآن و روش تفسیر موضوعی توجه شده است. در پایان به نحوه برخورد میان روایات ضرب قرآن به قرآن و روش تفسیر موضوعی پرداخته شد و تحلیل مفهومی این روایات بیان گردیده است.

در مجموع اهتمام ما بر بیان صریح مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن مجید معطوف بوده است و تلاش گردید با بهره‌جویی از نظرات استادان محترم و

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸

بزرگوار و نیز استفاده از کتابهای مختلف عربی و فارسی به مطلوب واقعی برسیم و خدمتی هر چه اندک در پیشگاه قرآن کریم و رسول الله- صلی الله علیه و آله- تقدیم نموده باشیم.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹

فصل اول تفسیر موضوعی

اشاره

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰

اغلب مفسران موضوعی در کتابهای خود تعریف کاملی از تفسیر موضوعی ارائه نکرده‌اند و با تئوری ذهنی خویش گام در عرصه تفسیر موضوعی نهاده‌اند. از آثار آنان به نیکی می‌توان دریافت که رویکردشان درباره تفسیر موضوعی چیست و با چه نگرشی به بیان دیدگاه قرآن کریم در آن زمینه مسائل مختلف پرداخته‌اند.

با دقت و پژوهش در نوشته‌ها و آثاری که با عنوان تفاسیر موضوعی به بیان دیدگاه قرآن درباره مسائل مختلف پرداخته‌اند، می‌توان اندکی خروج از حیطه قرآنی بحث را مشاهده نمود بدین معنا که بعضی از متکلمین و یا فلاسفه در بیان آراء قرآنی از اطلاعات و معلومات خویش مدد جستند و بحث را از قرآنی بودن صرف بیرون نمودند.

ما در این فصل با ارائه تعریف تفسیر موضوعی و با نقد سایر تعاریف ارائه شده تلاش داریم تا اولاً محدوده بحث معلوم شود، ثانیاً نقاط ضعف و سیر تکامل این تفسیر روشن گردد و ثالثاً انتظاری که از تفسیر موضوعی و تفسیر نویسان می‌رود، بیان گردد.

معنای لغوی تفسیر

واژه تفسیر در لغت بر بیان چیزی و شرح نمودن آن دلالت دارد و از اینجا فسر

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱

به معنای باز کردن چیزی پوشیده است. «۱»

فیروز آبادی در قاموس المحيط در معنای تفسیر آورده است: «اصل تفسیر از تفسره است و آن قاروره را گویند که پزشکان در آن نگاه کرده، بیماری را تشخیص می‌دهند.» (۲)

زرکشی در معنای تفسیر این چنین نوشته است: «تفسیر پرده برداری و آشکار نمودن چیز پیچیده و مغلق بوسیله لفظ آن است و آزاد نمودن آنچه که از فهم و درک حبس شده است.» (۳)

معنای اصطلاحی تفسیر

تفسیر، علمی است که در آن از چگونگی نطق و سخن گفتن با الفاظ قرآن کریم و مدلولات آنها و احکام فردی و ترکیبی و معانی آن که حالت ترکیب بر آن حمل می‌شود را جستجو و بررسی می‌نماید. (۴)

تفسیر به معنای بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن است، که از قدیمی‌ترین اشتغالات علمی است، که دانشمندان اسلامی را به خود جلب و مشغول کرده است. (۵)

تفسیر کشف معانی قرآن و بیان مراد آن است. (۶) در قرآن کریم کلمه تفسیر تنها

(۱) - ابن منظور، لسان العرب، ماده فسر، ۵ / ۱۵۵.

(۲) - فیروز آبادی، قاموس المحيط، ۲ / ۱۰۸.

(۳) - زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۲ / ۱۴۷.

(۴) - ابو حیان، البحر المحيط، ۱ / ۱۲.

(۵) - علامه طباطبایی، المیزان، ۱ / ۷.

(۶) - سیوطی، الاتقان، ۴ / ۱۹۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲

یکبار بکار برده شده است «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا» (۱) و این دلالت می‌کند به معنای کشف و توضیح مطلب. (۲)

استاد مصطفی مسلم در تعریف تفسیر آورده است: «علمی است که معانی و مفاهیم را از آیات قرآن کشف می‌نماید و مراد خدای تعالی را بیان می‌کند، به اندازه طاقت و نیروی بشری.» (۳) [به اندازه درک و فهم مفسر از قرآن]

هر چند تعاریف دیگری نیز درباره تفسیر، از بسیاری دانشمندان علوم قرآنی ارائه شده است که دارای پاره‌ای اختلاف در عبارات و وحدت معانی می‌باشند یا بعضی از آنان به مصادیق اشاره کرده، بیان شأن نزول آیات، قصه‌ها، معانی و اسباب نزول را معنای تفسیر دانسته‌اند که سیوطی در کتاب الاتقان فی علوم القرآن (۴) به بسیاری از اقوال گذشتگان اشاره نموده و فرق تفسیر و تأویل را بیان کرده است که در این جا جهت پرهیز از اطاله کلام، از ذکر آنها خودداری نموده، علاقه‌مندان را به کتاب مذکور ارجاع می‌دهیم.

تعریف تفسیر موضوعی

دکتر زهرا الالمعی تعریفی این چنین از تفسیر موضوعی ارائه کرده است:

«تفسیر موضوعی، عبارتست از جمع آیات قرآنی که از موضوع واحدی سخن می‌گویند و هدف واحدی دارند. در این روش ترتیب آیات حد الامکان بر حسب نزول آنهاست. سپس - مفسر - به بیان و تحلیل و شرح و بسط آنها (آیات) و بیان

(۱) - قرآن، فرقان، ۳۳.

(۲) - زرکشی، البرهان ۲ / ۱۴۸.

(۳) - مصطفی مسلم، مباحث فی التفسیر الموضوعی، ۱۵.

(۴) - سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۴ / ۱۹۴ - ۱۹۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳

حکمت‌های شارع مقدس در تشریح قوانین آنها با احاطه کامل به تمام جوانب موضوع که در قرآن وارد شده است دست می‌یازد.»
«۱»

دکتر قرضاوی در تعریف تفسیر موضوعی گفته است: «تفسیر موضوعی عبارت است از این که محقق، آیاتی را که درباره یک موضوع در هر یک از سوره‌های قرآن آمده باشد؛ گرد آورد سپس آنها را دسته‌بندی کند و آن گاه به توضیح و تفصیل مفاهیم قرآن در رابطه با موضوع مورد نظرش بنشیند. از این نوع تفسیر در میان آثار قدما کتاب التبیان فی اقسام القرآن اثر امام ابن قیم را می‌شناسیم و در سالهای اخیر کتاب الوحی المحمدی تألیف رشید رضا را دیده‌ایم این کتاب به بررسی هشت موضوع اصلی قرآن پرداخته است.» «۲»

علامه شهید سید محمد باقر صدر در تعریف تفسیر موضوعی آورده است که:

«در روش تفسیر موضوعی، آیات قرآن تقطیع نمی‌شود و بررسی آیات بطور مسلسل یعنی آیه به آیه و مرتب انجام نمی‌گیرد؛ بلکه مفسر موضوعی می‌کوشد تحقیقات خود را روی یک موضوع از موضوعات زندگی، اعتقادی، اجتماعی و جهانی که قرآن متعرض آن شده متمرکز سازد و درباره آن موضوع از قرآن استفاده کند. برای مثال عقیده به توحید یا سنت‌های تاریخ یا کیفیت تکوین آسمان و زمین و این گونه مسائل را در قرآن مورد مطالعه قرار می‌دهد.» «۳» تفسیر موضوعی وقتی صورت می‌گیرد که یکی از موضوعات زندگی یا اعتقادی یا اجتماعی و جهانی مطرح گردیده، بخواهیم آن را از دیدگاه قرآن مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم و نظر قرآن را درباره آن

(۱) - زهرا الالمعی، دراسات فی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، ص ۷.

(۲) - یوسف قرضاوی، سیمای صابران در قرآن، ص ۱۴، ترجمه محمد علی لسانی فشارکی.

(۳) - سنت‌های تاریخ در قرآن، علامه شهید صدر، ص ۸۶، سید جمال موسوی اصفهانی.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴

موضوع به دست آوریم. «۱»

مفسر موضوعی بر خلاف روش ترتیبی عمل می‌کند، او قبل از اینکه بخواهد به یکی از موضوعات زندگی یا ایدئولوژی یا اجتماعی و جهانی دست یازد، باید روی آن موضوع دقت و تمرکز ذهن به حد کافی مبدول نماید، از تجارب و اندیشه‌های راهگشای دیگران مطلع گردد، مطالعاتی نماید و از مشکلات و راه‌حلهایی که اندیشه انسانی مطرح کرده چیزهایی بداند، سرانجام از پرسش‌هایی که «روش تطبیق تاریخی» مطرح می‌کند، معلوماتی داشته و از خلاءهای موجود با خبر باشد. وقتی با این پیش زمینه‌ها آیه قرآن را بررسی می‌کند، دیگر تنها شنونده‌ای جامد و دریافت کننده‌ای بی تلاش برای گزارشهای آن نیست؛ بلکه برای طرح مسأله در برابر قرآن به عنوان یک موضوع عرضه شده که با اندیشه‌ها و مطالعات وسیع بشری سر و کار دارد، گفت و گوی خود را با متن قرآن آغاز می‌کند. مفسر می‌پرسد و قرآن پاسخ می‌دهد. مفسر در پرتو مجموعه تجاربی که از بررسیها و کاوشهای بشری اش اندوخته است، می‌کوشد تا نظر قرآن را درباره آن موضوع به دست آورد و با مقایسه متن قرآنی با فرا گرفته‌هایش و افکار و

بینش‌هایی که به هم رسانده، نظر قرآن را بفهمد ... تفسیر موضوعی یک کار محاوره و گفتگو با قرآن و گرفتن پاسخ از آن است، نه یک عکس‌العمل منفعل یعنی تأثیر پذیری در مقابل قرآن.

تفسیر موضوعی عملی است فعال و هدفمند که در نتیجه آن، متن قرآن در یکی از حقایق بزرگ زندگی به کار گرفته می‌شود ... بنابراین قرآن در این نوع تفسیر با واقعیت مربوط می‌شود و با واقعیت به هم می‌پیوندد، زیرا تفسیر از واقعیت خارج شروع شده، به قرآن منتهی می‌گردد؛ نه اینکه از قرآن شروع شده به قرآن ختم گردد و کاری به زندگی و واقعیت نداشته باشد. علت عرضه واقعیت‌های زندگی به قرآن در این

(۱) - همان، ص ۹۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵

نوع تفسیر آن است که قرآن سرپرست ما و پناهگاهی است که در پرتو راهنمایی‌هایش باید واقعیت‌های زندگی رهبری گردد ... تفسیر موضوعی قابلیت تکامل و رشد سریع پیدا می‌کند زیرا تجارب بشری پیوسته آن را پر بار می‌سازد و وقتی بررسی‌های قرآن با توجه به تجارب بشر صورت گیرد از همراهی تجارب انسان با استفاده‌هایی که از قرآن به عمل می‌آید، کشف جدیدی صورت می‌گیرد و آن فهم راستین و بینش اصیل اسلامی است. «۱»

جناب آقای جلیلی تعریفی از تفسیر موضوعی بدین صورت ارائه نموده است:

«کوششی است بشری در فهم روشمند نظر قرآن در سایه گردآوری مبتنی بر تئوری آیات، پیرامون مسائل و موضوعات زنده عملی و نظری - برخاسته از معارف بشری و احوال حیات جمعی - که انتظار می‌رود قرآن سخن حقی در آن خصوص دارد.» «۲»

ایشان در مقام تعریف از تفسیر موضوعی به آنچه که امروزه وجود دارد و هست نه آنچه که باید باشد اشاره نموده، به شرح بندهای اساسی تعریف از تفسیر موضوعی و مقومات آن پرداخته‌اند و بر این باورند: تعاریف دیگری که در تفاسیر موضوعی موجود ارائه گردیده، تنها تلقی شکلی و صوری از تفسیر موضوعی دارند و تعریف ایشان، تعریفی عینی از تفسیر موضوعی است.

هر چند این تعریف از تفسیر موضوعی بی‌نقص نیست و ادعای نویسنده محترم آن غیر واقع و اندکی دور از واقع‌بینی می‌باشد ولی دقت وی در ارائه تعریف قابل ستایش است. این تعریف با تمام دقتی که در آن به کار رفته کامل نیست؛ دست کم نمی‌تواند تعریفی برخاسته از نمونه‌ها و مصادیق موجود تلقی شود. «۳»

(۱) - سید محمد باقر، سنت‌های تاریخ در قرآن - ترجمه سید جمال موسوی اصفهانی، صص ۹۶ - ۹۲.

(۲) - سید هدایت اله جلیلی، روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن، ص ۱۷۰.

(۳) - محمد علی مهدوی راد، آینه پژوهش شماره ۲۵، ص ۱۰۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶

آنچه از تعاریف متعدد و اندکی مختلف آورده شد، به دلیل نمایاندن رویکرد دانشمندان و محققان به تفسیر موضوعی بوده است و تلاش نموده‌ایم تعریف کاملی از تفسیر موضوعی ارائه نماییم تا آنچه را که بایسته و شایسته تفسیر موضوعی است در برداشته باشد و نه آن که مصادیق تفسیر موضوعی را به بحث نشسته باشد، به گونه‌ای که با معیارهای صحیح و منطقی و انتظارات بشری از تفسیری برتر، جهت حل مشکلات بشر با الهام از کلام وحی، مطابقت داشته باشد. اینجاست که می‌بینیم تفسیرهای موضوعی که تا به حال نگاشته شده است اندکی از معیار صحیح تفسیر موضوعی خارج شده‌اند.

و امّا تعریف ما از تفسیر موضوعی چنین است: جمع‌آوری روشمند آیات از سراسر قرآن مجید که از موضوع یا موضوعات

زندگی، عقیدتی، اجتماعی و جهانی سخن می‌گویند و هدف واحدی دارند؛ با دقت در ترتیب آیات بر حسب نزول و توجه به سیاق و نظم حاکم بر آیات بدون تقطیع آیات با احاطه کامل به تمام آیات قرآنی و تفسیر ترتیبی و در نهایت بیان دیدگاه قرآن در آن موضوعات به اندازه طاقت مفسر در درک آن.

این تعریف مشتمل بر نکات زیر می‌باشد که به عنوان مقومات این تعریف قابل توجه است:

۱- جمع‌آوری روشمند آیات قرآنی که هدف واحدی دارند.

مراد از جمع‌آوری روشمند آیات این است که این جمع‌آوری تحت ضابطه و قاعده‌مند باشد. بودن قید روشمند به این معنی است که مفسر موضوعی نمی‌تواند برخوردی به دور از ضابطه و لا ابالی با قرآن داشته باشد بلکه در مقام گردآوری آیات باید از ضوابط خاصی پیروی نموده و نیز در نحوه نتیجه‌گیری و داوری آن از اصول حاکم بر تفسیر و شرایط آن بهره‌جویند و در گزینش آیات دقت لازم و کافی داشته باشد.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷

نکته دیگر این است که، در گردآوری آیات تنها به ظواهر و الفاظ مشابه، تکیه نشود و اگر در آیه‌ای نسبت به موضوع مورد نظر نکته‌ای وجود دارد، از آن استفاده شود. پس مفسر موضوعی باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا در حل مشکلات و جمع‌آوری آیات تنها به ظواهر آیات توجه ننماید بلکه آیاتی را انتخاب نماید که مفاهیم و معانی آنها دارای وحدت موضوعی باشند.

۲- و نیز تفسیر موضوعی باید پاسخگویی مشکلات و یا مسائل مطرح و اساسی باشد و به تناسب مباحث، دیدگاه قرآن در آن مبحث جستجو و بیان شود.

مفسرین موضوعی در مقابل پرسشهای موجود و مشکلات عصر خویش در اندیشه حل آن از قرآن بر می‌آیند و در برابر آن زانوی فهم می‌زنند و از چشمه‌سار زلال وحی به اندازه تشنگی خویش سیراب می‌گردند و به قدر فهم خویش از مفاهیم آن بهره‌مند شده و با آن به محاوره نشسته و از آن «استنطاق» می‌کنند.

در این روش به تناسب موضوع مفسر به دنبال سخن قرآن است و در موارد خاص و موضوعات گزینش شده از سراسر قرآن مجید، آیات دارای اهداف واحد را می‌آورد و تفسیر ترتیبی را از تفسیر موضوعی بیرون می‌نهد و مایه امتیاز این دو از هم می‌باشد. حال موضوع هر چه باشد درباره مسائل زندگی شخصی یا اجتماعی یا اخلاقی یا عقیدتی یا جهانی، فرقی نیست. مهم آن است که چه موضوعی را در مقابل قرآن مطرح کرده باشیم و از آن طلب سخن کرده باشیم و باید توجه داشت که قرآن مجید در تمام مسائل زندگی انسانی اعم از: اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... سخن دارد. چون کتابی است جاودانه برای هدایت انسانها و در همه زمانها راهنمای بشر بوده و خواهد بود.

۳- با دقت در ترتیب آیات، بر حسب نزول.

در بحث ضرب قرآن به تفصیل خواهد آمد که مفسر اگر به ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و مطلق و مقید و ... قرآن، علم نداشته باشد دچار تفسیر به رأی خواهد

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸

شد. اما به عکس، اگر مفسر موضوعی، ترتیب نزول آیات را درباره موضوع خاصی بداند، می‌تواند زمانهای نزول آن را در نحوه استفاده از آیات لحاظ نماید و مشکلات مخالفین را حل نماید. از جمله، مشکلات نحوه برخورد با مسائل را از قرآن دریافت نموده و با علم به منسوخ و ناسخ و مطلق و مقید، سخن قرآن را بیان می‌کند.

ترتیب آیات بر حسب نزول اما در تفسیر ترتیبی، ترتیب آیات در مصحف مورد نظر می‌باشد و آنچه که در مصحف شریف آمده قطعاً بر حسب ترتیب نزول نیست و به دستور حضرت پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بسیاری از آیات مدنی در سور مکی و یا

بسیاری از آیات متأخره در کنار آیات متقدم آمده و ترتیب نزول در جمع آوری مصحف شریف، رعایت نشده است. البته ممکن است در بسیاری از موارد از ترتیب نزول آیات آگاه نباشیم در این صورت با توجه به قرائن و سیاق آیات، اگر راهی وجود داشته باشد، بدان عمل می‌شود.

۴- از سراسر قرآن.

این قید بخاطر معلوم نمودن حوزه بحث ذکر گردید. بعضی از محققان و مفسران موضوعی بر این باورند که روش موضوعی در دو حوزه سوره‌ای و کل سوره‌های قرآن مطرح می‌باشد «۱» و در تعریفی که ارائه کرده‌اند به چنین قیدی اشاره نموده‌اند. بنابراین ما بر این باوریم که تفسیر در حوزه یک سوره، اگر چه آیاتش جدا جدا و بطور موضوعی بحث شود، تفسیر موضوعی نیست و باید آیات از سراسر قرآن گردآوری شود و بر آن داوری گردد تا دیدگاه قرآن به طور کامل بیان شود.

۵- بدون تقطیع آیات.

در روش تفسیر موضوعی دسته‌بندی آیات و جمع آوری آیات از سراسر قرآن مورد نظر می‌باشد و پاره پاره کردن آیات و یک آیه را به چند قطعه کردن و هر کدام

(۱)- مصطفی مسلم، مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص ۱۶.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۹

را در دسته‌ای جدا بکار بردن کار درستی نمی‌باشد؛ مگر آن که قرائن و شواهد و ادله کافی بر این معنا گواهی دهد که عیبی نیست؛ و گرنه استفاده از آیات، باید بدون تقطیع آن و به همان اندازه که آیه محسوب می‌شود، باشد تا مفسر هم بتواند در سایه دیدگاهی کلی به آیات، رمز و راز نهفته در آن را دقیقاً دریابد و به دیگران منتقل نماید.

۶- توجه به سیاق و نظم حاکم بر آیات ما قبل و ما بعد.

اگر چه تفسیر موضوعی بر حسب ترتیب مصحف شریف نیست، ولی با این همه نیاز به شناخت سیاق و نظم حاکم بر آیات در تفسیر موضوعی، همانند تفسیر ترتیبی ضروری و واجب است.

مفسر موضوعی، هنگام به کارگیری آیات در کنار هم از سوره‌های مختلف، باید به محور موضوعی در سوره و آیات همجوار علم داشته باشد و بدون آن نمی‌تواند به محتوای آیات پی‌برد و در گردآوری آیات در تفسیر موضوعی محتوا و مفاهیم آیات مهم است، نه الفاظ به تنهایی.

استاد امین الخولی در بحث از تفسیر موضوعی با توجه و در نظر گرفتن آیات قبل و بعد، سابق و لاحق، آیات متقدم و متأخر و با استمداد از معانی لغات قرآن، مناسبتها، شأن نزولها و قرائنی که بر آیه حاکم است، آیات را تبیین می‌نماید و موضوع آنها را مشخص می‌سازد و متذکر می‌شود.

برای آن که تفسیر موضوعی کاملی به دست آید باید مفسر تمام آیاتی که در آن زمینه نفی یا اثبات نظری دارند گردآوری کند و در این باره به خصوص آیاتی که لفظاً آن موضوع را در بردارند اکتفا نکنند، بلکه در جمع آوری آیات، مدار را محتوی قرار دهد نه لفظ. «۱»

۷- بیان دیدگاه قرآن درباره موضوعات.

تفسیر اگر بخواهد تفسیر کلام الهی بوده باشد، باید از دایره آراء شخصی بیرون

(۱)- آیه ۱... جوادی آملی، زن در آئینه جمال و جلال.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۲۰

باشد و حتی مباحث علمی جدید حاکم بر آیات قرآن نگردد زیرا که در غیر این صورت یا تفسیر به رأی خواهد بود که قابل قبول نیست و یا تطبیق آیات با علوم جدید که مطمئناً اولوا الالباب چنین شرحی را بر قرآن نمی‌پذیرند. آن شرحی، تفسیر کتاب خدا به شمار می‌رود که از دیدگاه قرآن، سخن گفته باشد؛ به همین خاطر بهترین و تنها روش تفسیری مطمئن، تفسیر قرآن به قرآن است که در آن عقل مفسر با میزان قرآن، در تحقیق و توضیح آیات به کار می‌آید. تفسیر موضوعی بیانگر رویکرد قرآن نسبت به مسائل و واقعیات خارجی است و نه تطبیق دهنده مباحث علوم روز با آیات قرآنی.

آنچه که بر ارزش هر تفسیر می‌افزاید و نور آفرینی آن به شمار می‌رود، تجلی کلام سخن وحی در کلام مفسران و شرح آیات متحد الموضوع، با بهره‌گیری از روشنایی آیات قرآنی است. این جاست که کلام و کتاب مفسر، سراسر هدایت‌گر است و همچون مشعلی فروزان، فراروی عاشقان و شیفتگان انوار قرآن روشنایی می‌دهد.

سخن مفسر موضوعی، باید برآمده از کلام وحی باشد زیرا این کلام بی‌هیچ تردید هدایت‌گر خواهد بود. مفسر باید با پیروی از روش عترت طاهره در تفسیر قرآن که همان تفسیر قرآن به قرآن است، سخن خویش را با تکیه بر آیات بیان نماید و هر آنچه در تفسیر آیات بیان می‌کند برگرفته از کلام الهی باشد.

۸- احاطه به تمام قرآن و تفسیر ترتیبی.

اصل مهم دیگر در تفسیر موضوعی، احاطه مفسر بر تمام آیات قرآنی است. نه اینکه مفسر موضوعی با استفاده از معجم المفهرس یا کشف الآیات به بیان تفسیر پردازد و اینکه گفته شد مفسر باید به سیاق آیات و نظم حاکم بر آن و تناسب آیات علم داشته باشد، به دلیل این است که بدون آگاهی از جغرافیای آیات قرآنی به تفسیر آن دست نزنند و با احتیاط کامل در بحث از سخن قرآن، سخن برانند. مفسری که با نگاه کردن به چند آیه مشابه الالفاظ دست به تفسیر موضوعی بزند چنان سرمایه و دستمایه‌ای از کلام وحی نخواهد داشت تا به آیات غیر مشابه از حیث لفظی پردازد و

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۲۱

با آنچه اندیشه شخصی وی است به بیان نظر خدای تعالی می‌پردازد و در اینجا اگر با مشکلی روبه‌رو شود یا آیه به آن گویا نباشد با عصیت بیان می‌کند که مراد خدای تعالی باید چنین باشد و قرآن باید چنین سخنی گفته باشد که با این روش بسیاری از دگراندیشان، جوانان ساده و کم مطالعه را به دام انداخته‌اند.

احاطه به تفسیر ترتیبی از آن جهت حائز اهمیت است که تقدم تفسیر ترتیبی بر تفسیر موضوعی بیان شود و «این بخاطر آن است که اگر کسی خواست موضوعی را از نظر قرآن کریم بررسی کند هرگز نمی‌تواند در محدوده المعجم و یا کشف الآیات و کشف المطالب موضوعی را از قرآن استنباط نماید و آن را به قرآن استناد دهد چون خیلی از مسائل مربوط به آن موضوع وجود دارد که با آن لغت بیان نشده است تا المعجم بتواند آن را ارائه نماید. علاوه بر آن، اگر کسی خواست تفسیر موضوعی بگوید یا بنویسد اگر آیه‌ای موضوع مورد نظر را در برداشت آن آیه را نباید منهای سیاق قبل و بعد بنگرد بلکه باید سیاق و خصوصیت‌های موردی آیه را در نظر داشته باشد تا بگوید که این آیه فلان مطلب را تا آن حد بیان می‌کند. بنابراین روشن می‌شود که تفسیر ترتیبی، کامل نیست و زمانی ممکن است انسان موضوع شناس باشد و موضوعی را از قرآن کریم استنباط کند که قبلاً، تفسیر ترتیبی را گذرانده باشد و هر آیه‌ای را با ملاحظه صدر و ذیل آن بحث در نظر بگیرد.» (۱)

در بحث ارتباط تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی با یکدیگر به تفصیل بیان خواهد شد که رابطه این دو رابطه‌ای طولی است و تفسیر ترتیبی، زمینه ساز تفسیر موضوعی است و بدون تفسیر ترتیبی، موضوع کاملی به دست نخواهد آمد و اصلاً تفسیر موضوعی بدون طی دوره‌ای از تفسیر ترتیبی، تفسیر کاملی نخواهد بود.

(۱) - آیه الله جوادی آملی، زن در آئینه جمال و جلال، ص ۳۷.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۲۲

۹- اندازه طاقت مفسر در درک آیات.

طاقت بشر در دریافت و ابلاغ هر علمی، ذو مراتب است و ژرفای قرآن بر هیچ انسان نیک اندیش مسلمان پوشیده نیست. تحولات زمانی، پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی، نیازمندیهای بشر در هر دوره و پرسش‌های پدید آمده در هر عصر و زمانی، چنین اقتضاء می‌کند که کتابی جاودانی، همچون قرآن مجید، فهم جدید به دست دهد و مفسران آن از سر نیاز و طلب، پای از گلیم تفسیر سلف صالح بیرون نهند و با رویکرد قرآنی به نیازهای هر عصر به تناسب زمان پرداخته، جواب قرآن را بیان دارند.

همان گونه که گفته آمد بحث مفسر موضوعی درباره دیدگاه قرآن در پاسخگویی به موضوعی خاص می‌باشد و در هر عصر و شهر باید چنین باشد ولی مقتضیات زمانی و استعدادهای مفسران، دو عنصر مهم در بسط و گسترش دامنه مباحث موضوعی و نوع نگرش به آن است.

مراد ما از طاقت بشری در تفسیر موضوعی آن نیست که تفاسیر موضوعی به کلی از خطا مصون بوده و یا اختلافی در آن متصور نیست. بلکه پاسخگویی به مسائل زمان از دیدگاه قرآن خطابدار نیست آنچه دچار خطا و اشتباه می‌شود، دیدگاه قرآن نیست بلکه تأثیر تفکرات بشری در رویکرد قرآنی است و اگر رویکرد قرآنی از زبان وحی بدون دخالت بشر صورت پذیرد مصون از اشتباه و خطا خواهد بود و تکامل آن در صورت مسأله است نه جواب آن.

آنچه گفته می‌شود «تفسیر موضوعی امری است بشری بدین معنی است که این پدیده تکامل یابنده است، ذو مراتب است، با همه معارف دیگر مرتبط است، بازسازی شونده است، ممکن است به بن بست برسد، اختلاف در آن متصور است، لذا نه کامل است و نه ثابت و نه پیراسته از خلل، نه مستغنی از معارف بشری و نه قدسی و

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۲۳

الهی و نه مصون از کج فهمی کج اندیشان و نه جاودانه و همیشگی» (۱) تعریف از تفسیر موضوعی بدانگونه که مورد نظر ماست مورد توجه نبوده و بشری بودن تفسیر موضوعی را همچون سایر امور بشری پنداشته و همان قیدی که از قرآن جواب بیابد را خوب توجه نکرده است و گرنه، جواب قرآن در قبال یک پرسش یکی خواهد بود و خطای شخص به پای قرآن نباید گذاشته شود. اختلاف در فهم قرآن از اختلاف مقدماتی که مفسرین در فهم از قرآن دارند، نشأت می‌گیرد. ممکن است مفسری با انبوهی از غبار علم بشری و با مقدمات ناصحیح خویش به خطا برود و یا در تشخیص و فهم قرآن به بن بست برسد ولی با مقدمات صحیح و ذوق سلیم و با تدبیر و استمداد از قرآن و عترت از طریق تفسیر موضوعی، مطمئناً پاسخی کامل و غیر قابل خدشه در قبال مشکلات هر عصری می‌توان ارائه کرد.

این احتمال هم بعید به نظر نمی‌رسد که مفسر موضوعی از عمق و ژرفنای قرآن بی‌بهره مانده و سخنش، سخن قرآن نباشد و یا در فهم روشمند از آیات دچار لغزش گردد.

به هر حال از قرآن هیچ باطلی بر نمی‌خیزد و بر دامن قدسی آن غباری نخواهد نشست و ژرفنای آن را کسی با قلب سقیم و نفس معیوب و حجب ظلمانی درک نخواهد کرد بلکه (لا- يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) (۲) و تا نفسی مطمئن نباشد و صاحب آن مطهر، به همجواری آن نائل نمی‌شود.

(۱) - هدایت الله جلیل، روش شناسی تفاسیر موضوعی، ۱۷۲.

(۲) - قرآن مجید، واقعه، ۷۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۲۴

اهمیت و ضرورت تفسیر موضوعی

تبیین ضرورت تفسیر موضوعی، به معنای نفی تفسیر ترتیبی نیست. همان گونه که گفته آمد تفسیر موضوعی از نردبان تفسیر ترتیبی بالا رفته و آخرین مرحله از پیشرفت تفسیری روز این است و در واقع در طول تفسیر ترتیبی می‌باشد رابطه طولی تفسیر موضوعی با تفسیر ترتیبی، خود یکی از نکات اساسی بحث ماست. بعضی از سر جهل و نادانی، به دشمنی و ناسازگاری با تفسیر موضوعی پرداخته‌اند. به این خیال که تفسیر موضوعی جانشین تفسیر ترتیبی خواهد شد و دیگر نیازی به ترتیبی نخواهد بود. اما باید با قاطعیت گفت: تفسیر موضوعی نیامده است تا در ویرانه‌های تفسیر ترتیبی بنشیند و جایگزین آن شود. بلکه نیاز به تفسیر ترتیبی همچنان باقی است و هیچ کدام از این دو روش از یکدیگر مستغنی نیستند بلکه مکمل یکدیگرند و تفسیر موضوعی پاسخگویی به نیاز امروز و آینده جامعه بشری است و برای حلّ و فصل مشکلی است که تفسیر ترتیبی توان حل آن را ندارد.

مرحوم شهید صدر، درباره ضرورت تفسیر موضوعی به بیان اشکالی که مخالفان تفسیر موضوعی مطرح نموده‌اند، پرداخته؛ سپس بدان پاسخ می‌دهد. ما در اینجا سخن ایشان و برخی از بزرگان و دانشمندان قرآنی را بیان می‌نماییم تا اهمیت و ضرورت بحث از تفسیر موضوعی معلوم گردد. ایشان چنین می‌نویسند:

فی المثل ممکن است گفته شود دستیابی به نظریات اساسی - اسلام در موضوعات مختلف - چه ضرورتی دارد؟ فی المثل چه نیازی است که نظر اسلام را در باب نبوت عامه یا درباره سنتهای تاریخ و تحولات اجتماعی بدانیم و یا نظر اسلام را در باب کلیات اقتصاد اسلامی و نیز مراد از آسمان و زمین و ... جو یا شویم؟ چه ضرورتی است که در کشف این گونه نظریات تلاش نماییم؟ ما می‌بینیم پیامبر اکرم (ص) از ارائه این گونه نظریات در قالب و صورت کلاسیک خودداری کرده‌اند و قرآن به همین صورت فعلی به مسلمانان عرضه شده است پس چه نیازی است که خود

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۲۵

را به زحمت انداخته این نظریات را استخراج کنیم در حالی که دیدیم پیامبر اکرم (ص) بر همین صور انباشته و غیر کلاسیک اکتفا نموده‌اند.

حقیقت این است که امروز، ما یک ضرورت اساسی برای استخراج و تنظیم این نظریات درک می‌کنیم و نمی‌توانیم خود را از آنها بی‌نیاز بدانیم ... وضع عمومی و موقعیت اجتماعی، روحی و فکری‌ای که اصحاب رسول اکرم (ص) در آن زندگی می‌کردند همه برای فهم این نظریات، ولو به طور اجمال و برای ایجاد یک مقیاس صحیح در مقام ارزیابی، یک وضع مناسب و مساعد بود. ولی جایی که چنین زمینه مساعدی، مانند وضع امروز، موجود نباشد وقتی نیاز به بررسی نظرات قرآن کریم در اسلام شناسی احساس می‌شود چگونه می‌توان از نظرات عمومی جهانی در این موارد غافل ماند.

با ظهور نظریه‌ها و دیدگاههای متفاوتی که در برخورد بین جهان اسلام و غرب پدید می‌آید با این همه سرمایه‌های فکری که در اسلام داریم و این فرهنگ غنی و متنوعی که قرآن در تمام رشته‌های شناخت انسانی به ما عرضه می‌کند، وقتی برخوردی بین یک نفر مسلمان و یک نفر غربی ایجاد می‌شود، فرد مسلمان خود را در مقابل نظریه‌های فراوانی می‌بیند که در زمینه‌های مختلف ابراز شده است، بنابراین بر او واجب است که نظر اسلام را بداند و برای این که نظر اسلام را در مقابل این نظرات بداند، چاره‌ای ندارد مگر آن که از متون اسلامی استفاده نموده، در اعماق آن، فرو برود تا موضع اسلام را در این مورد نفی و اثباتا دریابد و بفهمد چگونه اسلام همین مشکل را در همین زمینه‌ای که تجارب بشر هشیارانه در جنبه‌های مختلف زندگی به آن رسید، حل کرده است.

این جاست که می‌بینیم تفسیر موضوعی بهترین روش است. «۱» و نیز ضرورت یکی (تفسیر موضوعی)، نفی دیگری (تفسیر ترتیبی)

(۱) - آیه الله محمد باقر صدر، المدرسه القرآنیه، ۳۳-۳۶.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۲۶

نیست (سخن و مسأله در این موضع، مسأله جایگزینی نیست؛ بلکه افزودن روش موضوعی به روش ترتیبی در تفسیر است، یعنی ضرورت برداشتن دو گام در تفسیر، یک گام که تفسیر ترتیبی است و گام دیگر که تفسیر موضوعی است). «۱»
توجه به این نکت نیز ضروری است که امروزه بشر چنان وقت وسیعی در اختیار ندارد تا برای فهمیدن دیدگاه قرآن درباره یک مطلب خاص، همه قرآن را مورد مطالعه قرار دهد. زیرا پیمودن یک دوره تفسیر ترتیبی احتیاج به گذراندن دوره‌ای دراز مدت دارد که از سوره فاتحه آغاز تا سوره ناس پایان می‌پذیرد. لذا علمای اسلام جز معدودی از آنها به این شرف بزرگ نائل نشده‌اند. ایام محدود عمر برای گذراندن دوره‌های طولانی کافی نیست بدین جهت تفسیر موضوعی که دیدگاه قرآن را در مدت اندک و با حجم کم بیان می‌دارد، ضروری است تا نیاز بسیاری از مردم مسلمان برآورده شود.
استاد محمد تقی مصباح نیز بدین ضرورت و اهمیت اشاره نموده، می‌فرماید:

«نمی‌توان در برابر نظامهای فکری غلط، نظام فکری منسجمی را به وسیله مطالب پراکنده ارائه نمود ... در حالی که همه مکاتب انحرافی کوشیده‌اند تا با ارتباط و پیوند یک سلسله مسائل، یک مجموعه کامل منظم و هماهنگ به وجود آورده و اندیشه‌های غلط خود را منسجم معرفی کنند؛ ما باید بیشتر از آنها در فکر عرضه معارف قرآن به صورت سیستماتیک و منظم باشیم تا پژوهشگر با شروع از یک نقطه پیش رود و زنجیره‌وار حلقه‌های معارف اسلامی را به هم ربط داده و به آنچه که هدف قرآن و اسلام است، در نهایت نایل آید.

پس ما ناچاریم معارف قرآنی را دسته‌بندی و به آنها شکل بدهیم تا یاد گرفتن آن برای جوانان که دقت کمی دارند، آسان بوده و همچنین در مقابل نظامهای فکری

(۱) - همان، ۳۷.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۲۷

دیگر، قابل عرضه باشد. «۱»

ایشان دسته‌بندی معارف قرآنی را هم ضرورت و هم مایه اشکال دانسته‌اند:

«دسته بندی معارف قرآن که توأم با تفسیر موضوعی باشد به طوری که آیات را بر حسب موضوعات دسته بندی کنیم و مفاهیم آنها را به دست بیاوریم و رابطه بین آنها را در نظر بگیریم گرچه ضرورت دارد، اما اشکالاتی هم در بردارد. برای دسته بندی معارف قرآن باید نظام خاصی را در نظر بگیریم؛ سپس برای هر موضوعی آیاتی را پیدا کنیم و در کنار یکدیگر قرار دهیم و بعد درباره‌اش بیندیشیم و از همدیگر برای روشن کردن نقطه‌های ابهامی که احیاناً وجود دارد، کمک بگیریم ... ولی باید توجه داشت که وقتی آیه‌ای را از سیاق خود خارج می‌کنیم و آن را تنها، بدون رعایت قبل و بعدش در نظر می‌گیریم ممکن است مفاد واقعی‌اش به دست ما نیاید. به عبارت دیگر آیات قرآن دارای قرائن کلامیه‌ای است که گاهی در آیه قبل و گاهی در آیه بعد و حتی گاهی در سوره دیگری یافت می‌شود و بدون توجه به این قرائن، مفاد واقعی آیات به دست نمی‌آید. برای این که به این محذور دچار نشویم و آیات را مثله و تکه تکه نکنیم ... باید آیات قبل و بعدش را هم در نظر بگیریم و اگر احتمال می‌دهیم که در آیات قبل و بعد قرینه‌ای وجود دارد آنها را هم ذکر نماییم.» «۲»

اشکالی را که استاد مصباح یزدی مطرح کرده‌اند مسأله مهمی است و از اصول تفسیر موضوعی بشمار می‌رود و ما آن را در تعریف تفسیر موضوعی به عنوان یکی از مقومات بحث، ذکر کرده‌ایم و توضیح کافی در شرح این اصل ارائه گردید که نیازی به تکرار آن نیست.

حضرت آیه ۱... حکیم ضرورت تفسیر موضوعی را چنین ذکر کرده‌اند:

(۱) - محمد تقی مصباح، معارف قرآنی، ص ۹.

(۲) - همان، ص ۱۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۲۸

«هنگامی که اسلام در مرحله پیاده شدن در جامعه مسلمانان نمودار شد و با اندیشه‌های مذهبی گوناگون مواجه گردید، نیاز شدید به بحث موضوعی قرآن در زمینه‌های مختلف ظاهر شد؛ زیرا اسلام نیازمند آن شد که مانند یک اندیشه مذهبی که حضرت محمد-صلی الله علیه و آله- به واسطه وحی آن را آورد با اندیشه‌های مذهبی دیگر رویایی نموده، صلاحیت اسلام برای درمان مشکلات زندگی عصر حاضر معلوم گردد... نیاز به تفسیر موضوعی در این عصر در حقیقت برخاسته است از نیاز به عرضه نظریه و اندیشه اسلام و مفاهیم قرآنی به طور کامل که همه شرح‌ها و احکام و قوانین دیگر را در بر گیرد.» (۱)

نشر سخن قرآن برای جهانیان ضرورت دارد که کلام الهی روشن، دقیق، جامع، مستدل و مختصر بیان گردد تا موانع گرایشات مذهبی را رفع نماید و همه ابهامات و اشکالات را بر طرف سازد، هم نواقص علمی بشر را تکمیل کند و هم نقائص اندیشه بشری را بزدايد و تحریفها و نسبت‌های ناروا را از بین برد و اندیشه‌های تابناک و درخشان قرآن را در معرض دید منصفان قرار دهد.

بشر عصر حاضر و آینده بیش از هر عصری، تشنه فرهنگ ناب قرآنی است و شیفته بی‌پیرایگی و پاکی توانمندترین حلال مشکلات اخلاقی و اجتماعی، از هر نوع شائبه و ریب تفسیر به رأی و کج فهمی و بد اندیشی است.

دکتر یوسف قرضاوی چند جهت در ضرورت تفسیر موضوعی ذکر کرده‌اند که چنین است:

«به نظر نگارنده این نوع تحقیق قرآنی، بخصوص در عصر ما بسیار سودمند است و پاسخگوی نیازهایی است که دروه‌های کامل تفسیر ترتیبی قرآن نمی‌توانند از عهده آنها برآیند. توضیح این که تفسیر موضوعی در قیاس با تفسیر ترتیبی امتیازاتی

(۱) - آیه ۱... حکیم، علوم القرآن، ص ۲۷۸.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۲۹

به شرح زیر دارد:

۱- وقتی تحقیق خودمان را روی یک موضوع معین متمرکز می‌کنیم و در تمام آیات مکی و مدنی قرآن، به پی‌جویی مطلب مورد نظرمان می‌پردازیم همه جهات و ابعاد مسأله را می‌توانیم بررسی کنیم و زمینه گسترده‌تری برای بیان و تحقیق فراهم می‌شود که در تفسیر ترتیبی دست نمی‌دهد.

۲- تفسیر موضوعی میدان تحقیق را در برابر محقق باز می‌گرداند و به او امکان می‌دهد که در رابطه با موضوعی که با تخصص و مطالعات او پیوند نزدیک دارد، تحقیق کند. بدیهی است که در این صورت تحقیق موضوعی در قرآن به بهترین وجهی صورت می‌گیرد...

۳- تفسیر موضوعی می‌تواند چهره نوینی از اعجاز قرآن را به جهانیان نشان بدهد که چگونه با آن که کتابی کم حجم است و آورنده آن فردی تحصیل نکرده و خط نوشته و مکتب نرفته است در عصر جاهلیت نشو و نما یافته است، شامل صدها و هزارها

موضوع مختلف که روز به روز بر تعداد این موضوعات افزوده می‌گردد، می‌باشد.» (۱) آقای جعفر سبحانی درباره ضرورت تفسیر موضوعی می‌گویند: «یکی از گامهای مؤثری که مفسران اسلامی در تشریح تفسیر- باید- به وجود آورند... این است که- توجه خود را به شیوه دیگری از تفسیر که همان تفسیر قرآن به صورت موضوعی است، معطوف دارند. آنگاه ملاحظه کنند که در این نوع از تفسیر چه آفاق عظیمی از علوم و معارف قرآن در چشم انداز تفسیری آنان قرار می‌گیرد.

لازمه نزول تدریجی و داشتن ویژگیهای خاص آن این است که تفسیر قرآن علاوه بر روش تفسیر سوره به سوره که از قدیم معمول بوده، از روش تفسیر

(۱)- یوسف قرضاوی، سیمای صابران در قرآن، ص ۱۷، ترجمه دکتر لسانی فشارکی.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۳۰

موضوعی نیز برخوردار گردد و آیات هر موضوعی که در قرآن وارد شده است یکجا مورد بررسی قرار گیرد، مفسری که می‌خواهد مثلاً- نظر قرآن را درباره آسمانها و زمین به دست آورد یا پیرامون معاد در قرآن بررسی کند و یا درباره افعال انسان از نظر جبر و اختیار داوری کند و یا معارف متعلق به افعال خدا را از قبیل هدایت و قضا و قدر را از دیدگاه قرآن روشن نماید، باید مجموع آیات مربوط به هر نوع را دقیقاً گرد آورد، آنگاه نتیجه‌گیری کند و بدون احاطه کامل به آیات هر موضوعی- تا چه رسد به احاطه نسبی- قضاوت درباره آن صحیح نیست.

یکی از علل پیدایش مکتبهای مختلف عقیدتی در میان مسلمانان و استدلال هر گروهی بر عقیده خود از قرآن این است که هر گروهی توجه خود را به یک رشته از آیات معطوف داشته و از رشته دیگری که می‌تواند انقلابی در مفاد واقعی آیات پدید آورد، غفلت نموده است. پیروان نظریه جبری‌گری در افعال بشر و یا نظریه تفویض از این روش پیروی نموده‌اند. از این جهت در تفسیر مقاصد الهی، مرتکب اشتباهات جبران ناپذیری شده‌اند.» (۱)

و به قول دکتر محمد عفت الشرفاوی: «در تفسیر موضوعی، مفسر، اندیشه‌اش را کمال می‌بخشد و تمام موارد آن (موضوع مورد نظر) را از اول تا آخر استقصاء می‌کند و آینده را با گذشته درک می‌کند و می‌تواند معانی و مفاهیم و اهداف آن را بررسی نماید.» (۲)

و بالاخره تخصصی شدن علوم و فنون ضرورت تفسیر موضوعی را دو چندان می‌کند.

(۱)- جعفر سبحانی، منشور جاوید قرآن (تفسیر موضوعی)، ص ۱۲-۱۱.

(۲)- محمد عفت الشرفاوی، الفکر الدینی فی مواجهه العصر، ص ۳۴۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۳۱

روش تحقیق در تفسیر موضوعی

آنچه که از بحث ضرورت تفسیر موضوعی و تعریف آن حاصل شد این است که مفسر موضوعی در روش تفسیری خویش، در حقیقت از یک روش قرآنی پیروی می‌کند و اختلافی در سیر کلی این روش تفسیری نیست. آنچه دیگران به زعم خویش، آن را روش‌های تفسیر موضوعی پنداشته‌اند، برداشت نادرست و ناصوابی از قرآن مجید و از این روش تفسیری است، و گرنه از کتاب واحد وحیانی دو برداشت، در یک موضوع، به عنوان سخن قرآن، ناصواب است. بررسی روش و یا روش‌های بحث در تفسیر

موضوعی و نحوه برداشت دیدگاه قرآن و مراحل آن را در این جا بیان می‌داریم.

روش و یا روش‌های بحث در تفسیر موضوعی

بر خلاف تفسیر ترتیبی که مشتمل بر چند روش تفسیری می‌باشد و مفسران ترتیبی به حسب علاقه و ذوق خویش، وارد آن شده و به زعم خویش آن را تفسیر کرده‌اند، در روش موضوعی که سعی مفسران بر دریافت سخن قرآنی و پاسخگویی به مسائل از طریق قرآن می‌باشد، تنها یک راه در فهم و یافتن جواب سؤال وجود دارد تا بحث موضوعی از دیدگاه قرآن ارائه شود و مانند روش تفسیر قرآن به قرآن یک روش بیشتر نیست. هر چند مشاهده می‌گردد که بعضی از مفسران در روش بحثی که در آثار خویش بر جای نهادند، پا جای پای هم نگذاشتند و اندکی اختلاف دارند و «ما در فصول اصلی تحقیق بطور مستند نشان خواهیم داد که مفسرین موضوعی از تفسیر موضوعی تلقی و درک واحدی نداشته‌اند و میان نگرش‌ها، اغراض، انتظارات و فهمشان از این روش فاصله‌های روشنی دیده می‌شود این نکته را از تصویری که خود آنان از روش موضوعی ارائه می‌کنند، می‌توان به وضوح دریافت».

(۱)

(۱) - روش شناسایی تفاسیر موضوعی، هدایت اله جلیلی، ۴۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۳۲

یکی از محققان در مقاله‌ای با عنوان (نگاهی به تفاسیر موضوعی معاصر) مدعی تعدد روشها، در تفسیر موضوعی شده، این چنین نوشته‌اند: «تردیدی نیست تفسیر موضوعی نیز مانند سایر انواع تفاسیر، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی دارد و همه آنهايي که در این زمینه کار کرده‌اند، یکسان با تفسیر موضوعی برخورد نداشته‌اند. گرچه این اختلافات عمدتاً برخاسته از چگونگی تحقیق و تنظیم و ترتیب و نگرش به آن است، اما به هر حال، تنوع قابل ملاحظه‌ای را بدان بخشیده است. شیوه خدامحوری، روش تسلسل طبیعی، شیوه موضوع مداری، شیوه توحیدی» (۱) از بیان فوق چنین بر می‌آید که نویسنده محترم، در شناخت بین روش تفسیر موضوعی و روش بحث در تفسیر موضوعی از سوی مفسران را جمع کرده و دومی را به جای اولی مورد بحث قرار داده است.

نکته‌ای که مورد توجه نویسنده محترم مقاله (نگاهی به تفاسیر موضوعی معاصر) قرار گرفته، صحیح و در جای خود مورد تأمل است. یعنی گونه‌های مختلف از ورود و خروج از مباحث موضوعی و انتخاب موضوع بحث از تفسیر موضوعی، در میان مفسران موضوعی عصر حاضر، متفاوت است و هر مفسری به مقتضای بحث و زمان و مکان، گام در وادی قرآن نهاده و از آن دیدگاه، به مسائل می‌نگرد.

نویسندگان مجموعه تفسیر موضوعی پیام قرآن، روش خویش را بررسی مباحث اعتقادی از دیدگاه قرآن قرار داده‌اند و از توحید آغاز نموده، به دیگر مباحث اعتقادی رسیده‌اند و به همین صورت ادامه داده‌اند. استاد جوادی آملی سلسله‌وار، مباحث مبدأ و معاد و راه هدایت و ... را برگزیده و به اعتقاد وی، مباحث اعتقادی اهمیت بیشتری دارد و معارفی که در ارتباط با آغاز، انجام و مسیر آفرینش است، بیشتر آیات قرآنی را در بر گرفته‌اند. بالاخره آن که موضوع مداری، خدا محوری،

(۱) - کیهان، اندیشه شماره ۲۸، سید محمد ایازی.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۳۳

روش تسلسل طبیعی و شیوه توحیدی در روش بحث از تفسیر موضوعی، میان مفسران معاصر به چشم می‌خورد و آن در واقع، نحوه ورود و انتخاب بحث در بین مفسران مختلف است. هر چند روش همه مفسران موضوعی، شناخت دیدگاه قرآن در مسائل مختلف

است.

در این که روش بحث در تفسیر موضوعی، واحد می‌باشد، بحثی نیست اما این که این روش، راه سیر تکاملی داشته و یا خیر؟ قابل تأمل است. با اندکی دقت می‌توان دریافت که تفسیر موضوعی از ابتدا بدین نحو نبوده و شکل ابتدایی داشته کم کم و تکامل یافته بدین نحو در عصر حاضر ظهور و بروز کرده است. این سیر تاریخی موجب اتخاذ روشهایی در چگونگی تحقیق و تبیین و ارائه آن شده است که در این بخش به نمونه‌هایی از این روشها اشاره خواهد شد.

روش اول: ابتدایی‌ترین روش تفسیر موضوعی جمع‌آوری واژه‌هایی است که درباره یک موضوع در قرآن سخن رفته است. مفسرانی در گذشته برای درک و فهم قرآن، تمام استعلامات یک واژه را جمع‌آوری و مقایسه می‌کرده‌اند تا در سایه آن بتوانند بر عمق معانی راه یابند.

یکی از کسانی که بر این روش ساده، کتاب نوشت، راغب اصفهانی بوده است که در قرن پنجم، کتاب مفردات خویش را به رشته تحریر در آورد.

در این روش، پژوهشگر، کلمه‌ای از کلمات قرآن کریم را جستجو می‌کند، سپس آیاتی که در آنها، کلمه یا مشتقاتی از ماده آنها، از حیث لغوی آمده است را جمع‌آوری می‌نماید و بعد از جمع‌آوری آیات و احاطه و تسلط به تفسیر آنها، در پی دلالت‌های کلمه، از خلال استعلامات قرآن کریم برای آن کلمه بر می‌آید و چه بسیار از کلمات قرآنی که به خاطر تکرار فراوان، جزء مصطلحات قرآنی به شمار می‌آیند.

کتابهای غریب القرآن و کتابهای اشباه و نظایر، این روش از تفسیر را در بر دارند و این نویسندگان در حیطه دلالت کلمه در مکان خود باقی مانده و بحثی از ارتباط بین

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۳۴

آیات در سوره‌های مختلف انجام نداده‌اند؛ پس تفسیرشان از کلمه، در دایره دلالت لفظی باقی مانده است.

در این جا نمونه‌ای را از کتاب المفردات فی غریب القرآن اثر مرحوم راغب اصفهانی ذکر می‌نماییم:

«امه: هر جماعتی که آنها را امری جمع نماید، دین واحد یا زمان واحد و یا مکان واحد، چه آن امر جمع کننده تسخیری باشد یا اختیاری و جمع امت، امم است.

قوله تعالی (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ) یعنی هر نوعی از آن امر جمع کننده تسخیری باشد یا اختیاری و جمع امت، امم است.

قوله تعالی (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ) یعنی هر نوعی از آن که بر روش که خدای تعالی بالطبیعه بر آن تسخیر کرده است پس او بین تنندگان مثل عنکبوت یا پيله گذاران مانند کرم ابریشم و یا ذخیره سازان مثل مورچه ... باشد.

قوله تعالی (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً) یعنی صنف واحدی و بر روش واحدی در گمراهی و کفر هستند قوله تعالی (وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً) در ایمان، قوله تعالی: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ (جماعتی که در عمل و علم مختار باشند و الگو، برای دیگران باشند. قوله تعالی (إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ) یعنی یک دین اجتماعی و قوله تعالی (لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ) یعنی جماعتی.» (۱)

راغب اصفهانی در جمع‌آوری الفاظ قرآن، راه را برای این شیوه هموار ساخت و همه الفاظ را در کنار استعمالات گسترده آن، جمع‌آوری نمود تا با آن تحقیق و درک و فهم مفاهیم و کلمات آسان گردد. گرچه راغب اصفهانی در آن عصر برای

(۱) - راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، لفظ امه.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۳۵

تفسیر موضوعی این اثر را به یادگار نهاد، اما هدف وی از این مجموعه آسان کردن شیوه فهم و درک معانی بود که بعدها پایه‌ای برای این سنخ از تفاسیر ابتدایی موضوعی گردید.

کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» اثر استاد حسن مصطفوی از همین روش در تفسیر موضوعی استفاده نمود که ابتدا معنای کلمه را آورده و سپس آیات را با توجه به معنای اصلی کلمه شرح می‌نماید و آیات نظیر را می‌آورد و در پایان، آیاتی که همان معنای را اشاره می‌کنند، بیان می‌کند و برای نمونه مختصری از روش ایشان را یادآور می‌شویم.

لفظ کشف «۱» را از کتابها و معجم‌های مصباح اللغه فیومی، مقایس اللغه ابن فارس، تهذیب اللغه ازهری معنا نموده، سپس به تحقیق این لفظ در آیات قرآن مجید پرداخته است.

در تحقیق آیات به معانی مختلف این لفظ اشاره شده و بسیار دقیق به بسط و شرح معانی آیات هم لفظ، پرداخته است.

فهرستهای موضوعی قرآن به نامهای گوناگون، نامیده می‌شوند که عبارتند از:

تفصیل الآیات، طبقات الآیات، تبویب الای، کشف المطالب و فهرست المطالب، حفظ قرآن، سنتی بسیار قدیمی است که سابقه‌اش به عصر نزول وحی باز می‌گردد

و علمای مسلمان متقدم اعم از متکلم، فقیه، عارف و لغوی - تا چه رسد به قاریان، مقریان و قرآن شناسان و مفسران - استحضر ذهنی کامل نسبت به آیات قرآن داشته‌اند لذا آنان به اندازه محققان امروز نیاز به فهرست و طبقه‌بندی آیات و تعیین موضوعات قرآن مجید نداشته‌اند اما امروزه آن حفظ و حضور ذهنی همگانی کاهش یافته و از این روی نیاز به انواع فهرس افزایش پیدا کرده است.

(۱) - حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۶۸-۶۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۳۶

فهرست یا فرهنگ موضوعی قرآن مجید سابقه کهنی ندارد. تفصیل الآیات ژول لابوم (۱۸۷۶-۱۸۰۶) مستشرق فرانسوی نخستین فهرست موضوع جدید و جدی قرآن است که بر مبنای ترجمه فرانسوی کازیمیرسکی از قرآن تدوین شده و نخست بار در سال ۱۸۷۷ میلادی منتشر شده است. این فهرست در ۱۸ باب با موضوع کلی است که هر موضوع کلی خود، به موضوعات جزئی‌تر تقسیم شده است و مجموعاً ۳۵۰ موضوع را شامل می‌شود:

محمد فؤاد عبد الباقی از فهرست سازان برجسته مجموعه‌های حدیث مفتاح کنوز السنه و قرآن (کشف الآیات معروف: المعجم المفهرس الفاظ القرآن الکریم) در سال ۱۹۲۴ این فهرست را تحت عنوان تفصیل آیات القرآن الکریم به عربی در آورد ولی انتشار آن تا سال ۱۹۳۵ به تأخیر افتاد. وی ۱۸ باب و ۳۵۰ فصل را نارسا یافت و مستدرکی تقریباً شامل صد موضوع دیگر بر آن افزود و این رشد سرچشمه همه فهرستهایی است که تا کنون شناخته شده است. نقص عمده این فهرست این است که محتویات قرآن مجید را به ۳۰۰ الی ۴۰۰ موضوع منحصر و محدود کرده است. حال آن که به تخمین ما این یک دهم (۱/۰) موضوعات مستقلی است که در قرآن مطرح است. اشکال دیگر این فهرست و در واقع نقص فنی ساختاری آن و همه اقتباسهای بعد از آن این است که زیر هر موضوع که لفظ آن در قرآن آمده باشد، یا معنای مترادف دیگری به ذهن جوینده برسد، نمی‌توان گم‌شده خویش را، در این فهرست یافت. برای نمونه مسأله شهادت (جانبازی در راه خدا) و شهید و استشهاد در این فهرست، زیر کلمه‌ای آمده است که راه بردن به آن دشوار است؛ یعنی «الاضطهاد سبب العقیده» که برای ایرانیان مأنوس نیست. البته از نظر آنان، انس ایرانیان شرط نیست؛

ولی رعایت آن برای ما لازم است. از آن جا که شهادت در قرآن مجید به معنای گواهی است. ما نیز در فهرست حاضر «الاضطهاد» را پذیرفته‌ایم ولی از شهادت و شهید و نظایر آن و هر مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۳۷ چه نزدیک به این معنا بوده به آن ارجاع داده‌ایم. «۱»

فهرست آثار دیگر از معجمهای موضوعی قرآن عبارتست از:

۱- تفصیل الآیات: ژول لایوم، بیروت: دار الفکر ۱۳۷۳ ق. ترجمه و تکمیل: محمد فؤاد عبد الباقی.

۶۷۲ ص، اصل این کتاب در ۷۹۵ صفحه در سال ۱۸۷۸ میلادی در پاریس به چاپ رسیده است ضمیمه کتاب. «مستدرک معجم موضوعی قرآن» از «ادوار مونه» است که در پایان، ترجمه قرآن به فرانسه از مؤلف فوق آمده است و توسط فؤاد عبد الباقی تعریف شده است.

این اثر، نخستین معجم موضوعی قرآن است که موضوعات مطرح شده در قرآن را همراه با آیات آن آورده است.

ترجمه‌های فارسی کتاب مذکور تا به حال در ایران به سه صورت چاپ شده است:

الف) کشف المطالب اعتماد السلطنه: محمد حسن خان صنیع الدوله (اعتماد السلطنه)، چاپ توسط محمد حسین مولوی کتابفروش ۱۳۲۷ ش، ۵۹۵ ص.

ب) تفصیل الآیات القرآن الکریم: به اهتمام کیکاوس ملک منصور، تهران:

شرکت سهامی گوتبرگ، ۱۳۸۹ ق با ترجمه آقای مهدی الهی قمشه‌ای.

ج) تفصیل الآیات القرآن الکریم به انضمام مستدرک، تهران: اسلامیة، با مقدمه علامه شعرانی و ترجمه الهی قمشه‌ای.

۲- دلیل مباحث علوم القرآن المجید: محمد العربی الغوزی، بیروت: دار الهادی للطباعة و النشر و التوزیع ۱۳۷۵ ق.

(۱)- فرهنگ موضوعی قرآن مجید، بهاء الدین خرمشاهی و کامران فانی، مقدمه.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۳۸

۲۵۵ ص [فهرستی است موضوعی که در ۲۸ فصل اصلی تقسیم‌بندی شد]

۳- الجامع لمواضع آیات القرآن الکریم: محمد فارس برکات. قم، دار الهجره، ۱۴۰۴ ق، ۶۶۰ ص کتاب حاضر نخست در تاریخ ۱۳۷۸ ق در دمشق منتشر شد. این فهرست موضوعی با ۲۲ باب، بیش از ۴۳۲ مدخل فرعی مباحث قرآن را همراه با ذکر آیه به ترتیب قرآن و ذکر نام سوره و شماره آیه می‌آورد.

۴- الترتیب و البیان عن تفصیل آی القرآن: محمد زکی صالح. بغداد: دار المکتبه العلمیه، ۲ جلد، ۱۳۹۹ ق. این معجم موضوعی (و گاه تفسیری) مشتمل بر ۱۳۰ مدخل اصلی و برخی عناوین فرعی است ترتیب موضوعات غیر الفبایی است و جلد اول آن از مباحث توحید و خلقت آسمان و زمین شروع شده و در جلد دوم از موضوعات وحی و زندگی انبیاء آغاز و در نهایت به احکام عبادی و جزایی اسلام خاتمه یافته است: گزینش موضوعات در آن، تنها متکی به عبارات قرآن نیست و گاه مستفاد از قرآن است. ضمناً به موضوعات جدید همانند دموکراسی، علوم تجربی و عناوین اقتصادی توجه نشان داده است. «۱»

۵- فهرس المطالب القرآن: دکتر محمود رامیار، تهران: امیر کبیر، ضمیمه قرآن، ۱۳۴۵ ش. این فهرست شامل ۳۲ فصل و ۱۵۰۰ موضوع و ارجاع است و نیز شامل دو قسمت است بخش اول معجم الفاظ قرآن به ترتیب هیأت کلمات نه ماده و اشتقاق عربی کلمات تنظیم گردیده و بخش دوم آن معجم موضوعی است در مجموع این فهرست از جامعیت ویژه‌ای برخوردار است.

(۱)- از مقاله سید محمد علی ایازی، شماره ۱/ ۱۲۲-۱۱۴ بینات استفاده شده است.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۳۹

طبقات آیات: خلیل الله صبری، تهران: امیر کبیر ۱۳۴۴ ش. ۱۱۰۲ ص. نویسنده، موضوعات قرآن کریم را در ۲۶ فصل از اعتقادات و احکام آورده است.

۷- راهنمای قرآن دائرة المعارف قرآن: حسین عمادزاده، تهران: رشیدیه، ۱۳۴۹ ش، ۷۲۳ ص، فهرست فصول و مطالب در ۸۲۵ موضوع با شماره آیات مورد نظر و ترجمه آن تنظیم شده است.

در این فهرست موضوعات به صورت جمله است نه مدخل و عنوان کلی و جزئی.

۸- فهرس الموضوعات محمد حسین الحمصی: (تفسیر و بیان مع فهارس کامله للمواضيع والالفاظ القرآن، فهرس الموضوعات)، دمشق و بیروت: دار الرشید، ۱۴۰۵ ق، ۲۹۵ ص.

این فهرست، به صورت موضوعی و الفبایی تنظیم شده است در مجموع شماره مدخلهای فرعی و اصلی این معجم موضوعی، ۱۰۵۰ عنوان است. که مدخلهای اصلی آن عبارتند از: ارکان اسلام، ایمان، قرآن، علوم و فنون، عمل، دعوت الی الله، جهاد، انسان و علاقات اخلاقی، اجتماعی، علاقات مالی، قضایی، سیاسی و عام، تجارت و زراعت و صناعت قصص و تاریخ، دیانات.

۹- الفهرس الموضوعی الآیات القرآن الکریم: محمد مصطفی محمد عمان: دار عمار، بیروت: دار الجیل، ۱۴۰۹ ق، ۵۵۵ ص معجمی است موضوعی و غیر الفبایی که شامل ۳۰ عنوان کلی و ۶۴۸ عنوان مرکب فرعی است در این معجم به موضوعاتی که لفظا در قرآن نیامده، ولی از نظر محتوا، قرآن به آن موضوعات نظر داشته نیز عنایت شده است.

۱۰- دلیل الباحثین فی الموضوعات القرآنیه:

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴۰

محمد محمود محمد بیروت: دار آزاك للطباعه و النشر و التوزیع، اسکندریه:

دار المطبوعات الجدیده، ۱۴۱۰ ق، ۷۱۵ ص.

فهرستی است الفبایی از موضوعاتی که یا در قرآن لفظا به آن تصریح شده و یا از قرآن استنباط می‌شود.

عموم عناوین به شکل مرکب تنظیم شده است مجموع عناوین مرکب ۱۴۳۳ مدخل و تعداد آیاتی که در این قسمت معجم آورده شده ۱۸۰۱۰ آیه است. اعلام فهرست شده ۱۰۳ مدخل و آیات آن ۷۰۶ آیه است.

۱۱- المعجم الموضوعی لآیات القرآن الکریم: صبحی عبد الرؤف عصر. قاهره: دار الفضیله، ۱۹۹۰ م، ۸۳۱ ص. معجمی است موضوعی و غیر الفبایی شامل سه بخش ایمان، تقوی، کفر و فجور.

۱۲- فرهنگ موضوعی قرآن مجید: کامران فانی. بهاء الدین خرمشاهی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۶۴ ش، ۴۲۰ ص. معجمی است الفبایی موضوعی که از ویژگیهای این معجم ارجاع موضوعهای هم معنی و یا مربوط به هم به یکدیگر است.

با توجه به فهرست معجمهای ارائه شده، یکی از مراحل ابتدایی تفسیر موضوعی را معجمهای موضوعی تشکیل می‌دهند. یعنی در کار تفسیر موضوعی، ابتدا عنوانی گزینش می‌گردد آنگاه بر اساس ترتیب منطقی مباحث، به جمع بندی و تحلیل آن موضوع پرداخته می‌شود. در این روش، مفسر آیات مربوط به یک موضوع را از محلهای مختلف جمع آوری می‌کند و با یکدیگر تطبیق می‌دهد و از مجموع آنها استنتاج مشخص و جمع بندی معینی دارد که در نهایت دیدگاه قرآن را نسبت به آن موضوع ارائه می‌دهد و به داوری از مجموع آیات معین می‌پردازد. در حالی که معجم موضوعی، تنها برای اطلاع رسانی است و طبقه بندی موضوعات و سازماندهی اطلاعات جهت راهنمایی محقق می‌باشد و تنها در مرحله گردآوری آیات هم

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴۱

موضوع می‌باشد.

نکته دیگر این که تفسیر موضوعی جهت استفاده عموم مردم است و کار پخته است، ولی معجم موضوعی تنها برای محققان کاربرد عملی دارد و برای همه مردم قابل استفاده نیست و تنها پایه و مبنای پژوهشهای بعدی در زمینه شناخت دیدگاه قرآن است و باز هم تأکید می‌نمائیم که مرحله ابتدایی در ارائه تفسیر موضوعی است و همگام گام اصلی آن به شمار نمی‌آید.

روش دوم: تفسیر موضوعی از موضوعی خاص در سراسر قرآن است که کاملترین روش تفسیر موضوعی به حساب می‌آید. این روش همان گونه که در تعریف آورده‌ایم عبارت است از: دسته‌بندی منطقی آیات قرآن که درباره موضوع واحدی هستند و استخراج دیدگاه قرآن از مجموع آن آیات در موضوع معین. حال ممکن است موضوع به حسب نیاز زمان و جامعه بوده باشد یا به انتخاب مفسر و یا آن که خواهان نظر قرآن درباره سؤال مطرح شده باشیم.

بیشتر کتابهای تفسیر موضوعی به طور تک‌نگاری بوده و کمتر از نگارندگان تفسیری کسی به صورت مستمر به این روش به طور مسلسل پرداخته است. ولی با این همه تفسیر موضوعی، نهال نوپایی است که در اندک مدت، به خوبی نشو و نما یافته و در استنباط احکام شرعی و رویکرد قرآن نسبت به مسائل بسیار مفید و راهگشا بوده است.

سیر تاریخی این روش در فصل دوم خواهد آمد و تعریف و مباحث آن در همین تحقیق بطور مستوفی خواهد گذشت. این روش در طول این تحقیق مورد بحث ما خواهد بود و ما در تفسیر موضوعی همین روش را پسندیده‌ایم؛ زیرا دیگر روشها، کارگشا نیستند. هر چند سایر روشها را نیز به نقد خواهیم کشید تا سبب قبول این روش بر همگان روشن گردد و در یک کلام باید گفت: تفسیر موضوعی بر این روش اطلاق شده و نمود یافته است.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴۲

روش سوم: نوعی دیگر از تفسیر که ما نامش را تفسیر ارتباطی یا زنجیره‌ای نهاده‌ایم آن است که موضوعات قرآن را در ارتباط با یکدیگر ببینیم مثلاً بعد از این که موضوع ایمان، تقوی و عمل صالح به طور جداگانه در تفسیر موضوعی مورد بررسی قرار گرفت، مفسّر، این سه مطلب را در ارتباط با یکدیگر با توجه به آیات قرآن و اشاراتی که در آن است تفسیر می‌کند و ارتباط این سه را با یکدیگر روشن می‌سازد و مسلماً در این صورت حقایق تازه‌ای از چگونگی رابطه این موضوعات با یکدیگر برای ما کشف می‌شود که بسیار ارزنده و راهگشاست.

می‌دانیم طرز صحیح مطالعه عالم آفرینش و موجودات عالم هستی، آن است که آنها را در رابطه با یکدیگر ببینیم خورشید و ماه و زمین و انسان و جوامع انسانی در حقیقت موضوعاتی جدا از هم نیستند و در مجموع یک واحد به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند و طرز مطالعه صحیح آنها این است که همه را در ارتباط با هم مورد بررسی قرار دهیم.

در کتاب تدوین، یعنی قرآن مجید نیز مطلب به همین گونه است و روابط دقیق و ظریفی در میان همه موضوعات قرآنی موجود می‌باشد و باید آنها را در ارتباط با یکدیگر مورد تفسیر قرار داد. «۱»

در تفسیر راهنما، روشی دیگر، به عنوان روشی پیشرفته‌تر از روش موضوعی قرآن نام برده شده است که به زعم آنان «روش تفسیر سیستمی موضوعی است که این روش بر خلاف روشهای پیشین که در مورد هر یک از موضوعات همچون دائرةالمعارفی موضوعی، به مسائل آن پاره پاره نظاره می‌کند و هر یک از آنها را بدون ارتباط با دیگر موضوعات تحقیق و ارزیابی می‌کند، بر اساس موضوعات مرتبط و منسجم با هم بررسی می‌گردد و بطور سیستمیک و سازواره عرضه می‌گردد.

(۱) - ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۱، ص ۱۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴۳

به صورتی که الگویی جامع از دیدگاه قرآن نسبت به انسان و زندگی فردی و اجتماعی او در تمام ابعاد و مرتبط با جهان هستی ارائه گردد ... منظور از این روش ارائه الگویی جامع از دیدگاه قرآن است که ترسیم‌گر نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی باشد و بتواند مجموعه عقاید، اخلاق و احکام را در ارتباط با هم در یک نظام منسجم معرفی کند. «۱»

هر چند این روش را حضرت آیه‌اله مکارم شیرازی مرحله پیشرفته‌تری از تفسیر موضوعی معرفی کرده‌اند، ولی با توجه به تعریف تفسیر موضوعی، روش نام برده، از این نوع به شمار نمی‌رود و یک تفسیر موضوعی مجموعه‌ای است که گردآوری شده از موضوعات متفاوت از دیدگاه قرآن می‌باشد.

نکته دیگر این که روش تفسیر سیستمی موضوعی، تنها در حدّ یک پیشنهاد باقی مانده و در مقام فرضیه ارائه گردیده است و کسی تا به حال بدان نپرداخته است و اصلاً با تعریفی که ارائه نموده‌ایم مطابقت ندارد و نیز این پیشنهاد را می‌توان به صورت مجموعه‌ای از دیدگاه‌های قرآن در موضوعات مختلف دانست و در واقع دائرة المعارف موضوعات قرآنی به شمار می‌آید. هر چند این روش جدای از روش تفسیر موضوعی نیست و نیز متکامل‌تر از این روش محسوب نمی‌گردد.

مقایسه‌ای که میان «کتاب تکوین» و «کتاب تدوین» از جناب استاد مکارم شیرازی صورت پذیرفته است، مقایسه‌ای بجا و شایسته است ولی این مقایسه ایجاب نمی‌کند که ما در تعریف از تفسیر موضوعی خلل ایجاد نماییم؛ بلکه شایسته است موضوعات متفاوت از منظر نظریات قرآنی مورد بحث قرار گیرند و رابطه متقابل بین موضوعات وابسته به هم بیان گردد و یا به طور مجموعه‌ای دیدگاه قرآن ارائه گردد.

در پایان شایان ذکر است که بسیاری از موضوعات قرآنی به طور گروهی به هم

(۱) - اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ص ۴۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴۴

پیوستگی دارند و نظم حاکم بر قرآن مجید حاکی از آن است و ما به دقت به آن اشاره کرده‌ایم.

روش چهارم: تفسیر موضوعی سوره‌ای را جناب دکتر مصطفی مسلم ارائه کرده‌اند و نمونه‌ای از آن را بیان داشته‌اند هر چند این روش را محدودتر از تفسیر موضوعی به شمار آورده‌اند.

«در این روش از هدف اساسی در سوره‌ای واحد بحث می‌شود و این هدف، همان محور موضوعی در سوره می‌باشد. طریقه بحث در این روش، آن است که محقق، از هدف یا اهداف اساسی سوره جست و جو می‌کند، سپس سبب نزول سوره یا آیاتی که موضوع اساسی سوره را عرضه می‌دارند، بررسی می‌کند. آنگاه به ترتیب آیات نازل شده از بین سوره‌های مکی و مدنی نظاره می‌نماید تا اسلوبهای قرآنی در نمایش موضوع و رابطه‌های بین آیات در سوره را روشن نماید. محقق برای هر سوره، شخصیت مستقل و اهداف اساسی می‌یابد. روشن است که سوره‌های مکی، مبانی عقیده اسلامی چون: خداشناسی، نبوت و زندگی پس از مرگ (رستاخیز) را عرضه می‌دارد به همین خاطر ممکن است محقق در هر سوره مکی، یکی از جوانب اصول اعتقادی را بررسی نماید ...» «۱»

نویسنده در ادامه ادعا می‌کنند که فخر رازی در «تفسیر کبیر»، بقاعی در «نظم الدرر»، عبدالمجید فراهی در «نظام القرآن» و سید قطب در «فی ظلال القرآن» به همین روش عمل کرده‌اند. با توجه به ادعای ایشان و روش وی در ارائه این نوع از تفسیر موضوعی، چند نکته را می‌توان در این خصوص عرضه داشت:

اولاً- این روشی جدید در تفسیر موضوعی نیست، بلکه همان تفسیر سوره‌ای است که بر مبنای محور موضوعی تفسیر شده است. دقت در محور موضوعی، تفسیر

(۱) - مباحث فی التفسیر موضوعی، دکتر مصطفی مسلم، ۲۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴۵

سوره را آسان می‌کند و تناسب آیات و ارتباط آنها را و نظم مفهومی و صوری آیات را می‌توان فهمید.

به عنوان مثال، استاد دکتر لسانی فشارکی محور موضوعی را یکی از حلقه‌های شناخت سوره‌های قرآن و سوره‌های هم‌گروه به شمار آورده‌اند. ایشان محور موضوعی را در سوره حدید، ختم نبوت و ختم کتاب می‌دانند و در گروه سور مسبحات، محور موضوعی را رسالت و کتاب می‌دانند و برای یافتن محور موضوعی آخرین رکوع سوره را معیار قرار می‌دهند و هدفی که در آن رکوع وجود دارد، محور موضوعی سوره به شمار می‌رود. «۱»

تمام سوره‌هایی که حمد دارند یک سنخ هستند و دارای مضمون و مطلب واحدی هستند و در قرآن کریم پشت سر هم قرار گرفته‌اند همچنان که سوره‌های الم دار، همه یک سنخ بوده و دارای مضمون و مطالب واحدی هستند. «۲»

ثانیا در تعریف تفسیر موضوعی آورده شد که از سراسر قرآن مجید دیدگاه قرآن را جستجو نموده و بیان دارند در حالی که تفسیر سوره‌ای، گویای دیدگاه قرآن نخواهد بود، بعضی از کسانی که تفسیر موضوعی را تعریف کرده‌اند، آورده‌اند که در حد سوره یا کل قرآن، و این قیدی نابجا می‌باشد.

ثالثا ما در تعریف موضوعی بر رعایت نظم و ارتباط آیات و تناسب آیات و سور تأکید نموده‌ایم و این خاص تفسیر موضوعی سوره‌ای نمی‌باشد و ضرورتی ندارد تا نوعی خاص از تفسیر موضوعی به شمار آورده شود؛ ولی نوعی از تفسیر ترتیبی سوره‌ای به شمار می‌رود.

شایسته است دوباره متذکر شویم که تفسیر موضوعی مقبول و مطلوب، همان

(۱) - تفسیر تحقیقی سوره حدید، دکتر لسانی فشارکی (جزوه، دانشگاه امام صادق «ع»).

(۲) - مهر تابان، علامه حسین طهرانی، ص ۹۳.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴۶

روش دوم می‌باشد که مطابق تعریف است و دو نوع پیشنهادی دیگر که ارائه شد، از این تعریف بیرون می‌باشند.

روش بحث در موضوعی از خلال قرآن کریم

برای بیان دیدگاه قرآن از موضوعی خاص، باید مراحل خاصی را طی نمود تا روش تفسیر موضوعی آن دقیق و صحیح، گویای دیدگاه قرآن باشد.

مراحلی را استاد مصطفی مسلم جهت رسیدن به تفسیر موضوعی ارائه کرده‌اند که عبارتست از:

۱- انتخاب عنوان مناسب برای موضوع قرآنی، بعد از مشخص کردن نشانه‌های حدود آن و شناخت ابعاد آن در آیات قرآنی است.

۲- جمع آوری آیات قرآنی که از آن موضوع بحث می‌نماید یا به جانبی از جوانب بحث، اشاره دارد.

۳- ترتیب این آیات بر حسب زمان نزول (و مکی و مدنی بودن آن آیات).

زیرا آنچه که در مکه نازل شده است اغلب متعلق به مبانی عقیدتی است و نزول آیاتی مشخص در زمینه اموری همچون انفاق یا زکات یا نیکوکاری در مدینه بوده است.

۴- بررسی تفسیر این آیات، به طور کامل، رجوع به کتابهای تفسیر تحلیلی و شناخت اسباب نزول آنها در صورت وجود و دلالت‌های

الفاظ و استعمالات آنها و روابط بین الفاظ در جمله و بین جملات در آیه و بین آیات در مجموعه‌ای که از موضوع سخن می‌گویند.

۵- بعد از احاطه به مفاهیم آیات به طور مجموعی، محقق به استنباط عناصر اساسی، برای موضوع از خلال رویکردهای قرآنی برای احاطه بدان یا استنباط از آیات متعلق بدان موضوع می‌پردازد و محقق باید بعضی از عناصر اساسی را بر غیر اساسی مقدم بدارد و اگر به طبیعت بحث دست یابد که مقتضی آن است یا سلسله مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴۷ اندیشه‌های منطقی که این تقدیم یا تأخیر را لازم می‌نماید.

۶- محقق به طریقه تفسیر اجمالی در نمایش اندیشه‌ها در بحث خویش پناه می‌آورد و به دلالت الفاظ از حیث لغوی بسنده نمی‌کند و از هدایت‌های قرآنی از میان متن قرآن و آنچه که آیات قرآن به وسیله احادیث نبوی بدان دلالت دارند، بهره می‌جوید.

۷- محقق باید در طرح موضوع التزام به روش بحث علمی داشته باشد ...

سپس موضوع را به ابوابی تقسیم نموده و با شاخه‌های فرعی مطرح نماید.

۸- هدف محقق در همه اینها باید، بیان حقایق قرآن کریم و عرضه آن باشد ... «۱»

استاد آیه الله جوادی آملی نیز مراحل را یادآور شده‌اند که به شرح ذیل می‌باشد:

«اگر کسی خواست موضوعی را از نظر قرآن و عترت بررسی کند باید لااقل شش مرحله تحقیق را طی نماید تا مشخص کند که نظر اسلام در آن باره چیست:

۱- آیاتی را که در آن زمینه وارد شده است، جمع آوری نماید. در این مرحله آنچنان باید حضور ذهن درباره قرآن کریم داشته باشد که به مقدار وسیع و هم به تعداد تکلیف آیاتی که در این زمینه نظر دارند. - نفیا یا اثباتا- گردآوری کند و در این باره به خصوص آیاتی که لفظ آن موضوع را در بردارند، اکتفا نکند؛ بلکه در جمع آوری آیات، مدار را محتوی قرار دهد نه لفظ.

۲- بین آیات جمع آوری شده، جمع بندی کند. بعضی مطلقها را با مقید، عامها را با خاص، مجملها را با مبین، متشابهها را با محکم و بخشهای مناسب را کنار هم جمع بندی نماید تا نتایجی که در بررسی آیات، به دست آمده ارائه دهد.

۳- نوبت به سیره عترت طاهره می‌رسد. روایاتی که در این زمینه وارد شده نفیا

(۱)- مباحث فی التفسیر الموضوعی، دکتر مصطفی مسلم، ۳۷ و ۳۸.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴۸

و اثباتا جمع آوری نموده تا چیزی از روایات فروگذار نشود. خواه راجع به گفتار آنان باشد یا ناظر به رفتار آنان.

۴- بین این روایات جمع آوری شده جمع بندی کند. یعنی مطلقات را با مقیدات، عامها را با خاص، محکمهای روایی را با متشابهات، ناسخها را با منسوخ و مجملها را با مبین بسنجد و باید همان کاری که در استنباط فقهی عمل می‌شود در هر موضوعی انجام دهد تا بتواند نتایجی را که از بررسی روایات حاصل شده، ارائه دهد.

۵- نتایج متعددی که از آیات به دست آمده است را به صورت یک اصل مهم درآورد و همچنین ثمرات گوناگونی که از روایات حاصل شده است، به صورت یک اصل جامع ارائه نماید.

۶- در این مرحله بین نتایج بدست آمده از قرآن و ثمرات استنباط شده از روایات، یک جمع بندی نهایی بنماید تا با هماهنگی قرآن و عترت، یک مطلب را استنباط نماید.

اگر این مراحل شش گانه تحقیقی را پیمود و خواست درباره موضوعی سخن بگوید، ادب دینی و احتیاط علمی اقتضاء می‌کند که

بگوید مقتضای این آیه این است یا مقتضای این روایات چنین است نه اینکه بگوید اسلام چنین می‌گوید و اگر خواست نظر اسلام را نقل کند به خود، اسناد ندهد و محصول تحقیق محققانی که این شش مرحله استنباطی را سپری نموده‌اند، نقل کند و بگوید محققین ما چنین نظر داده‌اند که نظر اسلام در این زمینه چنین است.» (۱)

این مراحل برای شناخت دیدگاه اسلام است که تلفیقی از دیدگاه قرآن و عترت بوده و با هم یکی به شمار می‌رود. چون عترت از قرآن جدایی ندارد و قرآن نیز همراه و مفسر عترت می‌باشد.

(۱) - زن در آئینه جلال و جمال، آیه الله جوادی آملی، ۴۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۴۹

جناب آقای دکتر لسانی فشارکی بعد از بیان چگونگی ترتیب آیات یک موضوع از آخر قرآن به اول آن و نحوه به دست آوردن آیات، سه نکته را یادآوری می‌نماید تا تحقیق موضوعی کاملی به دست آید.

یادآوری ۱: در سراسر جریان تحقیق موضوعی نیز، مانند تحقیق سوره‌ای، باید سعی کنیم بر مفاهیمی که از بررسی آیات قبلی به دست آورده‌ایم، تسلط کامل داشته باشیم و سؤالاتی را نیز که برایمان مطرح شده است همواره تا آخر کار به یاد داشته باشیم. اگر هم بتوانیم آیات مربوط به موضوعمان را حفظ بکنیم بسیار مؤثر و مطلوب خواهد بود.

یادآوری ۲: در جریان تحقیق موضوعی از نظرها و هماهنگی‌هایی که بین آیات قرآن از هر نظر خودنمایی می‌کنند، نباید غفلت کرد و این موارد را یک به یک باید یادداشت بکنیم و مورد توجه قرار بدهیم زیرا علاوه بر اینکه جنبه اعجاز قرآن و کتاب خدا بودن قرآن را مشخص می‌سازند، در جهت بهتر بررسی کردن مفاهیم قرآن نیز غالباً راهنمای مؤثری هستند.

یادآوری ۳: اگر با ترتیبی که بیان شد یک تحقیق موضوعی در قرآن صورت بگیرد این تحقیق نسبتاً کامل است؛ به این معنی که نه تنها خطوط کلی موضوع روشن شده است، بلکه مطالب جزئی موضوع نیز در حد لزوم و کفایت برای هدایت ذهن انسان بیان شده‌اند. با وجود این اگر محقق بخواهد تحقیقش را بیشتر ادامه بدهد، می‌تواند موضوعات دیگری را که در آیات قرآن (در طی تحقیق موضوعی) در رابطه با موضوع مورد نظرش بیشتر مطرح بوده‌اند مورد تحقیق قرار بدهد تا موضوع مورد نظر هر چه بیشتر مفهوم و معلوم گردد. همچنین می‌تواند با درجه بندی سوره‌هایی که در ضمن تحقیق با آنها آشنا شده است (بر حسب تعداد کاربرد کلمات موضوع در سوره‌ها) آن سوره‌ها را یک به یک بررسی کند تا موضوع هر چه بیشتر تفصیل

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵۰

یابد. (۱)

ما در تعریف تفسیر موضوعی به دیدگاه‌های اصولی، درباره مراحل تفسیر موضوعی پرداخته‌ایم و در اینجا مراحل رسیدن به تفسیر موضوعی را بیان می‌کنیم:

۱- معلوم ساختن محدوده و مشخصه موضوع و آنچه که از قرآن مورد پرسش واقع می‌شود و قرآن مجید باید دیدگاه خویش را در آن بیان فرماید.

۲- گردآوری آیات یک موضوع بر اساس لفظ و محتوی- که اگر آیاتی از لفظ موضوع نباشد ولی در محتوای آنها ارتباطی با موضوع مشاهده می‌شود باید آن آیات نیز گردآوری شود.

۳- ترتیب آیات بر حسب زمان نزول آیات تا منسوخ از ناسخ تشخیص داده شود و ...

۴- بین آیات گردآوری شده، جمع بندی نماید. مطلق را به قید، متشابه را به محکم، منسوخ را به ناسخ و ... ارجاع دهد تا در درک پیام قرآن خطایی صورت نپذیرد.

- ۵- مفسر موضوعی باید به تفسیر ترتیبی نیز احاطه داشته باشد و در هنگام تفسیر موضوعی خویش، نظم و ترتیب حاکم، اسلوب بیان قرآن، ارتباط و تناسب آیات و سور قرآن را مورد دقت و توجه قرار دهد.
- ۶- روایات صحیح از رسول اکرم (ص) و عترت طاهره را مورد توجه قرار داده و آنچه را که موافق با قرآن است، در تفسیر قرآن مورد توجه قرار دهد و در فهم قرآن از قرآن بهره جوید.
- ۷- تفسیر موضوعی به طور کامل وابسته به دیدگاه قرآن است و فهم دیدگاه قرآن از راه فهم کلام معصومین در همان موضوع است؛ پس در تفسیر موضوعی

(۱)- شرح فشرده‌ای بر مقدمه المیزان، دکتر محمد علی لسانی فشارکی، ۹۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵۱

قرآن، روایات به مثابه شرح کلام الهی می‌باشند و مفسر نباید از آن غفلت ورزد.

- ۸- آنچه که بیان می‌کند به خویشتن نسبت دهد و بگوید فهم من از قرآن مجید چنین بوده است نه این که با قاطعیت و از سر حکمرانی اصرار بورزد، مراد الهی همان بوده که ایشان فهمیده و دیگران در رسیدن به حقیقت اشتباه کرده‌اند، یعنی بعد بشری و طاقت خویش را نیز در درک پیام الهی مؤثر بداند که شاید آن استعداد لازم و کافی را برای فهم کامل از کلام الهی نداشته است.

تفاوت تفسیر موضوعی و علوم قرآنی

یکی از مباحثی که بعضی از علمای قرآن در تفسیر موضوعی بدان اشاره کرده‌اند، بحث ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و ... است که در ردیف کتابهای تفسیر موضوعی به حساب آمده‌اند. ما در این فصل به این نکته اشاره خواهیم کرد که آیا ناسخ و منسوخ از مباحث علوم قرآنی است یا تفسیر موضوعی و نیز آیا در کتابشناسی تفسیر موضوعی باید کتب علوم قرآنی را فهرست کرد؟ برای پاسخ بدین سؤال لازم است در تعریف علوم قرآنی اندکی دقت نماییم.

گفته‌اند: «مقصود از علوم قرآنی، مسائل و مباحثی است مربوط به آگاهیهای درست از آیات قرآن که ما را در تحقیق و تدبر در معانی و حقایق این کتاب آسمانی و اثبات حجت بودن آن توانایی و یاری می‌دهد. از مهمترین مباحث این علوم عبارت است از: علم تفسیر، علم اعراب و قرائت، تأویل و تنزیل، شأن نزول آیات، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، آیات مکی و مدنی، وحی و اعجاز قرآن.» (۱)

جناب آقای طالقانی در بیان مقصود از علوم قرآن، آن را به علوم فی القرآن و علوم للقرآن تقسیم می‌کند که: «علمی که از قرآن استخراج می‌شود و از بررسی

(۱)- آشنایی با علوم قرآنی، دکتر سید محمد رادمنش، ۱۹۶.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵۲

آیات بدست می‌آید، که آن را علوم فی القرآن می‌نامند و علمی که برای فهم قرآن باید مقدماتاً فرا گرفت آن را علوم للقرآن می‌گویند.» (۱) جناب آقای دکتر صالحی کرمانی در تعریف علوم قرآنی آورده‌اند: «علوم قرآنی علمی هستند که درباره حالات و عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن کریم بحث کرده و موضوع در تمامی آنها قرآن است. مراد از کلمه عوارض ذاتی و اختصاصی این است که علمی از قبیل صرف و نحو و معانی و بیان و نظایر اینها را از تعریف خارج کرده باشیم و این علوم را نمی‌توان از علوم قرآنی طبق اصطلاح مشهور محسوب داشت.

چون در هر یک از علوم قرآنی مانند علم قرائت، علم تجوید، علم تفسیر و ...

موضوع که قرآن مجید است با حیثیتی خاص مورد بحث قرار می‌گیرد و در سراسر علم، همان حیثیت واحد مورد توجه است؛ لذا هر یک از این علوم، علمی واحد بوده و مجموع آنها را «علوم قرآنی» نامیده‌اند. «۲»

جناب آقای دکتر داوود عطار در تعریف علوم قرآنی آورده‌اند: «مقصود ما بحث‌های علمی مربوط به قرآن کریم است. باید گفت که دانشمندان به حقیقت در تحقیق و مطالعه کتاب خدای تعالی با شوقی فراوان و علاقه‌ای شدید و تقدیسی عجیب روی نمودند و مطالب علمی ارزنده و پر بار و عمیقی را از سرچشمه سرشار به رشته تحریر در آوردند و آن را علوم قرآن نام نهادند. تعداد این علوم هم بسیار است.

نمونه‌هایی از علوم قرآنی را علم تفسیر، علم اعجاز، علم مربوط به مکی و مدنی بودن آیات، علم اسباب نزول یا شأن نزول آیات، علم ناسخ و منسوخ، علم محکم و

(۱) - علوم قرآن و فهرست منابع - دکتر عبد الوهاب طالقانی، ص ۲۷.

(۲) - درآمدی بر علوم قرآنی، دکتر محمد رضا صالحی کرمانی، ۲۰ و ۱۸.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵۳

متشابه، علم اعراب و علم بلاغت، علم رسم الخط قرآنی و علم قرائت می‌باشد. «۱»

از آنجا که شیوه دانشمندان، در علوم مربوط به قرآن بر آن قرار گرفت که همه مسائل جزئی و کلی مربوط به قرآن را استقصاء و بررسی کنند، اصطلاح «علوم قرآن» را به عنوان نامی برای این علم جدید که متشکل از حاصل همه مسائل علوم قرآنی بود برگزیدند. «۲»

بدر الدین زرکشی در کتاب البرهان فی فواتح علوم القرآن به بیان (۴۷) چهل و هفت نوع از علوم قرآنی اشاره دارد که از اقسام آن شناخت سبب نزول، اسرار فواتح سوره‌ها، چگونگی نزول قرآن، شناخت مناسبات بین آیات، شناخت تفسیر، شناخت ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و ... را نام می‌برند. «۳»

جلال الدین سیوطی علوم قرآن را ۸۰ نوع شمرده و در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» به بیان و شرح آنها پرداخته است که از آیات مکی و مدنی، لیلی و نهاری، فراشی و نومی، اسباب النزول، ارضی و سمائی، کیفیت نزول قرآن، آداب تلاوت قرآن، خاص و عام قرآن، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مقدم و مؤخر، مجمل و مبین، مطلق و مقید، منطوق و مفهوم، فواتح سوره‌ها، ... و غرائب التفسیر، طبقات التفسیر، شروط مفسر و آداب آن، فضائل القرآن، مفردات القرآن، امثال القرآن، اعجاز القرآن، اقسام القرآن و ... نام برده و به تفصیل بیان کرده‌اند. «۴»

استاد محترم و دانشمند گرانمایه آیه الله محمد هادی معرفت در بیان تفسیر موضوعی و معارف قرآن و تفاوت آن با علوم قرآنی دیگر می‌فرمایند: «تفسیر

(۱) - موجز علوم قرآن، دکتر داوود عطار، ۱۴.

(۲) - مباحثی در علوم قرآن، دکتر صبحی صالح، ترجمه: دکتر محمد علی لسانی فشارکی، ۱۹۶.

(۳) - البرهان فی علوم القرآن، بدر الدین زرکشی.

(۴) - الاتقان فی علوم القرآن - جلال الدین سیوطی.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵۴

موضوعی آن است که ببیند قرآن درباره آن موضوع چه گفته، مثلاً در باب شناخت انسان، طبیعت و خدا آنگاه بحث، قرآنی است که به قرآن مراجعه کنیم و ببینیم آنها را چگونه معرفی کرده است. بحث قرآنی کامل آن است که از چار چوب قرآن فراتر نرود. تفسیر موضوعی در این عصر، یعنی عرضه کردن دیدگاه قرآن در مباحث مختلف به جهان یکی از ضروریات است؛ زیرا جهانیان در انتظارند. دیدگاههای قرآنی را در امور گوناگون ببینند؛ به شرط آن که این عرضه کردن مطالب خالص باشد. خالص به دو معنا، هم خالص برای خدا و هم خالص از قرآن.

و اما علوم قرآن، مباحثی است مربوط به خود قرآن که در این مباحث قرآن، محور و موضوع است و پیرامون آن بحث می‌شود، مثل بحث از تاریخ قرآن، چگونگی تدوین و تألیف آن و این که، چگونه و در چه مدتی نازل شد، کاتبان وحی چه کسانی بودند، قرائت قرآن، چگونه است و آیا قرائت قراء سبعة صحیح است یا نه؟

آیا در قرآن آیات متشابه وجود دارد؟ و بحث از ناسخ و منسوخ که در همه اینها بحث، روی شناخت قرآن متمرکز است؛ یعنی می‌خواهیم خود قرآن را بشناسیم که در واقع مباحث علوم قرآنی بحث‌های بیرونی است و معارف قرآن بحث‌های درونی است. «۱» با توجه به آنچه که از تفسیر موضوعی و علوم قرآنی بیان گردید معلوم شد تفسیر، خود، فرع و شاخه‌ای از شاخه‌های گسترده علوم قرآنی به شمار می‌رود و از این جهت بحث‌های ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه در عرض هم هستند. یعنی مباحثی که به بیان وجود نسخ در قرآن، انواع نسخ، چگونگی وقوع آن در کتاب خدا می‌پردازد، از علوم قرآنی به شمار رفته و از مباحث تفسیر موضوعی بیرون است؛ ولی آنچه که به

(۱) - بینات شماره ۹۲/۶ مصاحبه حضرت آیه‌ا ... معرفت.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵۵

بیان آیات هم موضوع که در آنها نسخ واقع گردیده به طور یکجا پرداخته و درباره آن بحث می‌نماید، از کتابهای تفسیر موضوعی به شمار می‌رود؛ هر چند مرحله مقدماتی و ابتدایی از این روش محسوب گردد.

در بحث محکم و متشابه همین مسأله مطرح است. ارجاع متشابه به محکم، یک نوع تفسیر قرآن به قرآن است که بحث جامع آن، یک نوع تفسیر موضوعی به شمار می‌رود.

به همین دلیل کتابهای محکّمات القرآن و متشابهات، متشابهات القرآن و ... را از این مقوله بر شمرده‌ایم.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵۶

فصل دوم سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن

اشاره

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵۷

گستره نگارش و اندیشه تدوین، در تفسیر موضوعی قرآن، عمری به سان سایه تفسیر قرآن دارد. از دیرباز آثار مدونی از فرهیختگان محضر قرآن بر جای مانده است. فهرست کامل تفاسیر موضوعی از مرز چندین مجلد بیرون خواهد گشت و ما بر آن نیستیم که فهرست کاملی از تفاسیر موضوعی ارائه نماییم، بلکه تلاش می‌نماییم تا یک کتابشناسی در حد توان این تحقیق بیان نماییم.

شناخت سیر تاریخی یک بحث، به معنای شناخت عقبه و سرمایه گذشته آن بحث می‌باشد و زمانی که انسان بخواهد قضاوت

صحیحی درباره مطلبی داشته باشد، باید آنچه را که تا به حال در دست است شناسایی نموده، مراحل تطور و گسترش آن را بررسی نماید تا بتواند موقعیت کنونی بحث را بخوبی دریافته، نقاط ضعف و قوت را به دست آورد و موارد موفق را معرفی نماید. مطالعه امروزی ما بر اساس گردآوری کتابهای تفسیر موضوعی در کتابهای رجالی، فهرست‌ها و بعضی پژوهشهای مستقیم و آمارهای مربوط به کتابشناسی می‌باشد نکته قابل توجه آن است که چون نقص عدم دقت در تحقیقات کتابشناسی اسلامی وجود دارد، در بسیاری از موارد فقط به اسم کتاب اشاره کرده‌اند و به چگونگی بحث ارائه شده، اشاره‌ای نکرده‌اند. در حالی که نیاز امروز ما تنها، نام کتاب نیست، بلکه معرفی محتوایی آن نیز ضرورت دارد تا اطمینان لازم حاصل گردد.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵۸

نکته دیگر اینست که ما در ترتیب کتابها در سیر تاریخی، به موضوعات جداگانه پرداخته‌ایم و تا حد توان تحقیق حاضر، پژوهش و کاوش نموده‌ایم و سعی شد که موضوعات، به طور جداگانه در یک سیر تاریخی مستقل نگارش شود تا نگرش ما در طول تاریخ نسبت به یک موضوع معلوم گردد و سعی و تلاش محققان علوم اسلامی در جستجوی دیدگاه قرآن درباره موضوعات و مباحث مختلف سنجش گردد.

یک مطلب مهم را نباید فراموش کرد که مباحث علوم قرآنی، گستره وسیعی را به خود اختصاص داده است؛ ولی در بحث از تفسیر موضوعی مباحثی همچون: ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه ... که مباحث مستقل علوم قرآنی به شمار می‌روند، در فهرست کتابهای تفسیر موضوعی نخواهد آمد. اما ناسخ و منسوخ در کتابهایی به همین نام تدوین یافته است. مرحله ابتدایی از تفسیر موضوعی به شمار می‌آید و نیز کتابهایی که با عنوان محکّمات القرآن، متشابهات القرآن به رشته تحریر در آمده است، از فهرست تفسیر موضوعی به شمار می‌رود، به شرطی که آیات متشابه در یک بحث گردآوری شده باشد.

۱- کتابشناسی کتابهای آیات الاحکام

اشاره

آیاتی از قرآن مجید که درباره احکام شرعی بوده و مکلف را در زندگی اجتماعی و فردی در چارچوب احکامی خاص قرار می‌دهد، به آیات الاحکام شهرت یافته است. این آیات در حضور پیامبر اکرم (ص) به دستور آن حضرت عمل می‌شده و چگونگی به جای آوردن آنرا تبیین می‌فرمودند.

در میان نخستین کتابهایی که در تفسیر قرآن به رشته تحریر در آمد، کتابهای آیات الاحکام را می‌توان یافت و این نشان می‌دهد که قدمت این روش تفسیری- موضوعی- قدمتی به سان روش دیگر- ترتیبی- دارد، اگر چه کمتر بدان روی

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۵۹

می‌آورده‌اند.

در میان کتابهای آیات الاحکام، وجود کتابهایی از جانب علمای اهل تسنن نشان می‌دهد که این بحث از جانب تمامی علمای اسلامی مورد توجه بوده است و بدان عنایت داشته‌اند. ما در این جا ابتدا کتابهای آیات الاحکام از اهل سنت را یادآور می‌شویم، سپس زیدیه و آنگاه شیعه را بیان خواهیم نمود و نشان خواهیم داد که اولین مفسر موضوعی که در تاریخ کتاب آیات الاحکام از آن سخن گفته‌اند، از شیعه بوده است.

الف) سیر کتابهای آیات الاحکام در اهل سنت

- ۱- ابو عبد الله محمد ابن ادریس بن العباس بن عثمان بن شافع بن السائب القرشی المطلبی، امام شافعیان، متوفای سال ۲۰۴ در مصر، صاحب کتاب «احکام القرآن».
- ۲- ابو الحسن علی بن حجرین محمد السعدی، متوفای سال ۲۴۴، صاحب «احکام القرآن».
- ۳- قاضی ابو اسحاق اسماعیل بن اسحاق الازدی، متوفای سال ۲۸۲، صاحب احکام و معانی قرآن.
- ۴- ابو الحسن علی بن موسی بن یزید الحنفی القمی الاصل، متوفای سال ۳۰۵، صاحب «احکام القرآن»
- ۵- ابو جعفر احمد بن محمد الطحاوی، فقیه مشهور، متوفای ۳۲۱، صاحب «احکام القرآن»
- ۶- ابو محمد القاسم بن اصبح القرطبی، مفسر و نحوی و لغوی، متوفای سال ۳۴۰، صاحب «احکام القرآن»
- ۷- ابو بکر احمد بن علی الرازی البغدادی الحنفی مشهور به جصاص، متوفای سال ۳۷۰ ه ق، صاحب کتاب «احکام القرآن» که در سال ۱۳۴۷ ه ق در قاهره در سه
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶۰
- مجلد به چاپ رسید.
- ۸- ابو محمد مکی بن ابی طالب القیسی، متوفای سال ۴۳۷، صاحب «مختصر احکام القرآن».
- ۹- حافظ ابو بکر احمد بن الحسین البیهقی الشافعی، متوفای ۴۵۸، صاحب «احکام القرآن». (۱)
- ۱۰- ابو الحسن علی بن محمد الطبرسی البغدادی الشافعی مشهور به کیا الهراس، متوفای سال ۵۰۴، صاحب «احکام القرآن».
- ۱۱- علامه عبد المنعم بن محمد بن فرس المالکی الغرناطی، متوفای ۵۹۷، صاحب کتاب (مختصر احکام القرآن).
- ۱۲- قاضی ابوبکر محمد بن عبد الله احمد المالکی الاندلسی الاشیبلی النعافری مشهور به ابن عربی، متوفای سال ۵۴۲، صاحب (احکام القرآن) که در دو مجلد در سال ۱۳۳۱ در قاهره چاپ گردید.
- ۱۳- ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر فرج الانصاری الخزرجی الاندلسی القرطبی المالکی، متوفای سال ۶۷۱، کتابهای (جامع احکام القرآن) و المبین لما تضمنه من السنن و آی القرآن).
- ۱۴- ابو بکر صائن الدین یحیی بن سعدون بن تمام بن محمد الازدی الاندلسی المالکی، متوفی سال ۶۷۲، صاحب کتاب (جامع احکام القرآن).
- ۱۵- شیخ شمس الدین محمد بن ابی بکر الدمشقی الزرعی الحنبلی مشهور به (ابن قیم الجوزیه)، متوفای سال ۷۵۱، صاحب (تفسیر آیات الاحکام).
- ۱۶- حافظ ابو الفضل احمد بن علی بن حجر العسقلانی الشافعی المصری،

(۱)- سال وفات ذکر شده و آنچه خواهد آمد بر مبنای تقویم هجری قمری می باشد بدین سبب تکرار نمی شود و در کنار هر سال نوشته نمی شود.

- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶۱
- متوفای ۸۵۲، صاحب (تفسیر آیات الاحکام).
- ۱۷- حافظ جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر محمد بن ناصر الدین الشافعی المصری السیوطی، متوفای سال ۹۱۱ صاحب (احکام القرآن) و (الاکلیل فی الاستنباط التزیل). (۱)
- ۱۸- مولانا محمد الکافی بن الحسن الحنفی البسنوی الاقحصاری، متوفای ۱۰۲۵، صاحب (انوار القرآن فی آیات الاحکام) که به پایان نرسید.

- ۱۹- مولانا محمد شمس الدین ابو بکر الهروی الحنفی، متوفای سال ۱۱۰۹، صاحب (انوار القرآن فی آیات الاحکام).
- ۲۰- مولا- عبد الله البلخی الحنفی متوفای سال ۱۱۸۹، صاحب (مدارک الاحکام) و (انوار القرآن) که هر دو در آیات الاحکام بوده‌اند و هنوز چاپ نشده‌اند.
- ۲۱- سید عبد الله ابو محمد الحسنی الهندی، متوفای سال ۱۲۷۰، صاحب کتاب (آی احکام القرآن).
- ۲۲- علامه سید احمد الحسنی الشافعی، متوفای سال ۱۳۰۴، صاحب کتاب (منار الاسلام فی شرح آیات الاحکام).
- ۲۳- علامه سید ابو الطیب النواب محمد صدیق خان بن السید حسن بن علی بن لطف الهه الحسینی النجاری، متوفای سال ۱۳۰۷، صاحب کتاب (نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام).
- ۲۴- آیات الاحکام «۲» (عربی و اردو) مولوی حافظ عبد العلی نگرامی، بمبئی:

- (۱)- کتابنامه بزرگ قرآن جلد اول و دوم و سوم، مقدمه مسالک الافهام آیه الهه العظمی مرعشی نجفی و روش شناسی تفاسیر موضوعی و دائرة المعارف بزرگ اسلامی و دائرة المعارف تشیع و معجم مصنفات قرآن کریم بهره گرفته شد.
- (۲)- کتابنامه بزرگ قرآن، ج ۱/ ۳۳.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶۲
۱۲۶۶ هـ

- ۲۵- آیات الاحکام «۱» علی بن موسی، حنفی مذهب، ۳۰۵ هـ ق.
- ۲۶- آیات الاحکام «۲» قاضی ابو یلعی کبیر، حنبلی مذهب، ۴۵۸ هـ ق.
- ۲۷- احکام العنوان لاحکام القرآن، «۳» صلاح الدین خلیل بن کیکلای العلائی الدمشقی، (۶۹۴-۷۱۳) شافعی مذهب.
- ۲۸- احکام القرآن، «۴» ابو العباس احمد بن علی بن احمد بن محمد بن عبد الله الربعی الباغاتی المقری المالکی.
- ۲۹- احکام القرآن، «۵» احمد بن احمد بن اخی الشافعی (۳۱۰ هـ ق).
- ۳۰- احکام القرآن، «۶» ابو جعفر احمد بن محمد بن مسلمه بن عبد الملک الازدی الطحاوی الحنفی.
- ۳۱- احکام القرآن، «۷» ابو الفضل احمد بن المعدل بن غیلان بن الحکم العبدی المالکی، ۲۴۰ هـ ق.
- ۳۲- احکام القرآن، «۸» ابو الفضل بکر بن محمد بن العلاء بن محمد بن زیاد بن ولید القشیری البصری المالکی.

- (۱)- کیهان اندیشه، شماره ۲۸/ ۲۰۶ و کتابنامه ... ج ۱/ ۳۵.
- (۲)- کیهان اندیشه، شماره ۲۸/ ۲۰۳ و کتابنامه ... ج ۱/ ۳۵.
- (۳)- کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱/ ۱۷۴.
- (۴)- کشف الظنون ج ۳/ ۳۶ و معجم مصنفات ... ج ۱/ ۹۶.
- (۵)- کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱/ ۱۷۷.
- (۶)- تراثنا شماره ۱۵/ ۱۵۵.
- (۷)- کیهان اندیشه شماره ۱۵/ ۸.
- (۸)- معجم، مصنفات القرآن الکریم ج ۱/ ۹۷ و کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱/ ۱۸۲.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶۳

- ۱- علامه سید یحیی المویده بالله بن حمزه بن علی الحسینی الزیدی الیمانی، متوفی سال ۷۴۹، صاحب کتاب (شرح آیات الاحکام).
(۱)
- ۲- علامه سید احمد المهدی بدین الله بن یحیی بن المرتضی بن احمد الحسینی الیمانی الصنعانی الزیدی متوفای سنه ۸۴۰، صاحب کتاب کبیر (فی آیات الاحکام) (۲)
- ۳- علامه شیخ محمد شیخ الاسلام بن یحیی بن محمد بن بهران الصعدی الیمانی الزیدی، متوفی سال ۹۵۷، صاحب کتاب (شرح آیات الاحکام). (۳)
- ۴- علامه فقیه اصولی، محدث، مفسر رجال شناس، قاضی الحسین العمری الیمانی الصنعانی از مشهورترین علماء و مشایخ آنان در روایت، متوفای سال ۱۳۸۰ صاحب کتاب (آیات الاحکام) (۴)
- ۵- علامه سید ملوک الاسلام حمید الدین المتوکل علی الله یحیی بن محمد الحسنی امام فرقه زیدیه که در زمان خود ترور شد. ۱۳۶۷، سال شهادت وی ذکر شده است. هر چند از دیدگاه علمای شیعه ایشان از مفاخر عصر خود به شمار آمده است. وی از مشایخ مرحوم آیه الله ... مرعشی نجفی در روایت و اسناد می‌باشند. (۵)
- ۶- آیات الاحکام اثر دانشمند بزرگ محمد بن جبرئیل (۶) از شیعیان زیدی مذهب.

(۱)- مقدمه مسالک الافهام، آیت ا... العظمی مرعشی نجفی.

(۲)- کیهان اندیشه شماره ۸/۱۵ و ۲۰۵/۲۸.

(۳)- مقدمه مسالک الافهام.

(۴)- کتابنامه بزرگ قرآن ۳۳/۱ و کیهان اندیشه ش ۷/۱۵.

(۵)- همان منبع.

(۶)- کتابنامه بزرگ قرآن، بکائی، ج ۱/۳۶.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶۴

- ۷- علامه سید احمد بن یحیی بن مرتضی الحسنی الامام الهدی، تولد وی در سال ۷۶۴ ه ق و وفات وی سال ۸۴۰ ه ق، شیعه زیدیه مذهب ایشان بوده، صاحب کتاب الاعتماد للآیات المقبره الاجتهاد «۱» در آیات الاحکام می‌باشند.

ج) سیر تاریخی کتابهای آیات الاحکام در مذهب تشیع

اشاره

شیعه و علمای این مذهب با تأثیر پذیرفتن از اندیشه تابناک ائمه- علیهم السلام- همیشه از قرآن مجید، بهره جسته و بالاخص احکام شرعی را از آن استنباط می‌کردند و معیار صحت روایات ائمه- علیهم السلام- نیز مطابقت آن با کلام الله مجید بوده که این معنا از طریق ائمه اطهار- علیهم السلام- وارد شده است.

آثار کتابهای آیات الاحکام در تفاسیر شیعه بسیار زیاد است و از حوزه تحقیق حاضر بیشتر و تعداد آن با این اطلاعات اندک و منابع غیر کامل، قابل احصاء و شمارش نیست. ما در این تحقیق، کتابهای به دست آمده را معرفی می‌نماییم که عبارتند از:

- ۱- ابو نصر محمد بن السائب الکلبی الکوفی النسابة المحدث المفسر الثقة الامین، متوفای ۱۴۶، وی از صحابیان امام باقر و امام صادق- علیهما السلام- بوده و صاحب کتاب در تفسیر (آیات الاحکام) است وی اولین کسی است که در این موضوع تصنیف

کرده و مقدم بر شافعی در این خدمت قرآنی بوده است.

۲- ابو الحسن مقاتل بن سلیمان بن بشریه بن زید ادرك بن بهمن خراسانی بلخی رازی، متوفای سال ۱۵۰، صاحب کتاب تفسیر (الخمس مائه آیه فی الاحکام) «۲»

۳- ابو المنذر هشام بن محمد بن السائب الکلبی الکوفی، متوفای ۲۰۶ یا ۲۰۴،

(۱)- الذریعه، ج ۲ / ۲۳۰ و کتابنامه بزرگ قرآن ج ۲ / ۴۱۹.

(۲)- مقدمه مسالك الافهام، آیه الله مرعشی نجفی.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶۵

وی از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده و صاحب کتاب تفسیر الاحکام می باشد.

۴- علامه وزیر ابو الحسن عباد بن عباس بن عباد الطالقانی، متوفای سال ۳۸۵، صاحب (آیات الاحکام).

۵- فرزند علامه وزیر اسماعیل بن عباد، متوفای سال ۵۷۳، صاحب کتاب (فقه القرآن فی آیات الاحکام).

۶- علامه شیخ ابو الحسن حمد بن الحسن بن البیهقی النیشابوری، متوفی ۵۷۶، صاحب (تفسیر آیات الاحکام).

۷- علامه شیخ فخر الدین احمد بن عبد الله بن سعید بن المتوج البحرانی، متوفای سال ۷۷۱، صاحب کتاب (النهایه فی تفسیر

الخمسائه آیه فی الاحکام) که از شاگردان فخر المتحققین بوده است.

۸- علامه شیخ ابو عبد الله مقداد بن عبد الله بن محمد بن الحسن بن محمد السیوری الاسدی الحلی، متوفای سال ۸۲۶، صاحب

کتاب (کنز العرفان فی فقه القرآن) که این کتاب به طور مکرر چاپ شده است.

۹- علامه شیخ جمال الدین احمد بن عبد الله بن محمد بن الحسن بن المتوج البحرانی، متوفای سال ۸۳۶، صاحب کتاب منهاج

الهدایه فی تفسیر آیات الاحکام الخمسائه. «۱»

۱۰- فرزندش علامه شیخ ناصر جمال الدین احمد- شماره ۹- متوفای ۸۶۰، صاحب «آیات الاحکام».

۱۱- علامه شیخ کمال الدین حسن بن شمس الدین محمد الاستر آبادی النجفی، متوفای سال ۹۰۰، صاحب کتاب «معارج السؤل و

مدارج المأمول فی تفسیر آیات

(۱)- الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۴۲ رقم ۲۱۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶۶

الاحکام. «۱»

۱۲- علامه مقدس احمد بن محمد المحقق الاردبیلی، متوفای سال ۹۹۳، صاحب کتاب زبدۃ البیان فی براهین احکام القرآن و تفسیر

آیات الاحکام که به خاطر ارزش و اهمیتی که یافته است، حواشی فراوانی بر آن نوشته شده است؛ از آن جمله حاشیه میرزا فضل الله

استر آبادی شاگرد علامه میر داماد، حاشیه ملا عبد الفتاح تنکابنی متوفای ۱۱۲۴، نسخه‌ای از این تفسیر که در سال ۱۳۰۵ چاپ و

منتشر شده است، به شماره ۶۸۷ ثبت دفتر کتابخانه آستان قدس رضوی است و بار دوم در سال ۱۳۸۶ توسط انتشارات مرتضوی به

چاپ رسیده است. «۲»

۱۳- علامه امیر ابو الفتوح بن امیر مخدوم بن امیر شمس الدین محمد الحسینی، متوفای سال ۹۸۶، صاحب کتاب تفسیر شاهی در

آیات الاحکام به فارسی است که برای شاه طهماسب اول نوشته و در تبریز به چاپ رسیده است.

۱۴- علامه رجالی ثقة امین سید میرزا محمد بن علی بن ابراهیم الحسینی الاستر آبادی، متوفای ۱۰۲۶، صاحب کتاب آیات الاحکام

که به خط شریف وی در کتابخانه آیه ا... مرعشی نجفی موجود می‌باشد.

- ۱۵- تفسیر آیات الاحکام مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین یکی از تفاسیر قرآنی مرحوم شیخ بهایی متوفای ۱۰۳۰ می‌باشد که تنها کتاب طهارت آن در دسترس است و فراغت از آن در ۱۴ ذی القعدة سال ۱۰۱۵ رخ داده است. «۳»
- ۱۶- علامه حاج مولی محمد یزدی مشهور به شاه قاضی متوفای سال ۱۰۴۰ صاحب کتاب تفسیر قطب شاهی در شرح آیات الاحکام است که آن را به نام سلطان

(۱)- (۴ و ۳ و ۱) مقدمه مسالک الافهام، آیه ا... العظمی مرعشی نجفی.

(۲)- منشور جاوید، استاد جعفر سبحانی، ج ۱ ص ۲۳.

(۳)- طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی، ج ۳، ص ۸۷.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶۷

محمد قطب شاه تألیف نموده و در شب قدر ۱۰۳۱ آن را به پایان رسانید. «۱»

- ۱۷- علامه شیخ محمد بن الحسین العاملی، متوفای سال ۱۰۸۰، صاحب کتاب «فتح ابواب الجنان فی تفسیر آیات احکام القرآن» که مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی، آن را نزد علامه میرزا خلیل الله با خط خودش دیده‌اند. «۲»

- ۱۸- علامه سید محمد سعید بن سراج الدین قاسم طباطبایی، متوفای سال ۱۰۹۲، صاحب «مفاتیح الاحکام فی شرح آیات الاحکام القرآنیه» که شرح کلمات مرحوم مقدس اردبیلی را در این کتاب آورده‌اند.

- ۱۹- علامه سید محمد بن علی حیدر مولوی عاملی مکی، متوفای سال ۱۱۳۹، صاحب کتاب «ایناس المؤمنین باقتباس علوم الدین عن النبراس المعجز المبین» در تفسیر آیات قرآنی در احکام اصلی و فرعی می‌باشد این تفسیر با گستردگی معلومات و وفور اطلاعات مؤلف بر مذاهب عامه و خاصه و تحقیق اقوال و تبع آراء، روش شایسته و نیکویی در پیش گرفته است. «۳»

- ۲۰- علامه شیخ احمد بن اسماعیل بن علامه شیخ عبد النبی الجزائری النجفی، متوفای سال ۱۱۵۰، صاحب کتاب قلاند الدرر فی آیات الاحکام که دوبار چاپ شده است؛ یکی در تهران چاپ سنگی و دیگری در نجف اشرف در سه مجلد که کتاب بسیار نافع و خوبی است. «۴»

- ۲۱- علامه حاج ملا محمد جعفر بن موسی سیف الدین استرآبادی مشهور به شریتمدار، متوفای ۱۲۶۳ صاحب کتاب «دلایل المرام فی تفسیر آیات الاحکام».

(۱)- طبقات مفسران شیعه، ج ۳، ص ۹۶ و مقدمه مسالک الافهام، آیه ا... مرعشی نجفی.

(۲)- مقدمه مسالک الافهام.

(۳)- طبقات مفسران شیعه ج ۳ ص ۳۴۸.

(۴)- مقدمه مسالک الافهام، آیه العظمی مرعشی نجفی.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶۸

- ۲۲- علامه شیخ علی مشهور به ابن علامه حاج ملا محمد جعفر استرآبادی، متوفای ۱۳۱۵، صاحب دو کتاب «الدرر الایتام فی تفسیر آیات الاحکام» و «نثر الدرر الایتام فی شرح آیات الاحکام»

- ۲۳- علامه حاج سید محمد ثقه الاسلام بن فضل اله بن خداداد بن رشید بن حمزه موسوی الساروی الپهنه کلایی، متوفای سال ۱۳۴۲، صاحب کتاب «موضع آیات الاحکام» که وی از مشایخ مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی و پدرش بوده است.

- ۲۴- علامه موسوی محمد مهدی بنایی مراغی حائری، متوفی ۱۳۴۵، صاحب کتاب «مقلاد الرشاد فی شرح آیات الاحکام».
- ۲۵- علامه حاج شیخ محمد باقر بن موسی محمد بن موسی اسداله بن عبد اله القاینی البیرجندی، متوفای ۱۳۵۲، صاحب کتاب «آیات الاحکام لقد احسن فیه و اجاد» وی از مشایخ مرحوم مرعشی نجفی بوده‌اند.
- ۲۶- کتابشناسی آیات نازله درباره حضرت پیامبر اکرم و اهل البیت - علیهم السلام -.
- این که آیات بسیاری از قرآن به شأن اهل البیت - علیهم السلام - اختصاص دارد، بر شیعه مسلم بوده و نقطه ابهامی در این زمینه وجود ندارد و نیز بنا به اظهار علمای غیر متعصب اهل سنت که در این زمینه نوشته‌هایی بر جای گذاشتند، بر ما معلوم می‌گردد که عظمت، قدر و منزلت عترت طاهره بر همگان روشن می‌باشد. نکته دیگر آن که بسیاری از این نوشته‌ها و آثار در زمان حیات ائمه - علیهم السلام - بوده است.
- ما در اینجا آنچه را که در تحقیق و بررسی خویش بدان دست یافته‌ایم، خواهیم آورد.
- فقط این نکته را یادآور شویم که قصد ما گردآوری تمامی کتابهای نگارش شده در این موضوع نبوده و در حد توان ما نیز نبوده تا به طور کامل همه این آمار را جمع آوری نماییم.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۶۹

کتابشناسی آیات نازله در شأن اهل بیت علیهم السلام

- کتابهایی که در شأن حضرت پیامبر یا ائمه اطهار - علیه و علیهم السلام - در قرآن به رشته تحریر در آمد، عبارتند از:
- ۱- ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام، تألیف عبد العزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی الجلودی الازدی از اصحاب امام جواد - علیه السلام -.
 - ۲- ما نزل من القرآن فی علی - علیه السلام -، تألیف هارون بن عمر بن عبد العزیز بن محمد ابو موسی المجاشعی از اصحاب امام رضا - علیه السلام -.
 - ۳- ذکر ما نزل من القرآن فی اهل البیت علیهم السلام، تألیف احمد بن الحسن الاسفراینی نجاشی و نیز آورده شده که وی دارای کتاب المصابیح فی ذکر ما نزل من القرآن فی حق اهل البیت - علیهم السلام - می‌باشد. «۲»
 - ۴- ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین - علیه السلام -، تألیف ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عالم بن مسعود الثقفی. «۳»
 - ۵- کتاب ما نزل من القرآن فی اهل البیت - علیهم السلام -، تألیف محمد بن العباس علی بن مروان الماهیار المعروف بابن الحجام. نجاشی وی را ثقه دانسته و از شیعه بر شمرده است. «۴»
 - ۶- کتاب ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین - علیه السلام -، تألیف محمد بن احمد بن عبد الله بن اسماعیل الکاتب. نجاشی فهرست کتابهای ایشان را بیان نموده

(۱) - رجال النجاشی ج ۲ ص ۴۰۲ رقم ۱۱۸۳.

(۲) - معالم العلماء ص ۱۵ و ائمتنا، علی محمد علی دخیل، ص ۴۲ و رجال نجاشی، ج ۱، ص ۲۳۸ و فهرست طوسی ص ۲۷.

(۳) - فهرست الطوسی ص ۵ و رجال النجاشی ج ۱ ص ۹۰ و مقدمه التبیان، سبحانی ص ۱۷۶.

(۴) - مقدمه التبیان، جعفر سبحانی ص ۱۷۶.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷۰

است. «۱»

- ۷- ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین - علیه السلام-، تألیف احمد بن عبد الله ابو نعیم اصفهانی. «۲»
- ۸- خصائص امیر المؤمنین - علیه السلام- من القرآن، تألیف الحسن بن احمد بن القاسم بن محمد بن علی بن ابی طالب - علیه السلام-. «۳»
- ۹- اسماء امیر المؤمنین - علیه السلام- من القرآن، تألیف الحسین بن القاسم بن محمد بن ایوب ابو عبد الله الکاتب. «۴»
- ۱۰- ما نزل من القرآن فی اهل البيت - علیهم السلام-، تألیف ابو عبد الله بن اسماعیل بن احمد نیشابوری. «۵» مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن ۷۰ کتابشناسی آیات نازله در شأن اهل بیت علیهم السلام ص : ۶۹
- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تألیف ابو عبد الله عیید الله بن عبد الله الحسکانی که آیات مربوط به حضرت علی - علیه السلام- را تفسیر کرده‌اند. «۶»
- ۱۲- خصائص علی بن ابی طالب فی القرآن، تألیف الحاکم الحسکانی. «۷»
- ۱۳- ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین - علیه السلام-، تألیف ابو الفرج علی بن الحسین الاصفهانی. «۸»

(۱)- رجال نجاشی، ج ۲، ص ۲۹۴، رقم ۱۰۳۱، مقدمه تبیان، ص ۱۷۶.

(۲)- ائمتنا، علی محمد علی دخیل، ص ۴۲-۴۵.

(۳)- ائمتنا، علی محمد علی دخیل، ص ۴۲-۴۵.

(۴)- ائمتنا، علی محمد علی دخیل، ص ۴۲-۴۵.

(۵)- ائمتنا، علی محمد علی دخیل، ص ۴۲-۴۵.

(۶)- ائمتنا، علی محمد علی دخیل، ص ۴۲-۴۵.

(۷)- ائمتنا، علی محمد علی دخیل، ص ۴۲-۴۵.

(۸)- ائمتنا، علی محمد علی دخیل، ص ۴۲-۴۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷۱

۱۴- ما نزل من القرآن فی امیر المومنین علیه السلام، تألیف محمد بن اورمه القمی. «۱»

۱۵- ما نزل من القرآن فی علی بن ابی طالب، اثر ابو عبد الله محمد بن عمران المرزبانی. «۲»

۱۶- خصائص الوحی المبین فی مناقب امیر المومنین علیه السلام و الآیات النازله فی حقه، تألیف یحیی بن علی الحسن بن محمد البطریق. «۳»

۱۷- نزول القرآن فی شأن امیر المومنین علیه السلام، اثر محمد بن مومن الشیرازی. «۴»

۱۸- امامه امیر المومنین فی القرآن، اثر محمد بن بن نعمان شیخ مفید. «۵»

۱۹- الآیات النازله فی اهل البيت علیهم السلام، تألیف الحسن بن محمد بن یحیی النیشابوری، «۶» وی از ۴۰۸ تا ۴۵۸ ه ق می زیسته است.

۲۰- الآیات الباهره فی وصف الائمة الطاهره، تألیف محمد مهدی مصطفی القاهری. «۷»

۲۱- آیات الباهره فی العتره الطاهره، اثر سید شریف مرتضی علم الهدی «۸»

(۱)- ائمتنا، علی محمد علی دخیل ص ۴۲-۴۵.

(۲)- ائمتنا، علی محمد علی دخیل ص ۴۲-۴۵.

- (۳) - الذریعه ج ۷ / ۱۷۵ و ائمتنا ج ۱ / ۴۵.
- (۴) - معالم العلماء ۱۱۸ و ائمتنا ج ۱ / ۴۵.
- (۵) - تراثنا شماره ۱۳ / ۱۰۰ و کتابنامه بزرگ قرآن ج ۲ / ۵۵۲.
- (۶) - اعیان الشیعه ج ۵ / ۲۸۱ چهل مقاله، استادی، ۲۹ و کیهان اندیشه شماره ۲۵ / ۸۷.
- (۷) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ / ۴۳.
- (۸) - کشف الظنون ج ۳ / ۵ و معالم العلماء ۷۰.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷۲ (۳۵۵-۴۳۶).

- ۲۲- آیات الباهرات فی معجزات النبی و الائمة الهداه، اثر ابو جعفر محمد بن الحسین الحسینی. وی با ۲۲ واسطه به امام سجاد- علیه السلام- می‌رسد. «۱»
- ۲۳- آیات الائمة، اثر حاج علی نقی بن ملا رضا بن امین همدانی «۲»
- ۲۴- آیات الباهره فی بقیه العتره الطاهره (تفسیر آیات القران فی المهدی)، اثر سید داود میر صابری «۳» وی شیعه بوده و کتاب در سال ۱۳۶۶ توسط بنیاد بعثت چاپ گردید.
- ۲۵- آیات الباهره فی الفضل العتره الطاهره اثر سید شرف الدین علی النجفی «۴» معاصر مرحوم کلینی.
- ۲۶- آیات الحجر فی تفسیر الایات التي فی مناقب الامیر المومنین علیه السلام، اثر میرزا علی اکبر شریف، «۵» وی متوفای سال ۱۳۱۷ قمری بوده کتاب وی خطی و در کتابخانه سید محمد باقر بحر العلوم دماوندی می‌باشد.
- ۲۷- آیات النازله فی ذم الجائزین علی اهل البيت (ع)، مولی حیدر علی بن العلامه میرزا محمد بن الحسن الغروی، «۶» این کتاب در کتابخانه شخصی ملا محمد خوانساری وجود دارد.

- (۱) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ / ۴۲.
- (۲) - دائره المعارف تشیع ج ۱ / ۲۳۸، دائره المعارف بزرگ اسلامی ج ۲ / ۲۵۶ و تفسیر شیعه و ... ص ۱۶۴.
- (۳) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ / ۴۲.
- (۴) - همان منابع ج ۱ / ۴۳، کشف الظنون ج ۳ / ۶.
- (۵) - رساله القرآن شماره ۹ / ۲۱۵ و نقباء البشر علامه طهرانی ج ۴ / ۱۵۹۲.
- (۶) - الذریعه ج ۱ / ۴۸ تراثنا شماره ۴ / ۵۱.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷۳
- ۲۸- آیات النازله فی اهل البيت عليهم السلام، اثر محمد بن ابی زید عربشاه وارمینی «۱»
- ۲۹- آیات محکمه قرآنیه داله بر امامت ائمه عليهم السلام، اثر شیخ احمد بن الدین احسانی «۲»
- ۳۰- الآيات النازله فی اهل البيت عليهم السلام، اثر الحسن بن محمد محمد بن یحیی النیشابوری «۳»
- ۳۱- آیات الائمة، تالیف حاج میرزا محمد علی بن مهدی الحسینی النیاکی اللاریجانی. «۴»
- ۳۲- آیات الباهره فی مدح الائمة الطاهره که مؤلف آن معلوم نیست و نسخه خطی آن به فارسی در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی در قم وجود دارد. «۵»
- ۳۳- القاب المعصومین من الکتاب المبین، تالیف حسین جعفر الموسوی الیزدی، وی از علماء شیعه بوده و کتاب به صورت خطی در

کتابخانه وزیری یزد موجود می‌باشد. «۶»

۳۴- اوضح دلیل فی ما جاء فی علی و اله من التنزیل، اثر شیخ علی بن جعفر بن ابی المکارم سید احمد حسینی، در پایان کتاب خود به نام (الهدایه الی حیوة المیراث)

(۱)- چهل مقاله، استادی، ۲۶ و کیهان اندیشه شماره ۸۷/۲۵، تراثنا شماره ۵۰/۴.

(۲)- رساله القرآن شماره ۲۱۵/۹ و کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱/۶۶

(۳)- اعیان الشیعه ج ۲۱۵/۹ و کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱/۶۶.

(۴)- پژوهشی در تفسیر نویسان آن مکتب، مظلومی ۲۶۲ و دائرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۲/۲۵۴.

(۵)- کتابنامه بزرگ قرآن، بکائی ج ۱/۴۳-

(۶)- رساله القرآن شماره ۲۱۹/۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷۴

اظهار داشته که نسخه خطی این کتاب در کتابخانه شخصی ایشان وجود دارد. «۱»

۳۵- الامام علی فی القرآن و السنه، اثر محمد علی اسیر. «۲»

۳۶- آیات النبوی و اهل بیت که نویسنده وی معلوم نیست. «۳»

کتابهای زیر نمونه‌ای است فهرست کتابهایی که در عصر حاضر درباره مقام و جایگاه ائمه اهل بیت در قرآن موجود می‌باشد که مجموعه‌ای از آن تا حدی که در دسترس بود، ارائه می‌گردد.

۱- علی فی القرآن، «۴» اثر علی محمد دخیل، وی نویسنده کتاب «ائمنا» نیز می‌باشد. (نشر دار المرتضی، بیروت. ۱۹۸۰ م، ۴۸ ص)

۲- علی فی القرآن، «۵» اثر صادق مهدی الحسینی، نشر مرکز علمی بیروت، ۱۹۷۹ م، ۴۰۴ ص.

۳- المهدی فی القرآن، «۶» اثر صادق مهدی الحسینی، نشر دار الصادق، ۱۹۷۸ م، ۲۶۲ صفحه.

۴- اهل بیت فی القرآن، «۷» اثر صادق مهدی الحسینی، نشر مرکز علمی بیروت، ۱۹۷۹ م، ۴۰۶ صفحه.

(۱)- رساله القرآن شماره ۱۹۲/۹ و تراثنا شماره ۵۲/۴.

(۲)- رساله القرآن شماره ۲۱۹/۹.

(۳)- رساله القرآن شماره ۲۱۶/۹، کتابخانه بزرگ قرآن ج ۱/۷۰.

(۴)- ائمنا، علی محمد علی دخیل ج ۱/۴۵.

(۵)- سابق، ج ۱/۴۳.

(۶)- همان ج ۱/۴۳.

(۷)- همان، ۱/۴۳.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷۵

۵- آیات الانوار، «۱» اثر محمود یوسفی غروی، مرکز انتشارات دار النشر اسلام، قم، ۱۳۷۲ شمسی، ۴۷۱ ص.

۶- آیات الثلاث، «۲» اثر شیخ محمد حسین بن شیخ محمد بن عبد الله مظفر النجفی، (۱۳۱۲-۱۳۸۱) قمری.

۷- آیات جلی فی شأن علی (ع)، «۳» اثر علی قزلباش الدهلوی به زبان اردو.

۸- آیات الولایه، اثر سید کاظم ارفع، «۴» انتشارات فیض تهران، ۱۳۶۴ شمسی تهران، ۴۲۰ ص.

- ۹- الامامه و الولاية في القرآن الكريم، «۵» اثر جمعی از نویسندگان (سید علی اکبر موسوی، محمد یزدی، محمد محمدی گیلانی) تحت اشراف محمد علی تسخیری توسط دار القرآن الکریم قم، در سال ۱۴۱۲ قمری در ۲۰۵ صفحه انتشارات یافت.
- ۱۰- امامة الحسين في القرآن، «۶» اثر محسن المعلم، به سال ۱۴۱۱ ق در ۴۲۸ صفحه انتشار گردید.
- ۱۱- امامت ائمه اثني عشر در قرآن، «۷» اثر سید علی نقی الکهنویبی، در سال ۱۳۵۳ ق در هند منتشر شد.

(۱)- آینه پژوهش شماره ۹۶/۲۴، کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱/۴۲.

(۲)- کتابنامه بزرگ قرآن بکائی ج ۱/۵۳.

(۳)- کتابنامه بزرگ قرآن، بکائی ج ۱/۵۳.

(۴)- رساله القرآن شماره ۲۱۶/۹، تراثنا شماره ۱۸/۱۳۰.

(۵)- رساله القرآن شماره ۲۲۰/۹ کتابنامه بزرگ قرآن بکائی ج ۲/۵۵۴.

(۶)- همان منبع شماره ۲۲۰/۹ و کتابخانه بزرگ قرآن، ج ۲/۵۵۲.

(۷)- همان شماره ۲۲۰/۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷۶

- ۱۲- امامت و ولایت اهل بیت در قرآن، «۱» اثر سید جمال الدین موسوی اصفهانی، توسط نشر دار القرآن الکریم قم، برای کنفرانس چهارم مفاهیم قرآن در سال ۱۴۱۲ ق ارائه گردید.
- ۱۳- اهل بیت در قرآن، «۲» اثر دکتر محمد ناصری، نشر دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۴- اولو الامر در قرآن، «۳» اثر شیخ حسن سعید، ناشر کتابخانه مدرسه چهل ستون تهران.
- ۱۵- امام و امامت از دیدگاه قرآن و سنت، «۴» اثر سید الله بیات.
- ۱۶- آیات النازلة فی شأن علی (ع) مع تفسیرها، «۵» اثر حاج سید عبد الحسین بن عبد الله موسوی دزفولی (۱۲۶۴-۱۳۴۰ ه ق)، کتاب در سال ۱۳۱۹ ق تألیف شده است.
- ۱۷- آیات الولاية فی اثبات خلافة علی (ع) اثر محمد بن محمد رفعت شیرازی که در سال ۱۳۱۶ ق ۱۸۹۸ م در بمبئی هند چاپ شده است. «۶»
- ۱۸- آیات الائمه، نوشته میر محمد علی بن مهدی، «۷» چاپ سنگی، ۱۳۱۶ ق، تهران.

(۱)- همان شماره ۲۲۰/۹ و ج ۲/۵۵۳.

(۲)- رساله القرآن شماره ۲۲۱/۹ و کتابنامه بزرگ قرآن، ج ۲/۶۵۰.

(۳)- رساله القرآن شماره ۲۲۱/۹ و کتابنامه بزرگ قرآن، ج ۲/۶۴۸.

(۴)- کتابنامه بزرگ قرآن، ج ۲/۵۵۷.

(۵)- دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۲/۲۵۴، رساله القرآن ۹/۲۱۶.

(۶)- دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۲/۲۵۴.

(۷)- همان، ج ۲/۲۵۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷۷

- ۱۹- اعظم المطالب فی آیات المناقب از سید احمد حسین «۱» امروهی، م ۱۳۳۸ ق.

۲۰- تنزیل الایات الباهره فی فضل العتره الطاهره از سید عبد الحسین شرف الدین، متوفی ۱۳۳۷ ق، وی از مفاخر شیعه و صاحب کتاب المراجعات می‌باشند.

آیات متشابهات

مبحثی است که به صورت تفسیر موضوعی بیان گردیده که کتابشناسی مختصر آن عبارتست از:
الآیات المتشابهات، ابو الحسن مقاتل بن سلیمان بن زید بن ادرك بن بهمن رازی بلخی المفسر، م ۱۵۰ ه ق مذهب شیعه، موضوع کتاب: محکم و متشابه.

[در بعضی از منابع نام مؤلف بدین صورت آمده است: ابو الحسن مقاتل بن سلیمان بن بشر الازدی الخراسانی المروزی]
الآیات المتشابهات، ابو الحسن النائب عبد الوهاب بن عبد القادر بن عبد النبی بن حعیدان العبیدی، م ۱۳۴۵ ه ق موضوع محکم و متشابه.

الآیات المتشابهات، ابو القاسم احمد بن یزید بن عبد الرحمن بن احمد محمد القرطبی، م ۶۲۵ ه ق.
الآیات المتشابهات، الشریف الرضی ابو الحسن محمد بن الحسینی البغدادی، م ۴۰۶ ه ق، آیات متشابهات، امام کسائی م ۱۸۹ ه ق.
آیات محکمت (اردو)، امیر حسن جعفری هندی شیعه، چاپخانه لکهنو، نشر امین، ۱۹۲۶ م (این کتاب ردی بر کتاب برادر مؤلف بنام «الایات البینات» که در

(۱) - کیهان اندیشه ش ۸۷/۲۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷۸
اعتراض به شیعه امامیه تألیف یافته، نوشته شده است.) «۱»

کتابشناسی ناسخ و منسوخ

گفته آمد که این موضوع به طور ابتدایی، از تفسیر محسوب می‌شود که کتابهای مربوط به آن، از این قرارند:
الناسخ و المنسوخ، ابی علی الحسین بن واقد المروزی، م ۱۵۹ ه ق. «۲»
الناسخ و المنسوخ، عبد الوهاب بن عطاء العجلی الخفاف ابو نصر البصری، م ۲۰۴.
الناسخ و المنسوخ، جعفر بن بشر بن احمد الثقفی المتکلم، م ۲۳۵.
الناسخ و المنسوخ، الزبیر بن احمد بن سلیمان الزبیری ابو عبد الله فقیه شافعی، م ۳۱۷.
الناسخ و المنسوخ فی القرآن، محمد بن عثمان بن مسیح ابو بکر الشیبانی المعروف بالجعد، م ۳۲۲.
الناسخ القرآن و منسوخه، ابی الحسین احمد بن جعفر بن محمد، م ۳۳۶ ه ق.
الناسخ و المنسوخ فی القرآن النحاس، احمد بن محمد اسماعیل المرادی المصری، م ۳۳۸.
الناسخ و المنسوخ، منذر بن سعد البلوطی القاضی ابو الحکم نحوی الاندلسی، م ۳۵۵.
الناسخ و المنسوخ عبد القاهر ابن طاهر بن محمد بن عبد الله البغدادی، م ۴۲۹.

(۱) - فهرست کتابها از کتابنامه بزرگ قرآن اثر شیخ محمد حسن بکائی استفاده شده است ج ۱ ص ۶۳ و ۶۴.

(۲) - فهرست ابن ندیم ص ۶۴ و ۶۳.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۷۹

ناسخ القرآن و منسوخه، الابیثیطی احمد بن اسماعیل بن ابی بکر بن عمر بن بریده شهاب الدین الابیثیطی، م ۸۸۳ فقیه شافعی.

الآیات الناسخه و المنسوخه، ابو القاسم هبه الله ضریر البغدادی، م ۴۱۰ ه ق. «۱»

الآیات الناسخه و المنسوخه، احمد بن عبد الله بن متوج بحرانی معروف به ابن متوج. «۲»

الآیات الناسخه و المنسوخه، ابو القاسم الشریف المرتضی علی بن موسی الکاظم الحسینی الموسوی. «۳»

بیان الناسخ و المنسوخ، کاظم رشتی، م ۱۲۵۹ ه ق شیعه.

اللیان فی الناسخ و المنسوخ من القرآن، او محمد عبد الله بن محمد بن ابی النجم صعدي، م ۶۴۶ ه ق.

کتاب الناسخ و المنسوخ، عبد الله بن الحسين بن القاسم الحسنی به نقل از تاریخ التراث العربی، فؤاد سزکین ج ۲۰۹. «۴»

معرفة الناسخ و المنسوخ، عبد الله بن حزم محمد بن احمد بن حزم بن تمام بن مسلمه الانصاری، م ۳۲۰ ه ق. «۵»

الناسخ و المنسوخ (من القرآن العظيم) فی کتب الله. ابی الخطاب قتاده بن دعامة بن قتاده السدوسی متوفی ۱۱۸ ه ق. «۶»

(۱) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ صص ۶۲ و ۶۹ و ۷۰.

(۲) - همان منبع.

(۳) - همان منبع.

(۴) - همان منبع.

(۵) - همان منبع.

(۶) - همان منبع.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸۰

قلائد المرجان فی الناسخ و المنسوخ من القرآن، مرعی الکرمی، مرعی بن یوسف بن ابی بکر بن احمد الکرمی المقدسی الجندلی،

م ۱۰۳۳ ه. «۱»

ب) تفسیر موضوعی در عصر حاضر

اشاره

توجه مسلمانان، بالاخص رهبران و عالمان دینی به پاسخگویی قرآن مجید در قبال بسیاری از مشکلات و معضلات، جنبشهای

اصلاحگری و قیامهای امتهای مسلمان در مقابل بیگانگان و اهمیت و تأثیر جهت‌دهی مردم به وسیله قرآن، وحدت اندیشه و کتاب

مسلمین در سراسر جهان اسلام و نقش قرآن در اصلاح و پیشرفت جوامع اسلامی، سبب گردید تا در بسیاری از مباحث ضروری

عصر حاضر، عالمان دینی به سراغ دیدگاه قرآن از آن مباحث بروند و جان تشنه رهروان را با آب زلال وحی سیراب نمایند.

با همین رویکرد بوده که سیل هجوم مشتاقان دیدگاه وحی به سوی کلام الهی آمده تا نجات و سعادت بشریت را به ارمغان آورند.

«در قرن اخیر، تحقیقات و مطالعات قرآنی با اسلوب نوینی خود نمایی کرده است که می‌توان آن را روشی در تفسیر قرآن نامید.

تفسیر موضوعی هم، جز بررسی مفاهیم آیات قرآنی، چیز دیگری نیست. ولی از آنجا که عنوان تفسیر، همواره با تفاسیر دوره‌ای و

ترتیبی همراه بوده است و این عنوان به مرور زمان یک معنای اصطلاحی به خود گرفته است تفسیر موضوعی را معمولاً تفسیر

نمی‌نامند...» «۲»

از نکاتی که قابل ذکر است این که، برخی از تفاسیر ترتیبی معاصر به بیان بعضی از مباحث مستقل به شکل موضوعی در تفسیر خویش پرداخته‌اند و آن را به طور

(۱)- همان منبع.

(۲)- سیمای صابران در قرآن، دکتر یوسف قرضاوی ترجمه دکتر لسانی ص ۱۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸۱

جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند که از آن جمله تفسیر گرانقدر «المیزان» اثر استاد علامه طباطبایی و تفسیر «المنار» اثر شیخ محمد عبده، متوفای ۱۳۲۳ ه ق، که با قلم شاگردشان محمد رشید رضا، متوفای ۱۳۵۴ ه ق به تحریر کشیده شده است، دو نمونه بارز از این گونه تفاسیر به شمار می‌روند. مرحوم علامه طباطبایی بحث از حروف مقطعه را در اول سوره شوری به طور کامل بیان داشته‌اند و بحثهای مستقل موضوعی همچون «زن و جایگاه اجتماعی آن»، «۱» «روابط اجتماعی اسلام»، «۲» «بحث در رد نظریه داروین»، «۳» «نظر اسلام درباره مالکیت»، «۴» «اثر ایمان در فرد و اجتماع» «۵» و «بحث دفاع» «۶» را مطرح کرده‌اند و یا بحث روح را به طور کامل در آن تفسیر شریف آورده‌اند.

کتاب تفسیری «من هدی القرآن» اثر علامه شیخ محمود شلتوت، متوفای ۱۹۶۳ میلادی و کتاب «علوم الطبیعه فی القرآن» اثر استاد یوسف مروه را می‌توان از کتابهای مستقل موضوعی در قرآن علاوه بر آنچه گفته شد، به شمار می‌آورد.

از کتابهای تفسیری قرآن که بحثهای موضوعی قرآن را ارائه کرده است، می‌توان از تفسیر موضوعی علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار نام برد. یکی از مفسران موضوعی معاصر در این باره چنین می‌نویسد: «شاید بتوان گفت مرحوم علامه مجلسی، نخستین کسی است که به این شیوه از تفسیر به طور اجمال توجه داشته است،

(۱)- المیزان، ج ۲، صص ۲۷۷-۲۶۱ ج ۴، صص ۱۷۸-۱۹۴.

(۲)- همان، ج ۴/۱۳۳-۹۱.

(۳)- همان، ج ۲/۱۱۲ و ج ۳/۲۱۲ و ج ۴/۱۴۳.

(۴)- همان، ج ۴، صص ۳۴۱-۳۴۰.

(۵)- همان، ج ۱۵ ص ۷.

(۶)- همان، ج ۲، ۷۴-۶۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸۲

وی در کتاب بحار الانوار در آغاز هر بابی و موضوع را گردآوری و به تفسیر اجمالی آنها پرداخته است و همین گام، کوتاه گامی بزرگ در پیشرفت فن تفسیر بود ولی متأسفانه این موضوع پس از او تعقیب نگردید.» «۱»

حضرت آیه الله مکارم شیرازی نیز مؤید این نظر بوده، می‌فرمایند:

«از کسانی که در این موضوع پیشگام بوده است، مرحوم مجلسی است که -وقتی- در هر یک از فصول بحار الانوار وارد می‌شود، آیات مربوط به آن موضوع را جمع آوری می‌کند؛ سپس یک دید کلی بر همه آنها می‌افکند در بعضی از موارد نظرات مفسران را نقل می‌کند و در تبیین این آیات می‌کوشد.

مثلا در جلد ۶۷ هنگامی که درباره «قلب» و «سمع» و «بصر» و معنی آنها در قرآن مجید سخن می‌گوید ده‌ها آیه در این زمینه از قرآن جمع آوری کرده و بعد از ذکر روایتی از کافی، به تبیین کلی معنی آنها پرداخته و حدود ده صفحه در این زمینه بحث

می‌کند.

در جلد ۵۸ در فصل حقیقت «خواب» و تعبیر آن، نخست بیش از ده آیه از آیات قرآن را در این موضوع جمع آوری کرده سپس چندین صفحه به تفسیر آنها می‌پردازد.» (۲)

در بحث از سیر تاریخی تفسیر موضوعی، همان گونه که شایسته و بایسته است، ما آن را به دو دوره: تفسیر موضوعی در مرحله تکوین و پیدایش و مرحله تجدید و رشد و شکوفایی تقسیم نموده‌ایم که مرحله دوم آن از قرن چهاردهم به بعد آغاز می‌گردد و هنوز هم به آن رشد مطلوب و نهایی خویش نرسیده است.

اگر در تفسیر ترتیبی، اولین مفسر بعد از قرآن مجید، پیامبر اکرم - صلی الله

(۱) - منشور جاوید قرآن، جعفر سبحانی، ج ۱، ص ۲۴.

(۲) - پیام قرآن، ج ۱، ص ۲۷.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸۳

علیه و آله - و بعد از ایشان ائمه اطهار - علیهم السلام - می‌باشند که در حقیقت، سرمایه اصلی تفسیر به شمار می‌آیند، ما در پیشینه تاریخی تفسیر موضوعی نیز مرحله‌ای به همین صورت در دست داریم که روش تفسیر موضوعی را می‌آموزد و ما در بحث مبانی تفسیر موضوعی بدان خواهیم پرداخت. بعد از آن مرحله تا قرن چهاردهم، تفاسیر موضوعی مختلفی به رشته تحریر در آمد که ارائه خواهد گردید.

در مرحله جدید تفسیر موضوعی، رشد و پویایی خاصی نمودار است که به روشنی قابل رؤیت است و عواملی چند در آن مؤثر بوده‌اند «در قرن چهاردهم هجری، به دلیل پیشرفت در کار تفسیر، در کشورهای اسلامی و عربی، فریاد دعوت به دوباره نگری در تفسیر قرآن و طرحی نو در میدان فرهنگی و ادبی بسیار به چشم می‌خورد که استاد محمد عبده، محمد جواد بلاغی، محمد رشید رضا، طنطاوی تفسیر را در مفهوم اجتماعی و نیازهای عصر به کار گرفته و از - طریق - آن مشکلات عصر مسلمین را جواب می‌دادند.» (۱)

باری، رواج تفسیر موضوعی را می‌توان از پدیده‌های جدید در علوم قرآنی برشمرد که در تشریح و تبیین حقایق قرآنی، سهم بسزایی دارد و اسراری را از درون این کتاب آسمانی برای ما فاش می‌کند اما چون خداوند متعال، قرآن کریم را با ترتیب موجود سامان داده و رده بندی آیات هر سوره، طبق فرمان او صورت پذیرفته است تفسیر ترتیبی، به دلائلی گزارش می‌شود از نظر ارشادی و هدایت مردم از جذائیت و کارآیی فزونتری نسبت به تفسیر موضوعی برخوردار است گرچه تفسیر موضوعی در محدوده آیات الاحکام دارای سابقه‌ای طولانی است. (۲)

نگرشی کوتاه بر تفاسیر سده اخیر (قرن چهاردهم)، به روشنی این حقیقت را

(۱) - المبادئ العامة للتفسير القرآن، دکتر محمد حسین علی الصغیر، ص ۱۴۶.

(۲) - مجله بینات شماره ۱۰ / ۱۱۱ مصاحبه استاد دکتر حجتی.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸۴

عیان می‌سازد که «تفسیر نگاری در قرن چهاردهم از هر قرن دیگری در تاریخ اسلام متفاوت و متمایز است و این امتیاز صرفاً مربوط به فراوانی انبوه تفاسیر از هر مشرب و مکتبی نیست، بلکه مربوط به تحول دیدگاه تفسیر نویسی است؛ تحول از دیدگاه فردی و اخروی به دیدگاه عرفی و اجتماعی.» (۱)

علاوه بر آن که در تفسیر، رویکردی جدید پدید آمده در روش تفسیر نیز تحول رخ داده است. «تفسیر موضوعی» روشی است که زاده تلقی و توقعات امروزی است. شاید بتوان گفت این روش از لوازم و مقتضیات بازگشت به قرآن است ... بدین ترتیب در نگاه تاریخی - تفسیری، ملاحظه می‌کنیم تفسیر موضوعی، زاده حاجات عصر خویش است و مفسران به گزاف و از سر تنوع طلبی بوالهوسانه، بدان روی نیاورده‌اند. با عنایت به انگیزه‌ها و دواعی اقبال به قرآن در عصر حاضر، تفسیر موضوعی را بایستی روشی دید که از او انتظار بر آوردن حاجات رفته است.» (۲)

نگاه مصلحان اندیشمند دینی و قیامها و خیزشهای ملی در قبال استکبار و استعمار و بهره‌گیری آنان از قرآن مجید جهت پیشبرد اهداف انقلابی خویش، یکی از عوامل گسترش تفسیر موضوعی در جهان اسلام در سده چهاردهم می‌باشد. همان گونه که اشاره شد، تفسیر موضوعی در عصر حاضر، اختلاف روشی با قبل از آن دارد یعنی محققان جهت نشر اندیشه‌های قرآنی، آیات قرآنی را به صورت موضوعی مورد بحث قرار می‌داده‌اند و این بحث‌ها در حال رشد و نمو است و دوران نوجوانی را سپری می‌کند. نکته دیگری که در تفسیر موضوعی عصر حاضر باید بدان توجه نمود، این است که بسیاری از کسانی که در آن به تحقیق دست زده‌اند، درباره موضوعی به صورت

(۱) - تفسیر و تفاسیر جدید، بهاء الدین خرمشاهی ص ۹.

(۲) - روش شناسی تفاسیر موضوعی، سید هدایت جلیلی، ص ۲۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸۵

تحقیق عمل کرده‌اند و از عهده تفسیر آن برنیامده‌اند و در واقع به بیان پاره‌ای از عقاید خویش در خلال بهره‌گیری از آیات پرداختند.

۱) مفسران موضوعی در مصر

از میان کسانی که در تفسیر موضوعی آثاری به رشته تحریر در آورده‌اند، به طور خلاصه از آنان که نخستین گام را برداشته‌اند نام می‌بریم که عبارتند از:

مرحوم شیخ محمود شلتوت رئیس اسبق دانشگاه الازهر مصر با دو عنوان کتاب:

۱- القرآن و القتال که مشتمل است بر یک تحقیق موضوعی پیرامون صلح و جنگ.

۲- القرآن و المرأة که تحقیق موضوعی ارزنده‌ای را در رابطه با نقش حساس و سرنوشت ساز زن در جوامع بشری دارد.

استاد عباس عقاد چندین کتاب در تفسیر موضوعی به جا گذاشتند که از آن جمله است:

۱- المرأة فی القرآن الکریم.

۲- الانسان فی القرآن الکریم.

مرحوم استاد دکتر محمد عبد الله دراز نیز کتاب بسیار ارزنده‌اش را به نام «دستور الاخلاق فی القرآن» که پایان نامه دوره دکتری وی در دانشگاه سوربن فرانسه بوده است، با همین شیوه تفسیر موضوعی تألیف کرده است.

متن اصلی این کتاب به زبان فرانسه است. اخیراً دکتر عبد الصبور شاهین، آن را به زبان عربی برگردانده است.

بعضی از آثار استاد محمد عزه دروزه نیز در ردیف کتابهای تفسیر موضوعی به حساب می‌آیند که عبارتند از:

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸۶

۱- الدستور القرآنی فی شؤون الحیاء.

۲- سیره الرسول صور مقتسبه من القرآن.

کتاب اخیر نخستین کتابی است که به تحلیل و تفسیر سیره پیغمبر اسلام در پرتو تابلوهایی گویا که با مفاهیم آیات قرآنی ترسیم می‌گردد، پرداخته است.

کتاب استاد محمد شدید به نام «التربیه فی القرآن الکریم» نیز سبک موضوعی دارد.

ناگفته پیداست که کتابهای تفسیر موضوعی منحصر به این کتابها نیست. «۱»

کتاب «الصبر فی القرآن» تحقیق دانشمند گرانمایه و مفسر عالیقدر مصری آقای دکتر یوسف قرضاوی است که مؤلف در این کتاب- که در نوع خود کم نظیر است- به تحقیق موضوعی پیرامون مفاهیم آیات قرآنی در رابطه با صبر و صابران پرداخته است. متن کتاب وی با اتقان و ابداع خاص وی، ۵ آیه در این موضوع را از قلم انداخته است که با توجه به قلم شیوای مؤلف و آوردن مفاهیم آن آیات در ذیل آیات دیگر نقصی بر کار دکتر قرضاوی به شمار نمی‌آید. «۲»

«الانسان فی القرآن الکریم» اثر عباس محمود العقاد، ناشر: مکتبه العصویه، صیدا بیروت، ۱۹۸۰ میلادی در ۱۷ صفحه و دار النهضه (دار الکتب العربی) مصر ۱۹۸۰ میلادی در ۱۶۳ صفحه، وی در سال ۱۸۸۹-۱۹۶۴ می‌زیسته است. «۳»

«الانسان فی القرآن الکریم» اثر عبد الحکیم بحلاق، نشر دار الارشاد، حمص:

سوریه، ۱۹۸۰ م «۴» الانسان فی القرآن الکریم «۵» اثر محمد شیخ عابد طیشات، نشر

(۱)- سیمای صابران در قرآن، دکتر قرضاوی- ۲۶.

(۲)- سیمای صابران در قرآن، مقدمه دکتر محمد علی لسانی، ص ۸.

(۳)- معجم مصنفات القرآن الکریم ج ۳/ ۱۸۵ و کتابنامه بزرگ قرآن ج ۲/ ۵۹۳.

(۴)- معجم مصنفات القرآن الکریم ج ۳/ ۱۸۵ و کتابنامه بزرگ قرآن ج ۲/ ۵۹۴.

(۵)- کتابنامه بزرگ قرآن ج ۲/ ۵۹۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸۷

دار الوطنیه للنشر و التوزیع، ۱۴۰۷ ه ق در ۲۱۷ صفحه.

«الانسان فی میزان القرآن» «۶» اثر حسن الباشا، نشر جمعیه الدعوة الاسلامیه العالمیه- طرابلس، لیبی، ۱۳۹۹ ه ق در ۱۲۸ صفحه.

«الانسان فی القرآن الکریم من البدايه الى النهایه»، اثر عبد الکریم خطیب، نشر دار الفکر العربی، قاهره ۱۹۷۹ م در ۴۹۱ صفحه.

«اخلاق القرآن» «۷» اثر عبد العزیز بن صالح- النبل، این کتاب به عنوان رساله کارشناسی ارشد در دانشکده شریعت و بررسی‌های اسلامی از دانشگاه ملک عبد العزیز در مکه مکرمه سال ۱۳۹۶ قمری و با راهنمایی محمد قطب بوده است.

«اخلاق القرآن و من هدی القرآن»، «۸» اثر امین الخولی، مصر ۱۹۴۱، ۱۹۴۲.

«الاخلاق القرآنیه» «۹» (التفسیر الموضوعی للقرآن)، زهیر الاعرجی، نشر دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۷ ق، در ۳۳۶ صفحه.

«اخلاقی صورتحال کافرانی تصور»، «۱۰» اثر ضیاء رخشنده، جامعه پنجاب لاهور پاکستان، ۱۹۸۵، اردو.

«الاخلاق النظام الاجتماعی فی القرآن»، «۱۱» اثر عدنان زرزور، مدیریه الکتب الجامعیه دمشق، ۱۹۸۲.

(۶)- همان، ج ۲/ ۵۹۴.

(۷)- کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱/ ۲۳۳.

(۸)- کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱/ ۲۳۴.

(۹) - همان، ج ۱ / ۲۳۴.

(۱۰) - همان، ج ۱ / ۲۳۴.

(۱۱) - همان، ج ۱ / ۲۳۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸۸

«اخلاق اهل القرآن»، «۱» اثر ابو بکر محمد بن الحسین الاجری، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷.

«اخلاق اسلامی در قرآن کریم»، «۲» اثر دکتر عثمان شکرچی، معرفه ندوه نشریات، استانبول، ۱۹۸۸ م، ترکی.

«الاخلاق فی القرآن»، «۳» محمد عبد الله دراز المصری، وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیه، مغرب، ۱۳۷۷، فرانسه.

«الاخلاق فی القرآن الکریم»، «۴» اثر محمد کامل حسن المحامی، دار المکتبه الحیاء و مکتب العالمی، عربی.

«اخلاق القرآن»، «۵» اثر دکتر احمد الشرباصی الازهری، دار الرائد العربی، بیروت، ۱۹۷۹ م در ۲۰۷ صفحه.

«الانجیل فی القرآن»، «۶» اثر یوسف بن سمعان دره الحداد، مطبعه حریصا، لبنان، ۱۹۵۵ م، وی نویسنده‌ای سوری‌ای است و کتاب

وی در ۴۲۲ صفحه می‌باشد.

«الادیان فی القرآن»، «۷» محمد بن شریف، دار عکاظ للطباعه و النشر، جدّه، ۱۳۹۹ ق در ۳۰۱ صفحه.

(۱) - همان، ج ۱ / ۲۳۱.

(۲) - همان، ج ۱ / ۲۳۱.

(۳) - همان، ج ۱ / ۲۳۲.

(۴) - همان، ج ۱ / ۲۳۳.

(۵) - همان، ج ۱ / ۲۳۳.

(۶) - کتابنامه بزرگ قرآن، ج ۲ / ۵۸۹.

(۷) - همان منبع، ج ۱ / ۲۴۳.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۸۹

«ابراهیم فی القرآن»، «۱» فان جنیب مستشرق هلندی، مجله العالم الاسلامی، ۱۹۱۲ م.

«احکام المرأة فی القرآن»، «۲» دکتر السید الجمیلی، دار الکتب العربیه، بیروت، ۱۹۸۸ م، در ۱۶۸ صفحه.

«احکام النسوان فی کلام الرحمن»، «۳» (زبان اردو)، شمس الدین پیرزاده، چاپخانه انتظامی حیدر آباد پاکستان.

«الایمان فی القرآن»، «۴» عبد الواحد، دار الرائد العربی، بیروت، ۱۴۰۶ ق.

«احکام حجاب در قرآن»، «۵» امین حسن - اصلاحی، مترجم ابو بکر مدنی، نشر احسان، تهران، ۱۳۷۱ ه ش.

«آداب معاشرت در قرآن کریم»، «۶» دکتر زکی دومان، ترکی، ط سوم، ۱۹۸۹ م در ۴۴۳ صفحه / شیوه‌های دعوت و تبلیغ از دیدگاه

قرآن، «۷» آیه ۱ ... محمد حسین فیض الله، ترجمه مرتضی دهقان طرز جانی، تهران، نشر یاسر، ۱۳۵۹ صفحه، نام عربی آن «سبیل

الدعوة فی القرآن» می‌باشد.

«الانبیاء فی القرآن»، «۸» محمد سعد الصادق، دار الکواء، ریاض، ۱۴۰۲ ه ق در

(۱) - همان، ج ۱ / ۹۵.

(۲) - همان، ج ۱ / ۱۹۹.

- (۳) - همان، ج ۱ / ۱۹۹.
- (۴) - کتابنامه بزرگ قرآن، ج ۲ / ۶۸۱.
- (۵) - همان ج ۱ / ۱۷۳ و کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی.
- (۶) - همان ج ۱ / ۱۰.
- (۷) - کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی.
- (۸) - کتاب بزرگ قرآن، ج ۲ / ۵۸۱.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹۰
- ۳۰۶ صفحه/ انسان و اجتماع در قرآن «۱» اکرم صغیر اوغلی، استانبول.
- «امت اسلامی از دیدگاه قرآن»، «۲» محمد صادق عرجون ترجمه علاء الدین حجازی، تهران، کانون پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۷ ق، در ۱۰۴ صفحه.
- «تربیت از دیدگاه قرآن»، «۳» محمد فاضل الجمالی، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، محمدی، ۱۳۶۰ ش / «یهود از دیدگاه قرآن»، «۴» عقیف عبد الفتاح طباره، ترجمه علی منتظمی، تهران، بعثت، ۱۳۵۲، در ۳۵۲ صفحه.
- «مفاهیم اخلاقی و عقیدتی قرآن»، «۵» محمد البهی، ترجمه محمد صادق سجادی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش، ۳۴۹ صفحه.
- «النظریه الاجتماعیه فی القرآن الکریم»، «۶» زهیر الاعربی، قم: مؤلف، ۳۰۴ ص.
- «خود آرایی زن از دیدگاه قرآن»، «۷» نعمت صدقی، مترجم فرزانه غفاری، تهران: نشر احسان، ۲۱۲ ص.
- قصص القرآن، «۸» روح الله الحسینی الحنفی ماهزاده، ترجمه: محمد حنیف، قم: فیروز آبادی، ۴۸۰ ص.

- (۱) - همان ج ۲ / ۵۹۵.
- (۲) - کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی، ص ۳۳۶.
- (۳) - همان، ص ۳۴۰.
- (۴) - همان، ص ۳۶۳.
- (۵) - همان، ص ۳۲۸.
- (۶) - مجله بینات شماره ۴ / ۲۰۰.
- (۷) - بینات شماره ۲ / ۱۹۵.
- (۸) - بینات شماره ۲ / ۱۹۷.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹۱
- علی (ع) فی الکتاب و السنه، «۱» حسین شاکری، قم: مؤلف، ۱۳۱۲ ص، سه جلد.
- در کشور جمهوری اسلامی ایران، تفسیر موضوعی در عصر حاضر با نام تفسیر موضوعی و یا بدون این نام نشر یافته و بسیاری از کتابهای شخصیت‌های مختلف علمی اسلامی در مباحث موضوعی نگارش یافته و هر یک به اندازه استعداد و توان علمی خویش، باری را به دوش گرفته و به نتیجه مطلوب رسانده است. هر چند نمی‌توان گفت همه آنانی که در این وادی قلم به دست گرفته‌اند، اهل فن بوده‌اند و یا به دیدگاه قرآن مجید در آن موضوع به اندازه کافی اشراف داشته، سپس به کار تفسیر پرداختند اما تلاش در

جهت یافتن دیدگاه قرآن بوده است.

۲) مفسران موضوعی در ایران

فهرست کتابهای موضوعی که در ایران اسلامی انتشار یافته است:

۱- منشور جاوید قرآن، اثر استاد جعفر سبحانی که به ادعای نویسنده نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی می‌باشد. نویسنده این کتابها ادعا نکرده که حق مطلب را ادا کرده، ولی حداکثر سعی و تلاش خویش را برای ادای این تکلیف به کار بسته است. «۲» این کتاب در چند مجلد توسط انتشارات جامعه مدرسین قم انتشار یافته است. نحوه ورود مفسر در این کتاب، بدین صورت است که ابتدا مفسر تحت عنوان خاص به طور گسترده تعداد زیادی از آیات قرآن را بیرون آورده، با بیان ترجمه‌اش به شرح و تفسیر آن آیات می‌پردازد. نویسنده محترم در جلد چهارم از این تفسیر موضوعی دو بحث «نفاق و منافقان» و «انسان و ابعاد آن» را مورد بررسی قرار داده،

(۱)- بینات شماره ۵/ ۱۹۹.

(۲)- منشور جاوید قرآن، استاد جعفر سبحانی، مقدمه.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹۲

فصلهای مختلف از این دو موضوع را بیان نموده است. هر چند ایشان در این جلد، بحثهایی از قرآن مجید را مطرح کرده‌اند ولیکن از دو کتاب «المنافقون فی القرآن» نگارش عبد الامیر قبلان و بالخصوص «النفاق و المنافقون فی عهد رسول الله» به قلم ابراهیم علی سالم مصری نیز در تنظیم مطالب بهره جسته‌اند. «۱» آیه الله سبحانی در همین کتاب تحت عنوان «صفات منافقان» سه صفت را بیان نموده و از قرآن استشهاد نموده است «سرگردانی و دلهره»، «تذبذب و فرصت طلبی» و «زندگی در دل ترس» را از آیات ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ سوره بقره و ۳ منافقون و آیات ۷۲ و ۱۴۱ و ۱۴۳ سوره نساء و آیات ۵۶ و ۵۷ براءت و ۱۰ و ۱۱ سوره عنکبوت برداشت می‌نماید و به بحث صفات منافقان در قرآن خاتمه می‌بخشد.

ضمناً استاد محترم متذکر می‌گردد: نگارنده تاکنون موفق به شمارش آیات مربوط به نفاق و منافقان نشده است، ولی یادآور می‌شود که این موضوع در سوره‌های زیادی مورد بحث واقع شده است. «۲» مطمئناً بهره‌گیری از تمامی آیات این موضوع، به فرجه شدن بحث می‌افزاید. به هر روی زحمتهای فراوان استاد را در تدوین این مجموعه می‌ستائیم.

۲- خدا و انسان در قرآن، اثر استاد توشی هیکو ایزوتسو، ترجمه آقای احمد آرام.

نویسنده این کتاب معنی شناسی الفاظ مهم قرآنی و تحول گروهی از این الفاظ را در انتقال از دوره جاهلیت به اسلام مورد بحث قرار داده و الحق بی‌طرفانه جهان بینی قرآنی را، درست به همان گونه که افراد مسلمان، عرضه می‌دارند، از همین

(۱)- منشور جاوید، ج ۴ ص ۸.

(۲)- همان ج ۴ ص ۷.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹۳

راه عرضه داشته است. «۱»

چاپ سوم این کتاب در سال ۱۳۷۳، توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده است.

۳- تفسیر موضوعی قرآن اثر آیه الله عبد الله جوادی آملی که از شاگردان استاد علامه طباطبایی (ره) بودند- در ۸ مجلد تا به حال انتشار یافته است این تفسیر حاصل سلسله بحثهای تلویزیونی حضرت ایشان می باشد که هر هفته مباحثی را به طور مسلسل ارائه می دهند. مسأله مبدأ و معاد، راه هدایت و ... و از آن جا که به قول استاد آیه الله جوادی آملی چون خود قرآن کریم در زمینه معارفی که با آغاز، انجام و مسیر آفرینش ارتباط دارد، آیات بیشتر و فراوانتری نازل کرده است، قهرا برنامه های تفسیر موضوعی در بخشهای اول، همین مسائل خواهد بود. «۲»

استاد جوادی آملی در مجلد ششم از تفسیر موضوعی، به بیان سیره مشترک انبیاء (ع) پرداخته که در فصل سوم آن اصول مشترک در رسالت انبیاء (ع) را مطرح ساخته که در آن جا ۱۶ اصل را با استفاده از آیات قرآنی بیان داشته است که عبارتند از: ۱) انبیاء و اصطفاى الهی، ۲) انبیاء و بعثت از میان همه امم، ۳) انبیاء و اعجاز بینه، ۴) عصمت پیامبران در تلقی، ۵) نگهداری و ابلاغ وحی، ۶) انبیاء و ندای توحید، ۷) انبیاء و میثاق خاص الهی، ۸) انبیاء و نفی شخصیت پرستی، ۹) انبیاء و نهضت علیه جهل و تقلید، ۱۰) انبیاء و دعوت به وحدت، ۱۱) انبیاء و تبشیر و انداز، ۱۲) انبیاء و دشمنان دین، ۱۳) انبیاء و مظهریت غفران و رحمت الهی، ۱۴) انبیاء شاهد بر اعمال است و مسئول در برابر خدا، ۱۵) انبیاء و تبلیغ رایگان، ۱۶) انبیاء و ارتباط دائمی آنها با خداوند و شانزدهمین اصل انبیاء و توحید در خشیت.

(۱)- خدا و انسان در قرآن، توشی هیکو ایزوتسو، ترجمه احمد آرام، مقدمه.

(۲)- تفسیر موضوعی قرآن، آیه الله جوادی آملی ج ۱ ص ۱۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹۴

نگارنده محترم، هنگام ارائه بحثها به مسائلی که موضوعات مختلف عصر حاضر است و می تواند در قالب بحث گنجانیده شود، اشارت نموده و از قرآن مجید بر آن استناد کرده است. به عنوان نمونه در پاسخ به این پرسش این که «آیا در غرب، پیامبری ظهور کرده است؟» می گوید: «ما دلیلی نداریم که خداوند بر آنها انبیایی نفرستاده است چون از این همه انبیاء که آمارشان در جوامع روایی ما هست، تنها نام بعضی در قرآن ذکر شده است.»

«مِنْهُمْ مَنْ قَصَّصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ» «۱» شاید در کشورهای غربی نیز انبیایی بوده اند که در قرآن قصه شان نیامده است و با استناد به آیه «إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» «۲» و «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُتَفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ» «۳» امکان وجود جمعیتی بدون پیامبر را رد می کنند و اصولاً نبوت عامه را از بشریت جدا نمی شمارند. «۴»

۴- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، اثر استاد آیه الله محمد تقی مصباح یزدی است. این کتاب، مشتمل بر طرح موضوعات قرآنی، برای نیازمندیهای فکری و اجتماعی عصر حاضر می باشد. «۵»

ایشان آثار دیگری از این گونه مباحث دارند که از آن جمله می توان «اخلاق در قرآن» را نام برد.

«المدرسه القرآنیه» اثر علامه شهید مرحوم سید محمد باقر صدر، که شاید از

(۱)- غافر / ۷۸.

(۲)- فاطر، ۲۴.

(۳)- بینه / ۱.

(۴)- تفسیر موضوعی قرآن، ج ۶، ص ۹۵.

(۵) - جامعه و تاریخ قرآن، استاد مصباح یزدی، مقدمه.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹۵

نخستین تفاسیر موضوعی عالم تشیع، در عصر حاضر بوده باشد. این کتاب، حاصل درسهای علامه بزرگوار در حوزه علمیه نجف اشرف می‌باشد که در ابتدای آن به روش تفسیر موضوعی و اهمیت و ضرورت آن می‌پردازند و در ادامه، به ارائه نمونه‌ای از این روش که تحت عنوان: «سنتهای تاریخی در قرآن» می‌پردازند؛ ولی ناتمام ماند.

کشف سنتهای تاریخی از قرآن، تفاوت میان فردی و اجتماعی در قرآن، رابطه انسان و طبیعت از دیدگاه قرآن و ... از مباحثی است که شهید بزرگوار مطرح فرموده و با توجه به دیدگاه قرآن پاسخ داده‌اند. این کتاب تا به حال با عناوین «سنتهای تاریخی در قرآن» به ترجمه دکتر سید جمال الدین موسوی اصفهانی و «مقدمات فی التفسیر الموضوعی» در لبنان و «مقدماتی در تفسیر موضوعی» قرآن توسط شاکر شاهدی انتشار یافته است. «۱»

۶- «علل انحطاط تمدنها در قرآن» اثر آقای علی قانع عزآبادی که توسط انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی نشر یافته است این کتاب پایان نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده، در دانشگاه امام صادق (ع) می‌باشد.

شیوه کار، بر این منوال بوده که پس از تأمل در آیات قرآن، دسته‌ای از آنها را استخراج کرده و با استفاده از تفسیر مورد بررسی قرار داده و از فهرست موضوعی تفسیر نیز کمک گرفته شد. «۲»

۷- «بینش تاریخی قرآن» تألیف آقای یعقوب جعفری.

این پدیده را در کتاب تشریحی خدا، مورد مطالعه قرار داده و نقطه نظرهای قرآن را درباره جامعه و تاریخ بشری جستجو نموده‌اند. بررسی تاریخ بشری از نظرگاه

(۱) - المدرسه القرآنیه، آیه الله علامه سید محمد باقر صدر (ره).

(۲) - علل انحطاط تمدنها در قرآن، احمد علی قانع عزآبادی، ص ۱۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹۶

قرآن، قوانین حاکم بر تاریخ را به دست می‌دهد و ما را که میراث دار ترجمه‌های ارزشمندی از تاریخ بشری هستیم، با رمز اصلی پیدایش و مرگ تمدنها آشنا می‌سازد. «۱»

۸- «پیام قرآن»، (مجموعه کتابهای تفسیر موضوعی) زیر نظر آیه الله ناصر مکارم شیرازی است که توسط جمعی از نویسندگان به رشته تحریر درآمده است. این مجموعه را که به عنوان روش موضوعی تفسیر نمونه زیر نظر استاد آیه الله مکارم شیرازی انجام شده است، مولفان، روش تازه‌ای از تفسیر موضوعی به شمار آورده‌اند که چنین به نظر نمی‌رسد، بلکه همان تفسیر موضوعی با تعریف ارائه شده است. این اثر در چند مجلد توسط نشر هدف قم به چاپ رسیده است. «۲»

تا به حال بحثهای موضوعی بسیار خوبی از مجموعه نویسندگان پیام قرآن، زیر نظر آیه الله ناصر مکارم شیرازی ارائه شده و موضوعات اعتقادی مختلفی را از قرآن بیان کردند. یکی از مباحثی که در جلد دوم پیام قرآن بدان اشارت رفته، خداشناسی است که انگیزه‌های فطری و عاطفی را معرفی نموده‌اند. در بیان انگیزه فطری از چهار آیه بهره گرفته شده که آن هم به طور صریح در متن نیامده است و در انگیزه عاطفی به بیان آیات ۱۴ و ۷۸ و ۱۱۴ سوره نحل توجه نموده و به عنوان «شکر منعم نردبان معرفه الله»، به ترجمه و شرح و نکته‌یابی از این سه آیه پرداخته است. «به این ترتیب توجه به این نعمتها را نیز وسیله‌ای برای زنده شدن روح شکرگزاری و به دنبال آن تحصیل معرفه الله قرار داده و گرنه خدا چه نیازی به شکر ما دارد؟ اینها همه بهانه‌هایی است برای معرفت ذات و صفات او و حرکت به سوی این کمال مطلق.» «۳»

- (۱) - بینش تاریخی قرآن، یعقوب جعفری، ص ۸.
- (۲) - پیام قرآن، آیه الله ناصر مکارم شیرازی، مقدمه.
- (۳) - پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۳۴-۴۱.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹۷
- هر چند روش خوبی در پیام قرآن دیده می‌شود و آن هم گرد آوری آیات در ابتدای بحث است، لکن عدم گردآوری کامل آیات می‌تواند نقصی بر این تفسیر محسوب گردد که امید است این معنا از نظر نویسندگان محترم آن، دور نمانده باشد و در زمینه گردآوری روشمند آیات قرآنی در هر موضوع از موضوعات قرآنی بیشتر دقت فرمایند.
- ۹- «معارف قرآن در المیزان» تألیف سید مهدی امین.
- این مجموعه به دسته‌بندی موضوعی از مطالب تفسیر المیزان اثر علامه عالیقدر، سید محمد حسین طباطبایی پرداخته است که مجموعه‌ای منظم و مفید، بدون تعریف از متن تفسیر المیزان، به طور موضوعی گزینش شده است.
- تا به حال چند مجلد از آن توسط نشر سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ رسیده است. «۱»
- ۱۰- «تفسیر موضوعی قرآن» تألیف استاد، آیه الله محمد هادی معرفت.
- این کتاب، مجموعه‌ای از تفسیر موضوعی قرآن اثر آیه ا... معرفت می‌باشد که جلد اول این اثر ارزشمند، به بحث درباره انبیاء در قرآن «۲» اختصاص یافته و نشر نبوغ، آن را به چاپ رسانیده است. منتظر موضوعات دیگر قرآنی از قلم این استاد دانشمند هستیم.
- ۱۱- تفسیر راهنما: تألیف حجه السلام و المسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- در مقدمه این کتاب آمده است: «نهایی‌ترین هدف در مجموعه کار تفسیری، تهیه تفسیر موضوعی پس از گردآوری برداشتها و دسته بندی موضوعات و آماده

- (۱) - معارف قرآن در المیزان، سید مهدی امین، مقدمه.
- (۲) - تفسیر موضوعی قرآن، آیه ا... محمد هادی معرفت.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹۸
- شدن بانک اطلاعات قرآن کریم است» «۱» هر چند این تفسیر به طور ترتیبی از سوره حمد تا پایان قرآن تهیه شده است، ولی در ذیل هر آیه، موضوعاتی که از آن آیه برداشت می‌شود را بیان می‌نماید تا بحثهای موضوعی قرآن، توسعه و تکامل و نقد یابد.
- انسان در قرآن، «۲» استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، بعثت.
- انسان در قرآن، «۳» احمد بهشتی، قم: کانون نشر طریق القدس، ۱۳۶۰ ش.
- انسان در قرآن، «۴» اسد الله بیات، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸ ش، ۲۵۳ ص.
- انسان در قرآن، «۵» ضیاء الدین سجادی، تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۶۰ ش، ۱۹۵ ص.
- احکام نکاح در قرآن، «۶» منوچهر حقیقی، رساله دکتری دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش، ۲۲۷ ص.
- ازدواج و آداب معاشرت زوجین از نظر قرآن و عترت، «۷» حمزه موسوی، تهران، نشر: مولف، ۱۳۶۵ ش، ۱۲۷ ص.
- آفات زبان از دیدگاه قرآن، «۸» حسین میرخانی، تهران، انتشارات و تبلیغات

(۲) - کیهان اندیشه شماره ۲۸ / ۲۳۱ و خود کتاب فوق.

(۳) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۲ / ۵۹۱.

(۴) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۲ / ۵۹۲.

(۵) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۲ / ۵۹۲.

(۶) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ / ۱۹۹.

(۷) - همان ج ۱ / ۲۸۶.

(۸) - همان ج ۱ / ۲۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۹۹

فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲ ه ش، ۱۹۱ ص.

اخلاق از نظر قرآن، «۱» جعفر شعار، تهران: شرکت طبع ایران، ۱۳۴۵ ه ش و شرکت چاپ علمی، ۱۳۶۴ ه ش ۳۲۰ ص.

هدایت در قرآن، «۲» آیه الله عبد الله جوادی آملی، تهران: دفتر نشر فرهنگی رجاء، ۱۶۰ ص.

کرامت در قرآن، «۳» آیه الله عبد الله جوادی آملی، تهران: دفتر نشر فرهنگی رجاء، ۲۴۰ ص.

مبانی انسان شناسی در قرآن، «۴» عبد الله نصری، تهران: فیض کاشانی، ۵۲۷ ص.

میثاق در قرآن، «۵» دکتر سید محمد باقر حجتی، دکتر عبد الکریم بی آزار شیرازی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی - ۲۴۴ ص.

انسان از دیدگاه قرآن و عترت، «۶» حسن صدر، قم: دار النشر اسلام، ۳۹۲ ص.

فقه القرآن، «۷» آیه الله محمد یزدی، تهران: موسسه اسماعیلیان، ۷۵۸ ص، ۲ - جلد.

قرآن و جامعه، «۸» علی کمالی دزفولی، قم: اسوه، ۵۰۷ ص

(۱) - همان ج ۱ / ۲۳۱

(۲) - بینات شماره ۱ / ۱۹۳

(۳) - همان شماره ۱ / ۱۹۳

(۴) - همان شماره ۱ / ۱۹۳، کتابشناسی قرآن ص ۳۱۷.

(۵) - همان شماره ۷ / ۲۱۵.

(۶) - همان شماره ۶ / ۱۹۶

(۷) - همان شماره ۶ / ۱۹۹

(۸) - همان شماره ۲ / ۲۰۰

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰۰

شخصیت زن از دیدگاه قرآن، «۱» هادی دوست محمدی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۵۰ ص.

عیسی از دیدگاه قرآن، «۲» محسن بینا، تهران ۲۸۸ ص.

ولایت فقیه از دیدگاه قرآن کریم، «۳» احمد آذری قمی، قم: دار العلم، ۲۷۲ ص.

مبانی جهان شناسی در قرآن، «۴» عبد الله نصری تهران: امیر کبیر، ۲۳۲ ص.

نامه‌های و صفتهای خدای رحیم در قرآن کریم، «۵» محمد تقی مقتدری، تهران:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۶۸ ص.

- نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیاء (م)، «۶» منیر گرجی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات مسائل زنان، ۱۷۸ ص.
- نماز در آینه قرآن، «۷» عباس عزیزی، تهران: ستاد اقامه نماز، ۴۸ ص.
- ترسیم خطوط کلی ایمان از دیدگاه قرآن، «۸» مصطفی پاینده، تهران: مرکز چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۹۲ ص.
- اخلاق در قرآن، «۹» کاظم ارفع، تهران: فیض کاشانی در ۵ جلد، ۶۱۰ ص.

(۱) - همان شماره ۲ / ۲۰۱.

(۲) - همان شماره ۲ / ۲۰۰.

(۳) - همان شماره ۲ / ۲۰۲.

(۴) - مجله بینات شماره ۴ / ۲۰۱.

(۵) - بینات شماره ۴ / ۲۰۰ کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی ۳۰۴

(۶) - بینات شماره ۴ / ۲۰۰.

(۷) - بینات شماره ۴ / ۲۰۱.

(۸) - بینات شماره ۲ / ۱۹۴.

(۹) - بینات شماره ۵ / ۱۹۶.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰۱

تفکر در قرآن، «۱» علامه سید محمد حسین طباطبایی، قم: موسسه دین و دانش ۱۳۶۳ ش، ۱۵۶ ص.

احکام القرآن، «۲» غلامرضا امیری گروسی: کرمانشاه: علمی ۱۳۲۸ ش، ۱۱۹ ص.

رساله احکام القرآن، «۳» ابو الفضل برقی، تهران: عطائی، بی تا، ۶۹۰ ص.

خدا از دیدگاه قرآن، «۴» آیه الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ ش، ۲۴۵ ص.

وحی و نبوت در پرتو قرآن، «۵» استاد محمد تقی شریعتی مزینانی، تهران:

امیر کبیر، ۱۳۴۹ ش، ۴۸۰ ص.

علم پیامبر و امام در قرآن، «۶» احمد مطهری، غلامرضا کاردان، قم: موسسه در راه حق ۱۳۶۱ ش، ۲۵۴ ص.

مبانی رسالت انبیاء در قرآن، «۷» عبد الله نصری، تهران: جهاد دانشگاهی دفتر مرکزی، ۱۳۶۵ ش، ۳۷۳ ص.

سنت‌ها از دیدگاه قرآن، «۸» مسیح مهاجری، تهران: حزب جمهوری اسلامی،

(۱) - کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی ص ۳۶۱

(۲) - کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی ص ۲۲۳.

(۳) - همان ص ۲۳۳.

(۴) - همان ص ۳۰۵.

(۵) - همان ص ۳۰۵.

(۶) - همان ص ۳۰۶.

(۷) - کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی ص ۳۰۷.

(۸) - همان ص ۳۰۶.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰۲

۱۳۱۶ ش، ۱۵۷ ص.

مرگ و زندگی از دیدگاه قرآن، «۱» عباسعلی محمودی، تهران بعثت، ۱۳۶۳ ش، ۱۷۵ ص.

عترت در قرآن، «۲» محمد هادی الامینی، تهران: علمیه اسلامی، ۱۳۵۶ ش، ۱۶۸ ص.

موعود قرآن، «۳» صادق الحسینی الشیرازی، موسسه الامام المهدی، تهران ۱۳۶۰.

آیات الائم، «۴» محمد علی بن مهدی اللاریجانی، تهران: چاپ سنگی، ۱۳۱۶ ق، ۳۴۲ ص.

ایمان از نظر قرآن، «۵» محسن شفایی، تهران ۱۳۴۸ ش، ۲۲۳ ص.

پایگاه رهبری در قرآن، «۶» علاء الدین حجازی، تهران: فلق، ۱۳۵۶ ش، ۱۷۱ ص.

ساکنان آسمان از نظر قرآن، «۷» عباسعلی محمودی، تهران: نهضت زنان مسلمان، بی تا، ۱۳۲ ص.

(۱) - همان ص ۳۰۸.

(۲) - کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی ص ۳۰۹.

(۳) - همان ص ۳۰۹.

(۴) - همان ص ۳۱۱.

(۵) - همان ص ۳۱۴.

(۶) - همان ص ۳۰۹.

(۷) - همان ص ۳۱۷.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰۳

حرکت و تحول از دیدگاه قرآن، «۱» استاد محمد تقی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۷ ش، ۹۵ ص.

ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، «۲» توشی هیکو ایزوتسو، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: قلم، ۱۳۶۰ ش، ۳۶۵ ص.

خانواده در قرآن، «۳» احمد بهشتی، قم: طریق القدس، ۴۲۹ ص.

سیمای زنان در قصص قرآن، «۴» مصطفی اولیایی، اراک، اداره کل ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲ ش، ۱۹۲ ص.

سیمای زنان در قرآن، «۵» خلیل خلیلیان، تهران: انتشار، ۱۳۵۱ ش، ۱۸۲ ص.

حکومت در قرآن، «۶» احمد بهشتی، قم، پیام بی تا، ۲۰۸ ص.

تکامل در قرآن، «۷» ایه الله علی مشکینی، ترجمه: ق حسین نژاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸ ش.

استکبار و استضعاف از دیدگاه قرآن، «۸» محمد تقی رهبر، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.

(۱) - همان ص ۳۲۲

(۲) - همان ص ۳۲۸

(۳) - کتابشناسی قرآن علوم قرآنی ص ۳۳۷

(۴) - همان ص ۳۳۸

(۵) - همان، ص ۳۳۸

(۶) - همان ص ۳۴۲.

(۷) - همان ص ۳۵۳

(۸) - همان ص ۳۵۹

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰۴

نظریه تکامل در قرآن، «۱» مسیح مهاجری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ ش، ۷۸ ص.

حدود روابط خارجی در حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن، «۲» حسین ترکمانی، تهران: بنیاد اندیشه اسلامی، ۱۳۶۶ ش.

روش تربیتی قرآن، «۳» علی گلزاده غفوری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۵ ش، ۱۶۵ ص.

انسان در افق قرآن، «۴» علامه محمد تقی جعفری، تهران: بعثت، موسسه القرآن الکریم، ۱۳۶۱ ش، ۶۴ ص.

احکام القرآن، «۵» اشرف علی تهانوی، (۱۲۸۰-۱۳۶۲ ه ق) اردو.

احکام القرآن، «۶» مولانا ظفر احمد عثمانی، ۱۳۱۰ ق، اردو.

احکام القرآن، «۷» ابو الفضل البرقی القمی، ۱۳۹۴ ه ق، تهران.

الاحکام الفقیه الخاصه بالقرآن الکریم، «۸» عبد العزیز بن محمد عبد الله، ۱۴۰۸ ق.

(۱) - همان ص ۳۵۳

(۲) - همان ص ۳۴۲

(۳) - همان ص ۳۴۱

(۴) - همان ص ۳۱۶

(۵) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ / ۱۸۲.

(۶) - همان ج ۱ / ۱۸۴.

(۷) - همان ج ۱ / ۱۷۷ و کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی.

(۸) - رساله القرآن شماره ۸ / ۱۹۶ و کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ / ۱۷۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰۵

الایات الاحادیث الوارده فی الذبائح و الصيد، «۱» محمد الخضر الناجی ضیف الله، ۱۴۰۳ ق.

آیات الاحکام، «۲» سید محمد حسین طباطبایی، نجف: ۱۹۶۶ م.

آیات الاحکام، «۳» محمد بن یحیی بن مهدی لاهیجی مهدوی، ۱۳۱۷-۱۴۰۳ ه ق.

آیات الاحکام، «۴» محمد باقر بن محمد اسد الله بن عبد الله بن علی محمد الشریف البیرجندی الکاشاری القائینی، ۱۲۷۶-۱۳۵۲ ه ق.

آیات الاحکام، «۵» محمد بن عبد الله دراز، عربی، مصر، ۱۳۷۷ ه ق.

آیات الاحکام، «۶» سید یحیی یزدی شیعه، ۱۹۶۹ م (۱۳۸۹ ه).

آیات الاحکام، «۷» سید محمد بن محمود الطباطبایی الیزدی، شیعه، نجف ۱۳۸۵ ه ق.

آیات الاحکام، «۸» احمد میرخانی، دو جلد ۱۳۷۰ ه ش.

الحریه فی القرآن، «۹» علامه شهید سید محمد باقر صدر.

(۱) - رساله القرآن شماره ۸ / ۱۹۴ و کتابنامه بزرگ ج ۱ / ۷۱.

(۲) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ / ۴۰.

(۳) - همان ج ۱ / ۳۶.

(۴) - تراثنا شماره ۱۹ / ۱۳۶ و دائرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۲ / ۲۵۲، الذریعه ج ۱ / ۴۳.

(۵) - کتابنامه بزرگ قرآن، ج ۱ / ۴۳، دائرة المعارف تشیع، ۴ / ۵۷۳.

(۶) - کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ / ۳۶.

(۷) - تراثنا شماره ۱۹ / ۱۳۸ و کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ / ۳۱.

(۸) - کیهان اندیشه شماره ۲۸ / ۲۳۳ و کتابنامه بزرگ قرآن ج ۱ / ۳۱.

(۹) - دائرة المعارف بزرگ تشیع ج ۴ / ۵۷۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰۶

العمل الصالح فی القرآن، «۱» علامه شهید آیه ا... سید محمد باقر صدر.

المؤمنون فی القرآن، «۲» سید قاسم شبر، ۲ جلد دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ ه ق، طبع دوم.

التعبیر الفنی فی القرآن، «۳» دکتر امین بکری شیخ امین، دار الشریق، بیروت، ۱۹۷۲ م.

من اشارات العلوم فی القرآن الکریم، «۴» عبد العزیز السید الاهل، بیروت:

دار النهضة الحديثه، ۱۹۷۲ م.

التوحید و الشرك فی القرآن الکریم، «۵» جعفر سبحانی، انتشارات اسوه، ۱۴۱۳ ه

فلسفه شناخت در قرآن کریم، علی عبد العظیم.

شناخت شناسی در قرآن، آیه ا... عبد ا... جوادی آملی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰ ش.

احکام القرآن، دکتر محمد خزائلی، تهران: موسسه انتشارات جاویدان، ۱۳۱۶ ش.

اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، تهران، موسسه انتشارات جاویدان.

انسان مسئول و تاریخ ساز از دیدگاه قرآن، «۶» شهید سید محمد باقر صدر،

(۱) - دائرة المعارف بزرگ تشیع ج ۴ / ۵۷۵.

(۲) - مؤمنون فی القرآن.

(۳) - المبادئ العامه لتفسیر القرآن الکریم، دکتر محمد حسین علی الصغیر.

(۴) - المبادئ العامه لتفسیر القرآن الکریم، دکتر محمد حسین علی الصغیر.

(۵) - منبع ۵-۱ فهرست کتابهای دانشگاه امام صادق (ع) و فرد آن کتابها.

(۶) - فهرست کتابهای دانشگاه امام صادق علیه السلام: دائرة المعارف تشیع ج ۴ / ۵۷۹ و ۵۷۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰۷

ترجمه آقای محمد مهدی فولادوند؛ کتاب حاضر ترجمه‌ای از مقدمات فی التفسیر الموضوعی یا المدرسه القرآنیه می‌باشد.

باد و باران در قرآن؛ مهندس مهدی بازرگان، شرکت سهامی انتشار به اهتمام محمد مهدی جعفری؛ این کتاب در یک مجلد و به

فارسی است که مؤلف، آیات مربوط به باد و باران را به شیوه علمی و استدلالی و با تطبیق آنها با علوم جدید تفسیر کرده است که

نمی‌توان آن را تفسیر موضوعی واجد شرایط نامید.

آشنایی با قرآن (جهاد و مشروعیت آن در قرآن)، «۱» اثر استاد شهید مرتضی مطهری که به «الجهاد و حالاته المشروعه فی القرآن»

به عربی ترجمه شده است.

کتابشناسی داستانهای قرآن

یکی از مباحثی که دانشمندان اسلامی از دیر باز به طور موضوعی در قرآن به کاوش پرداخته‌اند، داستانهای قرآن بوده است که دقت نظر ایشان حتی مفسران ترتیبی را در این باره می‌توان مورد تحسین قرار داد، چه رسد به آنان که کتابهای مستقلی در این زمینه به رشته تحریر در آورده‌اند.

هر چند این بحث‌ها در بعضی از موارد در بسیاری از کتابهای داستانی و تفسیری با وام گرفتن از اسرئیلیات و مطالب ناروا و غیر صحیح فربه‌تر گردیده است، لکن با همه نقصانی که از گذشته بر آن وارد است و شاید زمان حاضر نیز از شر آن آسوده نشده باشد، بحث‌ها با روش تفسیر موضوعی در قرآن نگارش یافته و از حالت خیالپردازی بیرون است.

«از الوان تفسیر موضوعی که تبلیغ آن در عصر جدید زیاد شده است، روش تفسیر قصه قرآنی است و این نوعی است که همه آیاتی را که در قصه‌ای واحد نازل

(۱) - دائرة المعارف تشیع ج ۴ / ۵۷۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰۸

شده است، جمع آوری می‌کند و به ترتیب تاریخی، مرتبش می‌نماید و سپس دیدگاهی جامع و کامل از قرآن گرفته، هدف و مقصود را معین و محدودده‌اش را روشن می‌نماید.» (۱)

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان از روش موضوعی بهره گرفته‌اند و داستانهای قرآن را با این سبک بیان داشته‌اند چنان که یکی از صاحب نظران می‌نویسد:

«علامه روش موضوعی را در بیان داستانهای قرآنی به کار برده است، وی آیات مربوط به یک داستان را جمع آوری کرده و به ترتیب تاریخ نزول، مرتب می‌کند. بر این اساس، قصه‌های قرآن نوعی تفسیر موضوعی به شمار می‌آید... اگر روش علامه را در بیان قصص قرآنی دنبال کنیم در می‌یابیم که کاملاً با نظریه اساسی وی در تفسیر یعنی تفسیر قرآن به قرآن انطباق دارد. روایات منقول درباره قصه‌ای، مؤید داده‌های نصوص قرآنی می‌گردد، بدون اینکه انگیزه‌ای برای تأویل کلام قرآنی در دلالت لغوی‌اش وجود داشته باشد و آیه از دلالت لغوی تأویل گردد یا معنای آیه به خیال پردازی حمل شود.» (۲)

«بنابراین علامه به صورت فردی ناآشنا یا بیگانه از قرآن کریم به بیان قصه‌های قرآن نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد تا با رعایت ترتیب زمانی آیات، قصه قرآنی را بدون هیچ شائبه‌ای تبیین کند.» (۳) «تبیین قصه قرآنی از انواع تفسیر موضوعی قلمداد می‌گردد که دعوت به آن در عصر جدید افزون گردیده است.» (۴)

(۱) - الفکر الدینی فی مواجهه العصر، محمد عفت الشرقاوی، ص ۳۰۵.

(۲) - روش علامه در تفسیر المیزان.

(۳) - روش علامه در تفسیر المیزان ص ۱۹۹.

(۴) - اتجاهات التفسیر فی مصر فی عصر الحدیث، محمد عفت الشرقاوی، ص ۲۸۲ به نقل روش علامه در میزان.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۰۹

حال به ذکر نمونه‌هایی چند از کتابهای مستقل درباره قصه‌های قرآن به صورت فهرست بسنده می‌کنیم:

اخبار الامم المباده فی القرآن، عاتق بن غیث البلادی، دار مکه: اول ۱۴۱۲، ۲۳۵ ص، کتابنامه، زیر نویس و مجزا (۲۲۸-۲۲۷).

- بنو اسرائیل فی القرآن الکریم، محمد عبد السلام ابو النیل، مدینه نصر، دار الفکر الاسلامی ۱۴۰۸، ۲۹۶ ص.
- بنو اسرائیل فی القرآن و السنه، محمد سید طنطاوی، قاهره، الزهراء الاعلام العربی، ۱۴۰۷، ۷۰۲ ص.
- البيان القصصی فی القرآن الکریم، ابراهیم عوضین. ریاض، دار الاصاله، ۱۴۱۰، ۱۷۱ ص.
- التربیه الانسانیه فی القصص القرآنی، عبد المحسن قاسم البزاز، قاهره، دار الصابونی، ۱۹۸۹.
- التصویر الفنی فی القرآن، سید قطب، دار الشروق، ۲۰۸ ص، قاهره.
- التعبیر الفنی فی القرآن، بکری شیخ امین، بیروت قاهره، دار الشروق، ۱۳۹۳، ۳۱۲ ص.
- جلوه‌های هنری داستانهای قرآن، محمود بستانی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱، ۵۳۲.
- الحوار و المناظره فی القرآن، خلیل عبد المجید زبان، مصر، دار المناره، ۹۳ ص.
- سیکولوجیه القصه فی القرآن، تهامی نقره، شرکت التونسیه للتوزیع، ۶۵۰ ص.
- القرآن و القصه الحدیثه، محمد کامل حسن المحامی، بیروت، دار البحوث العلمیه، ۱۹۷۰، ۱۶۲ ص.
- القصص الرمزی فی القرآن الکریم، احمد محمد جمال، بیروت: دار المکتبی العربی، ۱۴۰۵، ۲۱۶ ص.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱۰

قصص القرآن محمد احمد جاد المولی، محمد ابو الفضل ابراهیم، علی محمد البجاوی، السید شحاته، بیروت، دار الرائد العربی، ۱۴۰۶، ۳۷۸ ص.

قصص القرآن الکریم، علی محمد دخیل، بیروت: دار المرتضی، ۱۴۰۴.

اليهود فی القرآن، محمود بن الشریف، بیروت، دار مکتبه الهلال، ۱۹۸۶، ۱۱۹ ص.

یوسف فی القرآن، دکتر احمد ماهر محمود البقری، بیروت: دار النهضه العربیه، ۱۴۰۴. مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن ۱۱۰ کتابشناسی داستانهای قرآن ص: ۱۰۷

ص قرآن با فرهنگ قصص قرآن، صدر الدین بلاغی، تهران: امیر کبیر، ۴۲۰ ص، ط ۱۶.

قصه‌های قرآن، مصطفی زمانی، قم: فاطمه الزهرا، ۵۷۲ ص، ط ۱۰.

قصص القرآن، تاریخ انبیاء سیره رسول اکرم از بعثت تا رحلت، علی اکبر غفاری.

قصص القرآن، محمد باقر موسوی همدانی، تهران: صدوق، ۶۹۱ ص، ط ۱۰.

قصه‌های قرآن، سید محمد صفحی، قم: اهل البيت، ۴۲۸ ص، ط ۵.

تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم و قصص قرآن، حسین عمادزاده، تهران: اسلام، ۸۸۲ ص.

قصه‌های قرآن، ابو تراب صفایی آملی، تهران: امیری، ۱۷۹ ص.

قصص القرآن الکریم، روح الله الحسینی الحنفی ماهر زاده، ترجمه: محمد حنیف، قم: فیروزه آبادی.

مثنوی الهی (انباء الرسل) حکایات و قصص انبیاء بر اساس قرآن مجید، علی عابد نهاوندی، تهران: سبحان، ۲۱۱ ص چاپ اول.

قصص قرآن یا تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم، هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

عیسی از دید گاه قرآن، محقق و مترجم: محسن بینا، تهران، ۲۸۸ ص.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱۱

زن در قرآن (سرگذشت جمعی از زنان خوب و بد)، علی دوانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۲۰ ص، چاپ ششم.

ابراهیم و لوط راست قامتان جاودانه تاریخ، محمد مهدی اشتهاردی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف، نعمت اله صالحی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوازدهم، ۳۴۰ ص.
شوق دیدار (تفسیر آیات کلام الله مجید درباره حضرت موسی «ع»)، آیه ۱ ...
عباس ایزدی، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۲۷۲ ص. «۱»

آنچه به طور فهرست، از کتابهای تفسیر موضوعی از تک نگاری یا مجموعی در این تحقیق ارائه گردید بر ما معلوم می‌نماید که کار تفسیر موضوعی، از قرن چهاردهم پیشرفت و تحرک خاصی داشته و رشد خوبی هم نموده است؛ ولی با این همه نیاز به همت والای بلند همتان آفاق قرآنی است، تا به بیکرانه وحی پرواز نموده، با استضاء از آن دیار، کلام دلنشین الهی را تبیین کنند و این نهال را به درخت تنومند و تناور آشنایی با قرآن مجید و استنطاق از آن تبدیل نمایند و موضوعاتی را که از گذشته و حال در قرآن مجید کار شده است، لکن هنوز به غایت رشد خود نرسیده به نهایت رشد و بالندگی برسانند. چشمان ما منتظر چنان روزی است.

(۱) - از شماره‌های ۷-۱ مجله بینات بهره گرفته شده است.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱۲

فصل سوم جایگاه تفسیر موضوعی و مبانی آن

اشاره

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱۳

تفسیر موضوعی در عصر حاضر، با این شیوه خاص، پدیده‌ای جدید است و تازه گام در جهان تفسیر نهاده است، آنچه در گذشته به عنوان این روش انجام شده، مجموعه‌ای از آیات الاحکام و برخی موضوعات خاص بوده که در برابر آن مخالفانی ظاهر نشده و مخالفت جدی با آن صورت پذیرفته است و اغلب، مخالفت با این روش تفسیری در عصر حاضر ابراز گردیده است و در اعصار گذشته، شاید کمتر یافت شود. در تحقیق ما در بیان ادله و مبانی مخالفان تفسیر موضوعی، هر آنچه که در مخالفت با تفسیر موضوعی پدید آمده در عصر جدید بوده است.

البته تاکنون ادله قوی و محکمی از سوی مخالفان تفسیر موضوعی ارائه نشده است و آنها که به مخالفت با این روش تفسیری پرداخته‌اند، خودشان با مبانی و معیارهایی که قرار داده‌ایم، موافقت دارند و تفسیر موضوعی را با تعریف ارائه شده قبول دارند و به عنوان یک روش پذیرفته‌اند.

ما در این تحقیق به بیان نظریات مخالفان به طور کامل پرداخته، به پاسخگویی و نقد سخن آنان می‌نشینیم و در ادامه، مبانی و ادله تفسیر موضوعی را از دیدگاه خود تبیین نموده، در ارائه آن به اندازه کافی سخن گفته و سیر مبانی نقلی و عقلی این روش را با بهره‌گیری از روایات حضرت پیامبر اکرم - صلی اله علیه و آله - و ائمه معصومین (ع) و ادله عقلی به بررسی و بحث می‌پردازیم.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱۴

مبانی نقلی مخالفان تفسیر موضوعی

۱- دلیل قرآنی:

نزول تدریجی قرآن به معنای مجاز نبودن تفسیر موضوعی است. آیه ۳۲ سوره فرقان: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَّاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا».

کافران گفتند چرا این قرآن به یکباره بر او نازل نمی‌شود؟ برای آن است که دل تو را بدان نیرومندی دهیم و آن را به آهستگی و ترتیب فرو خوانیم.

بعضی از مخالفان تفسیر موضوعی، تدریجی نازل شدن این کتاب مقدس و بیان مزجی آیات را دلیلی بر تفسیر ترتیبی و عدم جواز تفسیر موضوعی به شمار آورده‌اند و گفته‌اند که اگر تفسیر موضوعی جائز بود خدای سبحان کتاب خویش را به یکجا بیان می‌کرد. و نیز اگر آیات را خدای سبحان به طور موضوعی جمع آوری می‌کرد، وضع آیاتی که نیاز به زمان داشته و ترتیب زمانی نیاز داشته تا جامعه اسلامی نو پا هم رو به اصلاح برود و هم آیات به طور کاربردی اثر بگذارد چه می‌شد؟ تنها در صورت نزول تدریجی است که می‌توان آیات ناسخ را بعد از منسوخ تصور کرد. پس چرا باید این ترتیب و تدریج را به هم زد و تفسیر موضوعی این تدریج و ترتیب را به هم می‌زند به همین دلیل که زمان آنها را رعایت نمی‌کند، بنابراین روش تفسیر موضوعی مجاز نیست.

«بر این بیان بی هیچ ابهامی، می‌توان نتیجه گرفت که مسأله تدریج در تنزیل آیات و بیان موضوعات قرآنی که از نظرگاه برخی به عنوان عیب و نقص برآورد شده است، از جمله مهمترین عناصری بوده که در تثبیت و گسترش دعوت اسلامی کمک بسزایی کرده است؛ به طوری که اگر در نظر گرفته نمی‌شد، اشکال عمده‌ای پیش می‌آمد.

با این همه سؤالی که در اینجا قابل طرح است، این است که آیا موضوعات

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱۵

مطروحه در یک سوره می‌تواند به طرز مستقل از مطالبی که در ارتباط با آنها در دیگر سوره‌ها مورد بحث قرار گرفته است، تصویر روشن و کاملی عرضه کنند؟ و یا فقط در پرتو مجموعه نگرشی موضوعی است که می‌توان از موضوعی خاص تصویری واضح و جامع بدست آورد؟» (۱)

و در جایی دیگر می‌آورند: «اگر آیات مربوط به جنگ بدر یا احد همگی قبل از وقوع آن پیشامدها نازل می‌شد چنان که در گرما گرم کارزار طیننی شایسته برپا کند و آن گونه که در بحبوه جنگ و پس از آن شور آفرید در مرهم نهادن بر زخمها و ریشه‌یابی علتها نقشی ارزنده ایفاء نماید ... گذشته از این، با در نظر گرفتن نزول تدریجی و پاره پاره فرود آمدن بخشهای مختلف یک موضوع، می‌توان گامهایی را که پیامبر (ص) برای استقرار یافتن آیین اسلام برداشته است شناخت و چگونگی شکل گرفتن احکام دینی را ملاحظه نمود.» (۲)

در پاسخ به این دلیل مدعی، باید گفت اولاً مفسران موضوعی به هیچ وجهی مخالف با تفسیر ترتیبی نبوده، بلکه آنرا تأیید کرده و مبنا و زمینه کار خویش به شمار آورده‌اند که در فصل چهارم در بیان ارتباط تفسیر ترتیبی و موضوعی بیان خواهد شد. ثانیاً ما منکر نزول تدریجی آیات قرآنی نبوده و نیستیم و هیچ کس چنین ادعا نکرده که قرآن مجید به یکباره نازل شد، بلکه موافق و معتقدیم که قرآن مجید در طی ۲۳ سال بر حضرت ختمی مرتبت - صلی علیه و آله - نازل گردیده است.

ثالثاً ما یکی از شروط تفسیر موضوعی را رعایت ترتیب زمانی آیات دانسته‌ایم و بیان کرده‌ایم تا آنجا که قابل دسترسی می‌باشد، رعایت ترتیب نزول آیات در این روش بشود و ما شرط کرده‌ایم که باید ناسخ و منسوخ و مطلق و مقید و ... درک شود و

(۱) - پژوهشی در نظم قرآن، عبد الهادی فقهی زاده، ص ۱۶۸.

(۲) - همان ص ۱۶۷.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱۶

خلط میان آیات صورت نگیرد. هنگامی که بحث از تحریم شرب خمر به میان می‌آید مفسر موضوعی باید مراحل مختلف آن را بیان دارد که طی چه مراحل حرمت آن از سوی شارع مقدس صادر گردیده است.

نکته دیگر این که ما در تفسیر موضوعی، به محور موضوعی سوره و آیات قبل و بعد یک آیه، دقت کافی و لازم را داریم و بدون آن گام نهادن در وادی تفسیر موضوعی را امری ناپسند می‌شماریم. پس جای مخالفت با این روش با این دلیل قرآنی باقی نمی‌ماند.

۲- دلیل روایی: روایات ضرب القرآن بعضه ببعض:

از ادله‌ای است که بعضی از مخالفان تفسیر موضوعی بیان کرده‌اند و آورده‌اند که گردآوری آیات قرآن در یک جا و تفسیر قرآن بدین صورت، مشمول نهی حضرت پیامبر گرامی - صلی الله علیه و آله - و امام صادق - علیه السلام - می‌شود زیرا نهی مؤکد آن بزرگواران به ضرب قرآن به قرآن تعلق گرفته است. دکتر عبد الکریم بی‌آزار شیرازی در این باره می‌فرماید:

«از نظر ما قرآن بر خلاف احادیث و مباحث فقهی دارای نظم و ترتیب خاصی است و بر هم زدن ترتیب و ترکیب - آن -، در بعضی از روایات تحت عنوان «ضرب القرآن بعضه ببعض» به شدت نهی شده است.» (۱)

حدود هفت روایت از طریق عامه و خاصه رسیده که در آنها ضرب قرآن به قرآن آمده و از آن نهی شده است که ما از کتابهای عامه و خاصه جمع آوری کرده و در فصل چهارم به تفصیل بیان داشته‌ایم که به خاطر عدم تکرار بحث ضرب قرآن به قرآن و ارتباط آن با تفسیر موضوعی، در همان مکان بیان خواهیم نمود و پاسخ لازم

(۱) - مقالات و بررسیها دفتر ۴۸-۴۷، دکتر عبد الکریم بی‌آزار شیرازی مقاله نطق و تکلم در قرآن.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱۷
را نیز در همان فصل آورده‌ایم.

مبانی عقلی مخالفان تفسیر موضوعی

۱- کیفیت اسلوب و ساختار قرآن

یکی از خرده‌هایی که بر تفسیر موضوعی گرفته‌اند و مانند دلیل قطعی مقابل آن قرار داده‌اند مبتنی بر کیفیت اسلوب و ساختار قرآن مجید است. جناب استاد دکتر حجتی در این باره گفته‌اند:

«اکثر قریب به تمام دانشمندان، پذیرای این حقیقت‌اند که نظم و ترتیب آیات، در سوره‌های قرآن موجود، توقیفی است. به عبارت رساتر، این ترتیب ریشه در اجتهاد صحابه ندارد؛ بلکه از سوی خداوند متعال ترتیب آیات انجام گرفته است. پر واضح است که خداوند متعال بهتر از ما می‌داند که سخن خود را به چه کیفیتی سامان دهد تا از نظر ارشاد و هدایت آنها به حق و حقیقت، مؤثر و پر جاذبه باشد در ترتیبی که خداوند، بدان در نظم آیات سوره‌ها فرمان داده، حتما اسرار و حکمتهایی وجود دارد ... نظمی که باید اسرار اعجاز قرآن را در آن جستجو کنیم و اگر نظم و ترتیب آن را تغییر دهیم و آنگاه به تفسیر آن روی آوریم، کتاب و یا کتابهایی را در تفسیر قرآن فراهم می‌آوریم که همانند کتب عادی، دارای فصول و ابوابی خواهند بود که سر و راز ناشناخته اعجاز آن را، کم مایه و کم رنگ می‌سازد و نمی‌توانند همانند تفسیر ترتیبی برای ایجاد انعطاف و پذیرش حق از سوی مردم مؤثر افتند اگر نه چنین می‌بود، خداوند، کتاب خود را به صورت موضوعی سامان می‌داد.» (۱)

استاد گرانقدر در جای دیگری چنین می‌گویند: «ما ... واقعا معتقدیم که این سوره‌ها یک مجموعه واحد را تشکیل می‌دهند حتی اگر به نظر برسد که از مطالب

(۱) - مجله بینات، شماره ۱۰/۱۱۲ مصاحبه استاد دکتر سید محمد باقر حجتی.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱۸

متنوع و عناصر مختلف تشکیل شده، باید دانست که تشکیل این سوره از این عناصر خاص، حتما دارای «حکمت» است. ممکن است عده‌ای بیایند و مطالعاتی در زمینه قرآن صورت بدهند و بر این اساس مشغول مطالعه شوند که این تقریبا می‌شود تفسیر موضوعی که از جهت مطالعه علمی و بازدهی علمی بسیار خوب است. اما از نظر ارشادی باید در نظر گرفت چرا خداوند دور سوره‌ها، حصار کشیده و برایش مرز قائل شده و ما هم باید به همین ترتیب این سوره‌ها را بخوانیم لذا می‌بینیم که در این ترتیب، «سری» وجود دارد» (۱)

مرحوم آیه الله العظمی سید ابو القاسم خویی در بیان عدم دسته بندی موضوعی در قرآن می‌فرمایند:

«قرآن کتاب هدایت است و برای سوق دادن بشر به سوی سعادت دنیا و آخرت نازل گردیده و یک کتاب فقهی، تاریخی، اخلاقی و مانند آن نیست تا برای هر موضوعی باب مستقلی ترتیب بدهد و مطالب را کلاسه نماید. جای تردید نیست که اسلوب فعلی قرآن، بهتر می‌تواند مقصود و هدف هدایتی و اثر گذاری آن را تأمین نماید و نتیجه بخش گردد؛ زیرا اگر کسی تنها بعضی از سوره‌های قرآن را بخواند، می‌تواند در مدت کم و بدون زحمت و مشقت به مقاصد زیاد قرآنی پی ببرد و با هدفهای آن آشنا گردد و در ضمن یک سوره می‌تواند به مبدأ و معاد متوجه گردد و از تاریخ گذشتگان اطلاع حاصل نماید و از سرگذشت آنها عبرت بگیرد و از طرف دیگر از اخلاق نیکو و تعالیم و برنامه‌های عالی بهره‌مند شود و باز در ضمن همان یک سوره می‌تواند قسمتی از احکام و دستورات قرآن را درباره عبادات و معاملات فرا گیرد.» (۲)

(۱) - کیهان فرهنگی، سال ۶ شماره ۱ ص ۵ دکتر سید محمد باقر حجتی.

(۲) - ترجمه البیان «آیه ا... خویی، ترجمه محمد صادق نجمی، هریسی ج ۱ ص ۱۷۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۱۹

آری همه این مطالب مختلف را می‌توان از یک سوره به دست آورد ولی در عین حال لطمه‌ای بر نظم کلام وارد نیامده و در تمام مراحل، تناسب در گفتار و اقتضای حال رعایت گردیده و حق بیان اداء شده است. اگر قرآن به صورت ابواب منظم بود، این همه فواید بدست نمی‌آمد و این اندازه نتیجه بخش نمی‌گردید و خواننده قرآن- تنها- در صورتی می‌توانست با اهداف و مقاصد عالی آن آشنا گردد که تمام قرآن را بخواند و ممکن بود که در این بین مانعی پیش آید و به خواندن تمام قرآن موفق نگردد و به نتیجه کمتری دست یابد.

به راستی این روش یکی از مزایا و محسنات اسلوب قرآن است که به قرآن زیبایی و طراوت خاصی بخشیده است. زیرا قرآن در عین پراکنده گویی و بیان مطالب مختلف، باز از کمال ارتباط و انسجام برخوردار بوده و جملات آن به مانند درهای گرانبهایی است که با تناسب خاصی به رشته در آمده در کنار هم چیده شده و با نظم شگفت انگیزی به هم متصل است.» (۱)

در پاسخ به این دلیل مخالفان باید گفت: سبک و اسلوب بیان و نظم قرآن، مطلبی پذیرفته شده و مورد قبول ماست و ما آن را خاص قرآن مجید دانسته و در هیچ کتابی، چنین سبکی به این دقت و ظرافت وجود ندارد و ما هیچ در مقام نفی نظم حاکم بر سوره‌ها نیستیم، بلکه با توجه به مجموعه گروه آیات و نظم و ترتیب موجود در آن می‌خواهیم با استفاده از چند سوره مختلف در یک موضوع، با دقت در آیات قبل و بعد و سبب نزول و شأن آن، مطالب جدید و دیدگاههای قرآن مجید را در موضوعات خاص بیان نمائیم تا برای هر محقق در قرآن نیاز به این نباشد که از اول تا آخر قرآن را جستجو کند تا پس از مدتی طولانی بدین نتیجه

برسد، که اغلب با تلف شدن نیروها و یا نرسیدن به حد مطلوب می‌باشد.

(۱) - ترجمه البیان آیه ۱ ... خوبی، ترجمه محمد صادق نجمی، هاشم هریسی ج ۱ ص ۱۷۹

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲۰

از طرف دیگر با روش موضوعی، هیچ خللی به مفاهیم قرآن مجید وارد نمی‌شود زیرا همان طور که گفته آمد روش تفسیر موضوعی اگر کاملاً مبتنی بر قرآن مجید باشد، از دایره فهم قرآنی خارج نخواهد شد و از گرایشهای فرقه‌ای به دور خواهد ماند و با این همه، هیچ از مدد و یاری تفسیر ترتیبی بی‌نیاز نخواهد بود.

۲- جغرافیای آیات اجازه تفسیر موضوعی نمی‌دهد:

«بایسته به نظر می‌رسد، در سرّ ترتیب موجود،- در آیات قرآن- کاوشی به عمل آید و جمع کثیری از نیروی انسانی در جهت باز یافتن راز این ترتیب دست به کار گردند و بپویند چرا خداوند متعال سفره‌های سوره‌ها را رنگین و متشکل از عناصری متفاوت و غیر متجانس و در عین حال دلچسب و دارای تناسبی مرموز، گسترده است. سفره‌هایی که انواع و اقسام خوراکیهای روحی متنوع و اشتها آور بر روی آنها چیده شده است.

اگر رازهای تناسب این طعام رنگین الهی کشف گردد، قوه محرکه قرآن کریم می‌تواند بار سنگین حوائج جوامع بشری را در هر عصر و هر صقع و مکانی به دوش کشیده و راه را برای دستیابی به عزت و سرافرازی دنیا و عقبی هموار سازد ... «۱»
 نباید فراموش کنیم چهره موجود قرآن کریم که آیاتش با ترتیب خاص خود، به سان «خط و خال و چشم و ابروست»، در جایگاههای نیکویشان قرار گرفته‌اند و باید پرده از رخ زیبای چنین چهره‌ای به یکسو نهاد که چرا ابروان آیاتش روی دیدگان آیات دیگر جا خوش کرده و چرا فلان کلمه و یا جمله و یا آیه پیش دیگر کلمات و جمله‌ها و آیات سامان گرفته است.» «۲»

(۱) - بینات، شماره ۱۰/۱۱۲ مصاحبه با دکتر سید محمد باقر حجتی.

(۲) - همان.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲۱

قرآن یک ترتیب خاص دارد و توقیفی بودن ترتیب آیات، در قرآن مجید مورد قبول بسیاری از علمای علوم قرآنی است. بسیاری از علمای تفسیر، از ارتباط آیات و تناسب آنها هم سخن گفته‌اند. یعنی هر آیه‌ای در مکانی که واقع گردید، با آیات ما قبل و ما بعد خویش ارتباط خاصی دارد که در فضای خاص خود، مفاهیم بسیاری را ارائه خواهد کرد. به همین خاطر بعضی از اندیشوران قرآنی تفسیر موضوعی را به خاطر تغییر در جغرافیای آیات مجاز نمی‌شمارند و این گونه نظر می‌دهند:

«شما باید قرآن را به ترتیب بخوانید تا به مقصود برسید. اگر کتاب نویسنده‌ای را شما از آخر یا از وسط شروع به مطالعه کنید و بعد به نقد و ایراد پردازید، مؤلف کتاب، نقد شما را نمی‌پذیرد و می‌گوید: بر اساس تنظیم من نخوانده‌ای. قرآن نیز طرحی دارد و مقصودی؛ اگر به ترتیب خواندی و اولش را اول و آخر آن را آخر، طرح و پیام آن را می‌فهمی و گرنه ... فقهای ما اجازه نمی‌دهند ترتیب قرآن به هم بخورد. می‌گویند: «به همین صورت توقیفی است» ... اگر جایگاه آیه را در نظر نگیریم و مجرد از ما قبل و ما بعد به آن پردازیم و با آیات دیگری که آنها هم مجرد از ما قبل و ما بعد خود شده، کنار هم قرار دهیم، آیا همان معنایی را خواهد رساند که این آیه را در ارتباط با طرح کلی و ترتیبی قرآن در نظر می‌گیریم؟ این قابل تأمل و بررسی است.» «۱»

بعضی جهت پیشگیری از عیبی که می‌تواند در تفسیر موضوعی پدید آید، دقت

(۱) - مجله حوزه، شماره ۳۸ و ۳۷ ص ۷۳ و ۷۴، مصاحبه حجه الاسلام سید محمد موسوی خوئینی‌ها.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲۲

در آیات قبل و بعد هر آیه مورد بحث در موضوعی را متذکر شده‌اند که اگر توجه نشود، بد فهمیده می‌شود. این دقت و توجه، در واقع پاسخی است به اشکالی که مخالفان تفسیر موضوعی با استناد به جغرافیای آیات مطرح نموده‌اند. بنابراین:

«برای دسته بندی معارف قرآن باید نظام خاصی را در نظر بگیریم. سپس برای هر موضوعی، آیاتی را پیدا کنیم و در کنار یکدیگر قرار دهیم و بعد درباره آنها بیندیشیم و از همدیگر برای روشن کردن نقطه ابهامی که احیاناً وجود دارد، کمک بگیریم. ولی باید توجه داشت که وقتی آیه‌ای را از سیاق خود خارج می‌کنیم و آن را تنها و بدون رعایت قبل و بعدش در نظر می‌گیریم، ممکن است که گاهی در آیه قبل و بعد و حتی گاهی در سوره دیگری قرینه‌ای یافت شود و بدون توجه به این قرائن، مفاد واقعی آیات بدست نیاید. برای این که به این محذور دچار نشویم و آیات مثله و تکه تکه نشود و از مفاد اصلی خود خارج نگردد و مثل «لا اله» بی نباشد که «الا الله» آن نیامده باشد، باید دقت کنیم که وقتی می‌خواهیم آیه‌ای را در تحت موضوع و عنوانی توضیح دهیم، باید آیات قبل و بعدش را هم در نظر بگیریم و اگر احتمال می‌دهیم که در آیات قبل قرینه‌ای وجود دارد آنها را هم ذکر نماییم.» (۱)

۳- تفسیر موضوعی راهی در (انحراف در تفسیر قرآن) به شمار می‌آید.

یکی دیگر از اشکالاتی که بر روش تفسیر موضوعی گرفته‌اند، این است که در این روش بیان اندیشه‌ها و افکار مفسر موضوعی و تطبیق آراء خویش بر قرآن مجید است؛ نه بیان دیدگاه قرآن. (جدای از تفسیر موضوعات از خلال قرآن کریم و یا تفسیر موضوعی سوره‌ها، کتابهای زیادی در قرون اخیر در زمینه تفسیر موضوعی قرآن

(۱) - معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، ص ۱۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲۳

نگارش شد ... که اغلب آنها به بررسی‌های تطبیقی اکتفا کردند. (۱) می‌بینیم بالای انحراف تطبیق مقاصد و افکار خود بر قرآن نه عرضه آن بر قرآن، اندکی بعد از وفات پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - گریبانگیر جامعه بوده و شخصیتی چون امیر المومنین علی - علیه السلام - از آن می‌نالیده است پس آیا این خطر وجود ندارد که این انحراف در زمان ما با ضعف علمی موجود، در سطح وسیعتر و خطرناکتری گسترش یابد؟

دسته بندی معارف قرآن کریم که توأم با تفسیر موضوعی باشد، به طوری که آیات را بر حسب موضوعات دسته بندی کنیم و مفاهیم آنها را به دست آوریم و رابطه بین آنها را در نظر بگیریم، گرچه ضرورت دارد، اما اشکالاتی هم در بر دارد. (۲)

در پاسخ به اشکال مخالفان تفسیر موضوعی مبنی بر جغرافیای آیات دلیلی بر عدم جواز تفسیر موضوعی، باید علاوه بر آنچه بیان گردید گفته شود که ما در تفسیر موضوعی آیه را از مکانش جدا نمی‌کنیم به حدی که معنای آن تغییر پیدا کند و انحراف در معنای آن پدید آید ما در تعریف تفسیر موضوعی بیان نمودیم که جغرافیای آیات را باید دقت کرد و برداشت ما نبایستی از آنچه آیه در محدوده خود و مفاهیم مجموعی خویش دارد، فراتر رود. ما در صدد آن هستیم در تفسیر موضوعی، آن کس که به دنبال دیدگاه قرآن است، بی هیچ انحرافی آن را بیابد. حتی در گذشته گفته آمد که تفسیر موضوعی، می‌تواند راهگشای مفسران در پرهیز از تفسیر رأی بوده باشد و هیچ اشتباهی در فهم قرآن پدید نیاید. زیرا عاملی که در بسیاری از موارد، موجب تفسیرهای فرقه‌ای و مسلکی و تناقض گویی مفسران و متکلمین بوده است، یکسویه نگری به آیات قرآن و برداشت طائفه‌ای از آن بوده است.

حال اگر ترتیب

(۱) - مباحث فی التفسیر الموضوعی، دکتر مصطفی مسلم، مقدمه ج.

(۲) - معارف قرآن، آیه ۱ ... مصباح یزدی صص ۸-۱۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲۴

آیات در قرآن را توقیفی بدانیم، باز هم هیچ مشکلی در رابطه با تفسیر موضوعی پدید نخواهد آمد و بزرگان دینی ما از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و ائمه - علیهم السلام - با این روش تفسیر فرموده‌اند که در بخش مبانی تفسیر موضوعی گفته آمد. ثانیاً اگر این برای تفسیر موضوعی عیب به شمار می‌رود که آیات یک موضوع از سراسر سوره‌ها جمع آوری شوند، پس چرا به تفسیر قرآن به قرآن این عیب را وارد نمی‌دانند. هر چند بعضی در مقابل تفسیر قرآن به قرآن، نیز علم مخالفت به دوش گرفته‌اند. چرا که در روش تفسیر قرآن به قرآن، مفسر از سوره‌ای دیگر می‌آید و در تفسیر به کلمه مورد بحث می‌رسد. اما در زمینه روش تفسیر قرآن به قرآن نیز از معصومین - علیهم السلام - روایات فراوانی رسیده است و عیبی بر هیچکدام از این دو روش وارد نیست. در پاسخ به دلیل سوم مخالفان هم باید گفت: هیچ انحراف نیست، بلکه جلوگیری از انحراف است. و نیز ما دقت در قبل و بعد آیه مورد بحث را، مکرراً متذکر شده‌ایم و بدون آن وارد بحث موضوعی نشدن را، واجب شمرده‌ایم و باید در مقابل مفسرانی که این گونه عمل نمی‌نمایند، با تفسیر قرآنی صحیح ایستاد و مانع از بیراهه رفتن آنان شد و نیز باید گفت: مگر در تفسیر ترتیبی مفسران ما، قدم در بیراهه نهاده‌اند و به اشتباه و یا با گرایشات مذهبی و فرقه‌ای وارد بحث قرآنی نشده‌اند؟ و آیا یکی از انحراف مصون بوده است و دیگری مصون نیست. با مطالعه مقدمه تفسیر المیزان، می‌توان فهمید که چه بر سر تفسیر ترتیبی آورده‌اند. در پایان باید گفت: علیرغم آنچه که از گفتار و نوشتار علمای تفسیر در مخالفت با روش تفسیر موضوعی بیان داشته‌ایم، خود آن نویسندگان گرامی، تفسیر موضوعی را گره گشا دانسته و آن را پذیرفته‌اند دکتر سید محمد باقر حجتی، استاد گرامی دانشگاه می‌فرمایند:

«ممکن است عده‌ای بیایند و مطالعاتی در زمینه قرآن صورت بدهند و بر این اساس مشغول مطالعه شوند که این تقریباً می‌شود: تفسیر موضوعی که از جهت مطالعه

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲۵

علمی و بازدهی بسیار خوب است.» (۱)

جناب آقای موسوی خوئینی‌ها نیز مطلبی بدین مضمون گفته‌اند: «البته من تفسیر موضوعی را رد نمی‌کنم، آن هم یک فرضیه و یک نظریه است.» (۲)

جناب آقای دکتر مصطفی مسلم نیز در کتاب مباحث «فی التفسیر الموضوعی» دو روش در تفسیر موضوعی ارائه می‌کند و بدان روشها بحث می‌نماید و مخالفتی با این روش نداشته، بلکه معتقد به ضرورت وجود چنین تفسیری است. جناب آقای آیه الله محمد تقی مصباح یزدی نیز، بدین روش، کتابهای مختلفی به رشته تحریر در آورده‌اند که بیان آن اشکال، تنها تذکری به نویسندگان تفسیر موضوعی به شمار می‌رود.

مبانی تفسیر موضوعی

اشاره

در این بخش به بیان مبانی قرآنی، روایی و عقلی این روش از تفسیر خواهیم پرداخت. هر چند بیان اهداف کلام الله مجید به طور

روشن و صریح بسیار مطلوب و ممدوح است و در حقیقت، تفسیر قرآن، بانی و متولی فهم صحیح و دقیق آیات است و دلیلی بر این معنا که باید روش قرآنی در تفسیر باید با ادله صحیح و صریح همراه باشد، لازم نیست و هیچ کس در بیان تفسیر به روش ترتیبی، به ارائه ادله نپرداخته و نمی‌پردازد تا در اینجا لزوم و ضرورتی داشته باشد که ما به ارائه ادله و مبانی تفسیر موضوعی پردازیم؛ اما وجود مخالفت‌هایی هر چند اندک و ادله‌ای ضعیف و غیر قابل اعتماد سبب شده است تا ما در این بحث، به بررسی مبانی این روش تفسیری پردازیم؛ زیرا اگر تفسیر موضوعی بخواهد قدر بیند و بر صدر نشیند باید زمینه‌های

(۱) - کیهان فرهنگی، سال ششم شماره ۱ ص ۵، دکتر سید محمد باقر حجتی.

(۲) - حوزه، شماره ۳۸-۳۷، ص ۷۳- حجة الاسلام سید محمد موسوی خوئینی‌ها.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲۶

رشد و گسترش آن مهیا گشته، و مخالفتها پاسخ داده شود و ضرورتها بیان گردد. جای تأسف است زمانی که در بیشتر کشورهای عربی روش تفسیر موضوعی بدون معارضی گسترش و توسعه می‌یابد، ما در بند چند اشکال جزئی و تذکره‌های خیر خواهانه، باقی بمانیم. غفلت از نشر افکار قرآنی و آماده سازی جامعه جهت استقبال و عملی شدن آرمانهای قرآنی، زیانی جبران ناپذیر به شمار می‌رود.

حال به بیان مبانی قرآنی و روایی و عقلی تفسیر موضوعی می‌پردازیم که عبارتند از:

ا) مبانی قرآنی تفسیر موضوعی

یکی از مبانی تفسیر موضوعی را بایستی در قرآن مجید جست و جو نمود، قرآن مجید به عنوان جاودانه‌ترین سند الهی، کلام وحی را خود تفسیر کرده و در بعضی از آیات به تفسیر آیات دیگر پرداخته است. از مواردی که می‌توان به درستی از قرآن چنین روشی را استنباط نمود، آیات محکم و متشابه قرآن است که قرآن مجید دستور می‌دهد: آیات متشابه قرآن را در پرتو محکمت تفسیر کنید که خود نوعی تفسیر موضوعی است و بسیاری از اسرار قرآن را جز از این طریق نمی‌توان گشود و به عمق آنها جز از این مسیر نمی‌توان راه پیدا کرد.

مرحوم علامه طباطبائی در پایان تفسیر آیات ۹-۷ سوره آل عمران در تفسیر المیزان چند نتیجه را بیان می‌فرمایند که بعضی از آنها عبارتند از:

«۱- آیات قرآن به دو روش محکم و متشابه تقسیم می‌شوند این تقسیم به لحاظ مدلولی است که هر یک از آیات، خود، جداگانه دارند یعنی اگر به لحاظ مدلولی تشابهی داشت، (متشابه) و اگر نداشت (محکم) اند.

۲- اشمال قرآنی به آیات متشابه از ضروریات بوده، چنانچه وجود آیات محکمه هم در آن، چنین می‌باشد.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲۷

۳- (محکمت) قرآن شریف (ام‌الکتاب) اند، یعنی متشابهات از آیات، از نظر بیان مراد خود، به آنها بازگشت می‌کنند.

۴- احکام و تشابهی که آیات قرآنی به آن دو متصف می‌شوند دو وصف اضافی هستند؛ یعنی یک آیه، نسبت به آیه‌ای (محکم) و نسبت به آیه دیگری (متشابه) می‌باشد. این مطلب هم در خاطر باشد که در تمام قرآن آیه‌ای که به طور مطلق (متشابه) باشد، وجود و مصداق خارجی ندارد؛ اما برای وجود آیه‌ای که به طور مطلق (محکم) باشد، مانعی متصور نیست.

۵- بدیهی است که آیات قرآن باید بعضی نسبت به بعضی دیگر جنبه مفسریت داشته، آن را توضیح دهند. «۱»

این گونه که از کلام قرآن مجید می‌توان به طور یقینی استنباط کرد همان روش دهی کتاب الهی در تفسیر خویش است که یک

موضوع را از دیدگاه قرآن در سراسر قرآن جستجو کنید تا محکم، مفسر متشابه گردد و متشابه، مایه گمراهی نگردد و انسان را از راه حقیقت به دور نسازد و نیز انسان از خود قرآن، تفسیر آن را بجوید که روش تفسیری ائمه - علیهم السلام - چنین بوده است. قرآن مجید یک مجموعه منظم و به هم پیوسته است و هیچ خللی در آن وجود ندارد و اختلافی را به هیچ وجه نمی‌توان در آن یافت که نص صریح قرآن مجید نیز بر این معنا دلالت دارد. پس آیات مشتمل بر یک موضوع، با هم اختلافی ندارند بلکه مفسر یکدیگر و در کنار هم به وجود آورنده علوم و اسراری خواهند بود.

(ب) مبانی روایی تفسیر موضوعی

یکی دیگر از مبانی تفسیر موضوعی، سنت نبوی - صلی الله علیه و آله و سلم و

(۱) - ترجمه تفسیر المیزان، موسوی همدانی، ج ۳/ ص ۹۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲۸

سیره ائمه اطهار - علیهم آلف التحیه و الثناء - می‌باشد که در کنار ثقل اکبر قرار داشته، مفسر و همراه آن بوده، به ثقل اصغر شهرت یافته و ترجمان وحی بوده‌اند.

یعنی ما در کلمات گهربار پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - و ائمه معصومین - علیهم السلام - نمونه‌های فراوانی داریم که گردآوری آیات یک موضوع و جمع بندی و داوری در قبال آن را به ما آموخته‌اند. یعنی هنگامی که می‌خواهیم سخن خویش را از دیدگاه کلام وحی بیان نماییم چگونه بیان داریم تا هم به یقین سخن گفته باشیم و هم به مقصد رسیده باشیم. چند نمونه از کلام معصومین را در این بخش آورده، بدان استناد و بسنده می‌نماییم.

۱- در کتاب بحار الانوار مرحوم علامه مجلسی از عبد الله بن مسعود روایتی را از حضرت رسول اکرم - صلی اله علیه و آله - به عنوان (باب مواعظ النبی (ص)) لاین مسعود، آورده‌اند که قسمتی از آن چنین است: ای پسر مسعود، قال الله تعالی: (إِنَّمَا يُوفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ) «۱» (أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا) «۲» (إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا) «۳» انهم هم یابن مسعود قول الله تعالی: (وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا) «۴» (أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا) «۵» يقول الله تعالی: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ

(۱) - قرآن، زمر: ۱۰.

(۲) - همان، فرقان: ۷۵.

(۳) - قرآن، مؤمنون: ۱۱۱.

(۴) - قرآن، دهر: ۱۲.

(۵) - القصص: ۵۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۲۹

قَبْلُكُمْ مَسْتَهْمُ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ) «۱» (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) «۲» قلنا یا رسول الله فمن الصابرون؟

قال صلی الله علیه و آله: الذین یصبرون علی طاعه الله و عن معصيته الذین کسبوا طیباً و انفقوا قصدا و قدموا فضلاً فافلحوا و انجحوا)

ای پسر مسعود، خشوع و وقار و آرامش و اندیشه و نرمخویی و عدل و آموزش و عبرت‌گیری و دور اندیشی و پرهیزگاری و نیکی و دوری از گناهان و دوستی در خدا و دشمنی به خاطر خدا و اداء امانت و عدالت در حکم دادن و به پای داشتن شهادت و یاری اهل حق و خشم بر گنهکار و عفو کسی که بر وی ظلم کرده بر صابران واجب است. ای پسر مسعود، اینان هنگامی که سختی ببینند، صبر کنند و هنگامی که بخشش شوند، شکر کنند و هنگامی که حکم کنند، عدالت می‌کنند و در سخن گفتن، راستگویانند و در پیمان وفادارانند و بر بدی طلب آموزش می‌کنند و هنگامی که به دیگری نیکی می‌کنند، خوشحالند ...

ای پسر مسعود قسم به آن که مرا به حق مبعوث کرد آنان از رستگارانند ...

و نیز می‌فرماید: ای پسر مسعود، احمق کسی است که طالب دنیای زودگذر باشد.

سپس برای بی‌اعتبار بودن زرق و برق این جهان، به آیات زیر استدلال می‌نماید: (أَتَمَّا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ ...) «۴»

(۱) - البقره: ۲۱۳.

(۲) - البقره: ۱۵۵.

(۳) - بحار الانوار ج ۷۴ ص ۹۲.

(۴) - حدید: ۲۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳۰

(وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْنَا يَطَّهَّرُونَ وَ لِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَ سُرُورًا عَلَيْنَا يَتَّكُونَ) «۱» اگر بهره‌مندی کفار از مواهب مادی سبب نمی‌شد که همه مردم به صورت امتی یکپارچه گمراه شوند، ما برای کسانی که کافر می‌شدند، خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقفهایی از نقره و نردبانهایی که از آن بالا روند و برای خانه‌های آنها درها و تختهایی (زیبا و نقره‌گون) قرار می‌دادیم که بر آن تکیه کنند. (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصِیْلَهَا مِذْمُومًا مَدْحُورًا) «۲» کسی که زندگی زودگذر دنیای مادی را می‌طلبد، مقداری از آن را که اراده کنیم به او می‌دهیم. سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد که در آتش سوزانش پیوسته می‌سوزد در حالی که مدموم و رانده شده درگاه خداست. «۳»

(وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا) «۴» یابن مسعود من اشتاق الی الجنه سارع فی الخیرات و من خاف النار ترك الشهوات و من ترقب اعرض عن اللذات و من زهد الدنيا هانت علیه المصیبات.

یابن مسعود قوله تعالی (زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ ...) «۵»

و هر کس آخرت را بطلبد و برای به دست آوردن آن سعی و کوشش خویش را

(۱) - زخرف: ۳۳ و ۳۴.

(۲) - اسراء: ۱۸.

(۳) - بحار الانوار ج ۷۴ ص ۹۴.

(۴) - اسراء: ۱۹.

(۵) - آل عمران: ۱۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳۱

صرف نماید در حالی که او با ایمان بوده باشد، پس آنان تلاششان قابل ستایش و شکر شده می‌باشد. ای پسر مسعود هر آن که به بهشت علاقمند باشد در کارهای نیک و خیر، پیشی می‌گیرد (و رغبت دارد) و آن کس که از جهنم بیمناک است، هواهای نفس و شهوات را ترک می‌نماید و آن که از مرگ بترسد از خوشیهای زودگذر دنیا رویگردان می‌شود و آن که در دنیا زهد و بی‌رغبتی نشان می‌دهد، مصیبتها بر وی آسان و کوچک شود.

ای پسر مسعود، خدای تعالی فرموده: ما برای مردم دوستی به شهوتها از زن و فرزند و زیور آلات و زینتی‌ها از طلا و نقره را زینت داده‌ایم

در جایی دیگر پیرامون (قول به علم)، حضرت چنین می‌فرماید:

ای پسر مسعود، بدون آگاهی درباره چیزی سخن مگوی و تا نشنوی و نینی حرف نزن، که خدای فرموده: (وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصِيرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) «۱» از آنچه نمی‌دانی پیروی مکن چرا که گوش و چشم و دلها همه مسئولند.

و نیز می‌فرماید: (سَتَكْتُبُ شَهَادَتَهُمْ وَيَسْأَلُونَ) «۲» به زودی گواهی آنها نوشته می‌شود و از آن بازخواست خواهند شد.

و نیز می‌فرماید (مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ) «۳» هیچ سخنی را انسان تلفظ نمی‌کند مگر آن که نزد او نویسنده‌ای مراقب و آماده است. و نیز می‌فرماید: (وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ) «۴» ما به انسان از رگ و قلبش (یا رگ گردنش) به او

(۱) - الاسراء: ۳۶.

(۲) - الزخرف: ۱۹.

(۳) - ق: ۱۷.

(۴) - سوره ق، آیه ۱۶.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳۲

نزدیکتریم.

و نیز در جایی دیگر حضرت درباره علما و فقهای غیر عامل و غیر مهذب چنین می‌فرماید: (یا بن مسعود یأتی علی الناس زمان، الصابر علی دینه مثل القابض علی الجمره بکفه یقول لذلك الزمان ان کان فی ذلك الزمان ذنبا و الا اكلته الذئب). «۱»

یا ابن مسعود علماءهم و فقهاءهم خونه، فجره، الا- انهم اشرار خلق الله و كذلك اتباعهم و من یأتیهم و یأخذ منهم و یجبههم و یجالسهم و یشاورهم اشرار خلق الله یدخلهم نار جهنم (صُمَّ بُكُمْ عُمَى فَهُمْ لَا یَرْجِعُونَ) «۲» (و نَحْشُرُهُمْ یَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلٰی وُجُوهِهِمْ عُمِيًّا وَ بُكْمًا وَ صُمًَّا مَا وَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا) «۳».

(كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ). «۴» و (إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَ هِيَ تَفُورُ* تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ) «۵» پ. (كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ

(۱) - بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۰۶.

ترجمه: ای پسر مسعود! زمانی بر مردم فرا می‌رسد که دیندار در آن زمان مانند کسی است که در کف خود زغال افروخته را گرفته باشد برای آن زمان گفته می‌شود اگر می‌توانی در آن زمان گرگ باش و گرنه گرگ تو را می‌خورد.

(۲) - البقره: ۱۸ ترجمه: آنها کر و گنگ و کورند و از ضلالت خود بر نمی‌گردند.

(۳) - الاسراء: ۹۷ ترجمه: و چون روز قیامت شود بر صور کور و گنگ و کر محشورشان خواهیم نمود و به دوزخ مسکن کنند که

هر گه آتش دوزخ خاموش شود باز شدیدتر سوزان می‌کنیم.

(۴) - النساء: ۵۶ ترجمه: هر چه پوست بدنشان بسوزد به پوست دیگرش مبدل سازیم تا سختی عذاب را بچشند.

(۵) - الملک: ۸ و ۷ ترجمه: چون به جهنم در افتند فریاد منکری چون شهیق خران از آتش چون دیگ جوشان می‌شنوند و دوزخ از خشم کافران نزدیک است قطعه قطعه شود.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳۳

يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ. (۱) «لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ». (۲)

یدعون انهم علی دینی و سنتی و منهاجی و شرایعی انهم منی براء و انا منهم بریء ... ترجمه: همانا آنان ادعا می‌کنند که بر دین من و سنت من و روش و شریعت من هستند آنان از من دورند و من از آنان پاکیزه‌ام.

سپس پیامبر گرامی اسلام گریه کردند و ابن مسعود از سبب گریه حضرت می‌پرسند و جواب می‌فرمایند: رحمت باد بر اشیاء و گنهکاران که خداوند چنین می‌فرماید: (وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ) «۳» بدین معنا که مراد آیه علماء و دانشمندان و فقهای اند.

ای پسر مسعود هر کس علم بیاموزد و مقصودش از آن، طلب دنیا بوده باشد و بر علم خویش دوستی دنیا و زینت آنرا مقدم بدارد، خداوند بر او غضب می‌کند و در پائین‌ترین درجات جهنم با یهودیان و مسیحیان (کسانی که کتاب الله را بدور انداخته‌اند)، خواهد بود که خداوند فرمود: (فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ) «۴»
ای پسر مسعود هر کس قرآن را برای دنیا و زینت آن یاد بگیرد، خداوند بهشت

(۱) - الحج: ۲۲ ترجمه: هر گاه خواهند از دوزخ بر آیند و از غم آن نجات یابند باز فرشتگان به دوزخ بر می‌گردانند و می‌گویند باید عذاب جوشان را بچشید.

(۲) - الانبیاء: ۱۰۰ ترجمه: آن کافران را در دوزخ زفیر و ناله بسیار دردناکی است و در آنجا هیچ سخنی نخواهند شنید.

(۳) - السباء: ۵۱ ترجمه: و اگر تو ای رسول سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسانند و هیچ از عذاب آنها فوت و زائل نشود و از مکان نزدیکی دستگیر شوند.

(۴) - البقره: ۸۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳۴

را بر وی حرام گرداند.

ای پسر مسعود هر آن کس علمی را بیاموزد و بدان عمل نکند، خداوند او را روز قیامت کور، محشور فرماید و هر آن که دانشی را از روی ریا و سمعه بیاموزد، که دنیا را به واسطه آن طلب نماید، خداوند برکت آن را خواهد گرفت و زندگی را بر او تنگ خواهد کرد و او را به خودش واگذار می‌نماید و هر آن کس را که خداوند به خودش واگذار نماید، هلاک خواهد شد. که خدای تعالی فرموده است: (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) «۱» «۲»

از این دسته مباحث که به صورت تفسیر موضوعی از پیامبر اکرم نقل شده باشد، نمونه‌های زیادی وجود دارد که تأییدی بر این روش تفسیری است.

۲- در تفسیر نعمانی روایتی از حضرت علی علیه السلام نقل گردیده است که مرحوم علامه مجلسی آن را در بحار الانوار آورده‌اند که درباره (کفر در قرآن مجید) می‌باشد:

کفر مذکور در قرآن مجید، به پنج دسته تقسیم می‌شود. یکی کفر جحود است که خود، به دو دسته کفر محض به خداوند ... و

دیگری کفری توأم با یقین تقسیم می‌گردد.

سوم کفری است که به موجب ترک فرمان الهی حاصل می‌شود. چهارم کفر به معنای برائت و بیزارى است و پنجم کفر نعمت‌های الهی است.

اما اولین دسته کفر جحود است که وجه نخست آن، کفر به وحدانیت خدای سبحان است و آن، این که بگوید: خدا و بهشت و جهنم و قیامت و ... وجود ندارد که اینان زنادقه و مادیون هستند که می‌گویند: (مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ) «۳» و این اندیشه‌ای

(۱) - الکهف: ۱۱۰.

(۲) - بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۰۰.

(۳) - جاثیه: ۲۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳۵

است که برای خویش قرار داده و پسندیده‌اند، و بدون این که حجّت و دلیلی داشته باشند که خداوند فرمود: (إِنَّ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ) «۱» و گفته است:

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ) «۲» یعنی به وحدانیت خدا ایمان نمی‌آورند.

وجه دوم از جحود و انکار، انکار همراه با شناخت نسبت به حقیقت است که خدای می‌فرماید:

(وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا) «۳» و خدای سبحان فرموده است: (وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ) «۴»

و اما وجه سوم از کفر، همان ترک فرمان و طاعت خدای تعالی است و این از معاصی و گناهان است. خدای سبحان می‌فرماید: (وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تَخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ- الی قوله- أَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْبَغْيِ وَالْكِبَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِالْبَغْيِ) «۵» پس آنان کافرانند به خاطر ترک فرمان الهی، پس رابطه آنان با ایمان تنها به اقرار زبانی‌شان است که به ظاهر و صوری بوده و از باطن و درون جان‌شان نبوده است و به همین دلیل، این اقرار نفعی برایشان ندارد و خدای تعالی فرماید: (فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ...)

(۱) - البقره: ۷۸.

(۲) - البقره: ۶.

(۳) - النمل: ۱۴.

(۴) - البقره: ۸۹.

(۵) - البقره: ۸۵-۸۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳۶

اما وجه چهارم از کفر همان حکایتی است که خداوند تعالی از قول ابراهیم - علیه السلام - بیان کرده است (كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبُغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ) «۱» پس گفتار وی (كَفَرْنَا بِكُمْ) یعنی از شما بیزاریم و برائت می‌جوئیم و خدای سبحان در بیان داستان ابلیس و برائت وی از دوستانش از میان انسانها تا روز قیامت چنین می‌فرماید: (إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ) «۲» یعنی از شما برائت جستیم و خدای تعالی می‌فرماید: (إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) الی قوله: (ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَ يَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا) «۳»

وجه پنجم از کفر همان کفر نعمتهای الهی است که خدای تعالی از قول سلیمان فرموده‌اند:

(قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ). «۴» و نیز خدای تعالی می‌فرماید: (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ) «۵» و نیز می‌فرماید: (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ) «۶» آنچه که در بالا آمد تفسیر موضوعی (کفر در قرآن مجید) «۷» به وسیله حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب- علیه السلام- بوده

(۱)- الممتحنه: ۴.

(۲)- ابراهیم: ۲۲.

(۳)- العنکبوت ۲۵.

(۴)- النمل: ۴۰.

(۵)- ابراهیم: ۷.

(۶)- البقره: ۱۵۲.

(۷)- بحار الانوار ج ۶۹ صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳۷

است که بسیار عالی و دقیق ارائه کرده‌اند.

بحثی دیگر را حضرت علی- علیه السلام- در ادامه کفر مطرح فرموده‌اند که با عنوان (شرک در قرآن مجید) «۱» به دسته بندی شرک از دیدگاه قرآن مجید پرداخته است که چنین بیان فرموده‌اند:

اما آنچه که از بیان شرک در قرآن مجید آمده است چهار وجه و دسته است:

وجه اول: قول تعالی (لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ) «۲» که مراد آیه شرک در گفتار و توصیف است.

وجه دوم از شرک همان شرک عملی است که خدای تعالی فرماید: (وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ) «۳» همانا اینان برای احبار و رهبانهایشان روزه نمی‌گرفتند و نماز به جای نمی‌آوردند، لکن آنان امر و نهی‌شان می‌کردند و اینان نیز اطاعت می‌کردند. پس بر آنان حلالها را حرام کردند و حرامها را حلال گردانیدند پس اطاعت کردند از آن جهت که بدان علم نداشتند پس این شرک عملی و عبادی است.

وجه سوم از شرک همان شرک زنا است. خداوند فرماید: (وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ) «۴» پس هر کس از سخنگویی اطاعت نماید، او را عبادت کرده است. پس اگر ناطق، از خدا بگوید او عبادت خدا را کرده و اگر از غیر خدا سخن بگوید او عبادت غیر خدا را نموده است.

(۱)- بحار الانوار ج ۶۹ صص ۱۰۳ و ۱۰۲.

(۲)- مائده: ۷۲.

(۳)- یوسف: ۱۰۶.

(۴)- اسری ۶۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳۸

وجه چهارم از شرک همان شرک ریا است. خداوند می‌فرماید: (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) «۱» پس اینان گروهی هستند که نماز به پای می‌دارند و روزه می‌گیرند و با جانهایشان کارهای خیر و نیک انجام می‌دهند که با آن دیاری برای مردم را طلب دارند پس شرک ورزیدند به آنچه که برای ریا انجام داده‌اند. و سخن لقمان که به فرزندش فرمود: (لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ) «۲» مراد همان ظلم به مردم است؛ یعنی منظور از ظلم در این آیه شریفه، مظلوم مردم در آنچه میانشان از معاملات دنیایی پدید می‌آید، می‌باشد و ظلم به مردم که حق الناس به شمار می‌آید، بسیار بزرگ است. «۳» چه کسی می‌تواند مدعی شود که روش حضرت علی - علیه السلام - در بیان این موضوع از دیدگاه قرآن، خود، بیانگر روش تفسیر موضوعی نیست و حضرت علی - علیه السلام - به این روش به تفسیر نشسته‌اند. پس آیا این روش بحث در قرآن، ترتیبی است؟ دسته بندی آیات کفر از دیدگاه قرآن و بهره‌گیری از آنها در تقسیم بندی منطقی خویش، بسیار جای تأمل و اندیشه دارد که چگونه حضرت علی - علیه السلام - موضوعی را از دل آیات قرآن مجید بیرون کشیده، با آیات قرآن به سخن نشسته و تکلم می‌کنند.

۳- در اصول کافی مرحوم کلینی، روایاتی را از ائمه اطهار - علیهم السلام - آورده‌اند که، آن را از مبانی روش تفسیر موضوعی به شمار می‌آوریم. از آن جمله روایت (تعقل کردن) یا روایت (أولوا الألباب)، در این جا قابل استناد است و ما بحث را

(۱) - کهف: ۱۱۰.

(۲) - لقمان ۱۳ به خدا شرک نداشته باش که همان شرک ظلم بسیار بزرگی است.

(۳) - بحار الانوار ج ۶۹ / ۱۰۲.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۳۹

بیان می‌داریم. در این آیات، امام جعفر صادق - علیه السلام - به هشام خطاب کرده، می‌فرمایند: ای هشام خدای تعالی، عقل را راهنمای بر شناخت خویش قرار داد تا در آیات الهی در نظام هستی تدبیر کنی (و با تدبیر بفهمید) که مسلماً مدبری دارند. پس فرموده: (وَسَيَخْرُجُ لَكُمْ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَيَّحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) «۱» و فرمود: (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَ لَتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) «۲» و قال (اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) «۳» و قال (يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) «۴»

و قال (وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٍ وَ نَخِيلٍ صِنَوَانٍ وَ غَيْرِ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفَّضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) «۵» و

(۱) - سوره ۱۶ / ۱۲: شب و روز و خورشید و ماه را به خدمت شما گماشت و ستارگان تحت فرمان اویند در اینها برای آنها که عقل خود را به کار اندازند، نشانه‌ها است.

(۲) - سوره ۶۷ / ۴۰: اوست که شما را از خاکی آفریده، آنگاه از نطفه‌ای، آنگاه از پاره گوشتی، سپس شما را به صورت طفلی بیرون آورد. تا هنگامی که به کمال نیرو برسید و بعدا پیر شوید و بعضی از شما پیش از پیری بمیرید و به مدتی معین برسند، شاید تعقل کنید ..

(۳) - سوره ۵۷ / ۱۶ تا هنگامیکه به کمال نیرو برسید و بعدا پیر شوید و بعضی از شما پیش از پیری بمیرد و به مدتی معین برسند شاید

تعقل کنید.

(۴) - سوره ۵۷/۱۷ زمین را بعد از موت شدنش زنده می‌کند. این آیات را برای شما بیان می‌کنیم، شاید تعقل کنید.

(۵) - آیه ۴ سوره ۱۳ و باغها از تاک و کشتزار و نخلستان جفت و جدا از هم، که همه از یک آب مشروب

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴۰

قال: (وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبُرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) «۱» و قال: (قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمَ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) «۲» و قال: (هِيَ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) «۳»

ای هشام پس خداوند صاحبان عقل را اندرز داده و به آخرت تشویقشان نموده و فرموده: (وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا

می‌شوند لیکن میوه بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده‌ایم در اینها آیاتی است برای کسانی که تعقل کنند.

(۱) - ۲۴/۳۰ از جمله آیه‌های وی این است که برق را برای بیم و امید به شما بنمایاند و از آسمان، آبی نازل کند تا زمین را پس از موت شدنش زنده کند در اینها برای مردمی که تعقل می‌کنند، نشانه‌هایی است.

(۲) - ۱۵۱/۶ بگو بیاید آنچه را پروردگارتان به شما حرام کرده بخوانم این که چیزی را با او شریک نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید که شما و آنها را ما روزی می‌دهیم و به کارهای زشت، چه عیان و چه نهانش نزدیک نشوید و تنی را که خدا محترم داشته، نکشید مگر به حق. اینهاست که خدا شما را به آن سفارش کرده، شاید تعقل کنید.

(۳) - ۲۸/۳۰ مگر بعضی از مردگان شما نسبت به اموالی که به شما داده‌ایم شریکتان می‌باشند تا در دارائی برابر باشید و از آنها چنانچه از یکدیگر می‌ترسید، بترسید. آیات خود را این گونه برای مردمی که تعقل می‌کنند شرح می‌دهیم.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴۱

تَعْقِلُونَ) «۱»

ای هشام، سپس خدا کسانی را که کيفرش را تعقل نمی‌کنند، بیم داده و فرموده:

(ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ وَ إِنَّا لَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْطَبِينَ وَ بِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) «۲» و فرموده: (إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ وَ لَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيْنَهُمْ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ). «۳»

ای هشام عقل همراه علم است و خدا فرموده: (وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُصْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ) «۴» ای هشام، سپس کسانی را که تعقل نمی‌کنند، نکوهش نموده و فرمود: (وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا. أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ) «۵» و فرمود: (مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعُقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صُمُّ بُكُمْ عُمَى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ) «۶» و

(۱) - ۳۲/۶ زندگی دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است چرا تعقل نمی‌کنید؟

(۲) - ۱۳۶ تا ۳۷/۱۳۸ سپس دیگران را هلاک ساختیم و شما صبحگاهان و شامگاهان به آنها می‌گذرید.

پس چرا تعقل نمی‌کنید؟

- (۳) - ۴۴ و ۳۵ / سوره ۲۹ ما بر مردم این دهکده به سبب گناهی که می کرده‌اند، عذابی از آسمان فرود آریم. از این حادثه برای آنها که تعقل می‌کنند، نشانه‌ای روشن به جا گذاشته‌ایم.
- (۴) - ۴۳ / ۲۹ این مثلها را برای مردم می‌زنیم و جز دانشمندان تعقل نمی‌کنند.
- (۵) - آیه ۱۷۰ / ۲ چون به مشرکان گویند آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید و گویند نه بلکه از آئینی که پدران خویش را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم گر چه به پدرانشان چیزی تعقل نکرده و هدایت نیافته بودند.
- (۶) - آیه ۱۷۱ / ۲ داستان کافران چنان است که شخصی به حیوانی که جز صدائی و فریادی نمی‌شود، بانگ زند. ایشان کران و لالاند، کورانند پس تعقل نمی‌کنند.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴۲

فرمود: (و مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَلَمَّا أَتَتْ تِسْمِيعَ الصُّمِّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ). «۱»
و فرموده:

(أَمْ تَحْسَبُ أَنْ أَكْثَرُهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا) «۲» و فرموده:
(لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ، بِأَسْبِهِمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحَسَّبُ بِهِمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ) «۳» و فرموده: (وَتَسُونَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ). «۴» ای هشام خدا اکثریت را نکوهش کرده و فرموده:
(وَإِنْ تَطَّعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) «۵» و فرموده: (وَلَيْتَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ: (قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ). «۶» و فرموده: (وَلَيْتَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ

- (۱) - آیه ۴۳ / ۱۰ بعضی از آنها به سوی تو گوش فرا دهند اما مگر تو می‌توانی به کران در صورتی که تعقل نمی‌کنند، بشنوانی.
- (۲) - ۴۴ / سوره ۲۵ مگر گمان نبری بیشتر آنها می‌شنوند یا تعقل می‌کنند؟ ایشان جز به مانند چارپایان نیستند بلکه روش ایشان گمراهانه‌تر است.
- (۳) - آیه ۱۴ / ۵۹ با شما دسته جمعی کار زار نکنند، مگر از درون دهکده‌های مستحکم یا از پشت دیوارها. دلیری ایشان میان خودشان با شدت است گمان بری باهمند اما دلهاشان پراکنده است. چنین است، زیرا آنها گروهی هستند که تعقل نمی‌کنند.
- (۴) - آیه ۴۴ / ۲ خود را از یاد می‌برید، در صورتی که کتاب آسمانی می‌خوانید، مگر تعقل نمی‌کنید؟
- (۵) - ۱۱۶ / ۱۶ اگر بخواهی از اکثریت مردم زمین پیروی کنی، ترا از راه خدا بدر برند.
- (۶) - آیه ۲۵ / ۳۱ و اگر از آنها بپرسی، که آسمانها و زمین را آفریده؟ مسلما می‌گویند: خدا، بگو ستایش مخصوص خداست. اما اکثریت آنان نمی‌دانند.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴۳

الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ). «۱»

ای هشام سپس خداوند از صاحبان عقل به نیکوترین وجه یاد نموده و ایشان را به بهترین زیور آراسته و فرموده: (يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ) «۲» و فرموده: (وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ) «۳» و فرموده: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ) «۴» و فرموده: (أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ) «۵» و فرموده: (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ) «۶» و

(۱) - آیه ۲۹ / ۶۳ و اگر از آنان بررسی، که از آسمان باران فرستد و زمین موات را بدان زنده کند؟ قطعاً می‌گویند خدا، بگو حمد خدا راست. اما اکثریت آنها تعقل نمی‌کنند.

(۲) - آیه ۲ / ۲۶۹ خدا به هر که خواهد حکمت دهد و هر که حکمت گیرد خیر بسیار گرفته است و جز صاحبان عقل در نیابد.

(۳) - آیه ۳ / ۷ آنها که در دانش ریشه دارند گویند به قرآن ایمان داریم تمامش از نزد پروردگار ماست ولی جز صاحبان عقل در نیابند.

(۴) - آیه ۳ / ۱۹۰ همانا در آفرینش آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز برای صاحبان عقل نشانه‌هاست.

(۵) - آیه ۳۹ / ۹ مگر آن که در اوقات شب، در حال سجده و قیام، مشغول عبادت است و از آخرت بیم دارد و به رحمت پروردگار امیدوار است. بگو مگر کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، یکسانند؟ صاحبان عقل در می‌یابند.

(۶) - آیه ۳۸ / ۲۹ کتاب پر برکتی را به سوی تو فرستادیم تا در آیاتش تدبر کنند و تا صاحبان عقل متذکر شوند.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴۴

فرموده: (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ هُدًىٰ وَذِكْرًا لِلْأُولَىٰ الْأَلْبَابِ) «۱» و فرموده: (وَذَكَرُوا فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ) «۲» و فرموده:

(أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ) «۳»

ای هشام، خدای تعالی در کتابش فرماید: (إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ) «۴» یعنی عقل دارد و فرمود: (لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ) «۵» یعنی مراد از حکمت عقل و فهم است. «۶»

حضرت امام صادق - علیه السلام - در تفسیر موضوعی عقل و عاقل از دیدگاه قرآن، آیاتی که لفظ و مشتقاتی از عقل در آن وجود دارد یا معنای مترادف آن مانند اولوا الالباب در آیه‌ای برده شده، در این بحث تفسیری آورده‌اند، آنگاه به بیان دیدگاه قرآن در این موضوع پرداخته‌اند و نکاتی بسیار دقیق را بیان کرده‌اند که هم آموزش روش تفسیر موضوعی به شمار می‌رود و هم مصداقی برای چگونگی انجام آن. اندکی پژوهش در این امر خطیر به ما معلوم خواهد کرد که این روش، در مباحث قرآنی نزد ائمه اطهار - علیهم السلام - بسیار معمول بوده تا حدی که تمامی سخنان آنان را

(۱) - آیه ۵۴ و ۴۰ / ۵۳ موسی را هدایت دادیم و آن کتاب را که هدایت و پند صاحبان عقل بوده میراث بنی اسرائیل کردیم.

(۲) - آیه ۵۱ / ۵۵ و پند دهید که پند دادن مؤمنان را سود دهد.

(۳) - آیه ۱۹ / ۱۳ سوره مگر آن که می‌داند آنچه از پروردگارت به تو نازل شده حق است، مانند شخصی کور است؟ تنها صاحبان عقل در می‌یابند.

(۴) - آیه ۵۰ / ۳۷ همانا در این کتاب یادآوری است برای کسی که دلی دارد (یعنی عقل دارد).

(۵) - آیه ۳۱ / ۱۲ همانا به لقمان حکمت دادیم. فرمود: مراد از حکمت، عقل و فهم است.

(۶) - اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی، ج ۱ ص ۱۸-۱۵

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴۵

می‌توان با شاهی از قرآن مجید همراه دانست.

حضرت امام صادق - علیه السلام - نکات زیر را از آیات یاد شده بیان می‌نماید:

یا هشام ان لكل شیء دلیلاً و دلیل الفضل التفکر ...

ای هشام برای هر چیزی رهبری است و رهبر عقل، اندیشیدن، و رهبر اندیشیدن، خاموشی است و برای هر چیزی مرکبی است و

مرکب عقل، تواضع است.

برای نادانی تو همین بس، که مرتکب کاری شوی که از آنها نهی شده‌ای.

ای هشام، خدا پیغمبران خود را به سوی بندگان نفرستاد، مگر برای آن که از خدا، خردمند شوند. (یعنی معلومات آنها مکتسب از کتاب و سنت باشد نه از پیش خود) پس هر که نیکوتر پذیرد، معرفتش بهتر است و آن که به فرمان خدا داناتر است، عقلش نیکوتر است و کسی که عقلش کاملتر است، مقامش در دنیا و آخرت بالاتر است.

ای هشام، خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت پنهان، حجت آشکار رسولان و پیغمبران و امامانند و حجت پنهان، عقل مردم است.

ای هشام، عاقل کسی است که حلال او را از سپاسگزاری باز ندارد و حرام، بر صبرش چیره نشود.

ای هشام، کسی که سه چیز را بر سه چیز مسلط سازد، به ویرانی عقل خود کمک کرده است:

آن که پرتو فکرش را به آرزوی درازش تاریک کند و آن که شگفتیهای حکمتش را به گفتار بیهوده‌اش، نابود کند و آنکه پرتو اندرز گرفتن خود را، به خواهشهای نفسش خاموش نماید. گویا هوس خود را، بر ویرانی عقلش کمک داده و کسی که عقلش را ویران کند، دین و دنیای خود را تباه کرده است.

ای هشام، چگونه کردارت نزد خدا پاک باشد که دل را از فرمان پروردگارت باز داشته و علیه عقلت از هوست فرمان برده باشی؟

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴۶

ای هشام، صبر بر تنهایی، نشانه عقل است. کسی که از خدا، خردمندی گرفت، از اهل دنیا و دنیا طلبان کناره گیرد و به آنچه نزد خداست بپردازد و خدا انیس و وحشت و یاور تنهایی او و اندوخته هنگام تنگدستی او و عزیز کننده اوست، بی‌فامیل و تبار.

ای هشام، حق برای فرمانبرداری خدا به پا داشته شد. نجاتی جز به فرمانبرداری نیست و فرمانبرداری به سبب علم است - و علم - با آموزش به دست آید و آموزش، به عقل وابسته است و علم، جز از دانشمندان الهی به دست نیاید و شناختن علم، به وسیله عقل است. ای هشام، کردار اندک از عالم، چند برابر پذیرفته شود، و کردار زیاد از هواپرستان پذیرفته نگردد.

ای هشام، همانا عاقل به کم و کاست دنیا با دریافت حکمت، خشنود است و با کم و کاست حکمت و رسیدن به دنیا خشنود نیست؛ از این رو - عاقلان - تجارشان سودمند گشت.

ای هشام، همانا خردمندان، زیاده بر احتیاج از دنیا را کنار نهادند، تا چه رسد به گناهان با این که ترک دنیا، فضیلت است و ترک گناه، لازم و واجب.

ای هشام، عاقل به دنیا و اهل دنیا نگریست و دانست که جز با زحمت زیاد دست ندهد و به آخرت نگریست و دانست که آن هم جز با زحمت زیاد نیاید پس با زحمت در جستجوی پاینده تر آن، بر آمد.

ای هشام، خردمندان از دنیا روگردانیده به آخرت روی آوردند. زیرا دانستند دنیا را خواهانست و خواسته و جمعی، آخرت را، خواهان و خواسته. کسی که خواهان آخرت باشد، دنیا او را بجوید تا روزیش را به طور کامل از دنیا برگیرد و کسی که دنیا طلبد آخرت او را جوید. یعنی مرگش در رسد و دنیا و آخرتش را تباه سازد.

ای هشام، کسی که ثروت بدون مال و دل آسودگی از حسد و سلامتی دین خواهد باید با تضرع و زاری از خدا بخواهد که عقلش را کامل کند، زیرا عاقل به قدر احتیاج قناعت کند. و آن که به قدر احتیاج قناعت کند بی‌نیاز گردد و کسی که به قدر

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴۷

بی‌نیازی قناعت نکند، هرگز بی‌نیازی نیابد.

ای هشام، خدا از مردمی شایسته حکایت کند که آنها گفتند: (رَبَّنَا لَا تُرْغُ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا ...)

(پروردگارا بعد از آن که ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را منحرف مساز و ما را از نزد خویش رحمتی بخشای که تو بخشاینده‌ای) چون دانستند که دل‌ها منحرف بشوند و به کوری و سرنگونی گرایند. همانا از خدا نترسد کسی که از جانب خدا خردمند نگردد و کسی که از جانب خدا خرد یابد، دلش بر معرفت ثابتی که بدان بینا باشد و حقیقتش را دریابد، بسته نگردد و کسی که بدین سعادت رسد، گفتار و کردارش یکی شود و درونش با برونش موافق باشد؛ زیرا خدایی که اسمش مبارک است بر عقل درونی پنهان، جز به ظاهری که از باطن حکایت کند، دلیلی نگماشته است.

ای هشام، امیر المؤمنین می‌فرماید: خدا با چیزی بهتر از عقل پرستش نشود و تا چند صفت در انسان نباشد، عقل او کامل نشده است: مردم از کفر و شرارتش در امن و به نیکی و هدایتش امیدوار باشند زیادی مالش بخشیده، زیادی گفتارش باز داشت شده باشد. بهره او از دنیا مقدار قوتش باشد. تا زنده است، از دانش سیر نشود. ذلت با خدا را از عزت با غیر خدا دوست‌تر دارد. تواضع را از تکبر (خود خواهی) بیشتر دوست دارد. نیکی اندک دیگران را زیاد و نیکی بسیار خود را اندک شمارد. همه مردم را از خود بهتر داند و خود را از همه بدتر و این اعمال، تمام مطلب است.

ای هشام، عاقل دروغ‌نگوید، اگر چه دلخواه او باشد.

ای هشام، کسی که مردانگی ندارد، دین ندارد. کسی که عقل ندارد، مردانگی ندارد. با ارزشترین مردم کسی است که دنیا را برای خود منزلتی نداند. همانا برای بدنهای شما بهائی جز بهشت نیست پس آنرا به غیر بهشت نفروشید.

ای هشام، امیر المؤمنین - علیه السلام - می‌فرمود: از جمله علامات عاقل، این است که سه خصلت در او باشد:

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴۸

چون از او پرسند، جواب دهد و چون مردم از سخن در مانند، او سخن گوید و رأی، اظهار کند که به مصلحت همگان باشد. کسی که هیچ یک از این صفات ندارد احمق است.

امیر المومنین - علیه السلام - فرمود: در صدر مجلس نباید نشیند، مگر مردمی که این سه خصلت یا یکی از آنها را داشته باشد و کسی که هیچ ندارد و در صدر نشیند، احمق است. و حسن بن علی - علیه السلام - فرمود: حاجات خود را از اهلش بخواهید.

عرض شد: اهلش کیانند ای پسر پیغمبر؟ فرمود: آنها که خدا در کتابش بیان کرده و یاد نموده و فرموده: تنها صاحب‌دلان پند گیرند و آنها خردمنداند و علی بن حسین - علیه السلام - فرمود: همنشینی با خوبان صلاح‌انگیز است و بهره‌برداری از مال، کمال مردانگی و رهنمائی مشورت خواه، ادای حق نعمت است و خودداری از آزار، نشانه کمال عقل است و آسایش تن در دنیا و آخرت.

ای هشام، عاقل به کسی که بترسد او را دروغگو بشمارد، خبر ندهد و از کسی که احتمال ممانعت از اعطا می‌دهد، درخواست نمی‌کند و از آنچه توانا نیست، وعده ندهد و به آنچه که در امیدواریش سرزنش شود، امید نیندد و به کاری که بترسد در آن درماند، اقدام نکند. «۱»

اکنون جای آن دارد در نمونه‌هایی که از کلام معصومین ذکر گردید، قدری دقت و تأمل کنیم.

در مواعظی که حضرت پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - به عبد الله بن مسعود فرموده‌اند، نکات قابل توجهی برای مفسران، بالاخص مفسران به شیوه موضوعی، وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱- حضرت پیامبر - صلی الله علیه و آله - با یک نظم و ترتیب خاصی به این نوع

(۱) - اصول کافی، مرحوم کلینی، ج ۱، ص ۲۳ - ۱۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۴۹

تفسیر از قرآن توجه دارند. یعنی آیات را حتی بدون آن که نامی از فقهای دنیا طلب در آن وجود داشته باشد، با شناخت از باطن

آیات به هم مربوط ساخته و در بحث از عذابهای عالمان غیر عامل، به طور موضوعی، آنها را بیان فرموده‌اند در حالی که شاید امروزه بدین صورت تفسیری نداشته باشیم.

۲- در بحث (از قول به علم)، حضرت پیامبر- صلی الله علیه و آله- چنان از آیات قرآن به نحو عالی و بسیار منطقی بهره می‌گیرند که دل انسان از این بحث موضوعی به لرزه می‌افتد و می‌فهمد که آیات قرآنی در کنار هم بودنشان به طور موضوعی چقدر عالی و گویاست و این است که قرآن، مفسر خویش است و نیاز به تفسیر بعضی از مدعیان دروغین تفسیر ندارد، هم آنان که به جای غبار زدایی از دامن قرآن و قابل فهم کردن بیشتر و روشن تر کردن آیات مبهم، فهم خویش را بر سر آیات فرود آورده و مردم را نیز در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برند و چون خود در تفسیر قرآن هدایت الهی نشده‌اند از نزد خویش به تفسیر کلام الهی می‌پردازند سخنانشان سرد و بی‌روح است و در دلی مؤثر نمی‌افتد.

اگر در کلام امام صادق (علیه السلام) و روش تفسیر ایشان در موضوع عقل و عاقل، دقت و اندیشه نمایم چند نکته اساسی به دست می‌آید:

۱- حضرت امام صادق- علیه السلام- به شیوه تفسیر موضوعی حتی امروزین، به دسته بندی و داوری آیات نشسته‌اند و در پایان، مطالب مهمی را بیان داشتند.

۲- حضرت امام صادق- علیه السلام- از واژه‌ها، تفسیر موضوعی را ترتیب نداده‌اند، بلکه بهره‌گیری از محتوای آیات کاملاً مشهود است. استفاده از مجموعه آیات مربوط به اوصاف اولوا الالباب و دعای آنان، آیات حکمت و بعضاً علم در کنار موضوع اصلی (عقل و عاقل از دیدگاه قرآن) برای روش دهی تفسیر موضوعی حائز اهمیت بسیار است.

۳- حضرت امام صادق- علیه السلام- در بیان خویش در تشریح موضوع از کلام

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵۰

ائمه بزرگوار- علیهم السلام- بهره جسته‌اند مانند روایتی که از امام علی- علیه السلام- و امام حسن بن علی- علیه السلام- و امام علی بن الحسین- علیه السلام- در بیان بحث آورده و از آن استفاده نموده‌اند.

مبانی عقلی تفسیر موضوعی

الف- آیات قرآن مفسر یکدیگرند

یکی از مبانی تفسیر موضوعی، همان تفسیر گری بعضی از آیات قرآن، نسبت به بعضی آیات دیگر است. یعنی مفسر قرآن می‌تواند در پرتو آیات قرآن، قرآن را تفسیر نماید.

(جمله) «القرآن یفسر بعضه بعضاً» از ابن عباس نقل شده و بعید نیست با توجه به ارتباط شدید او در مسایل قرآنی با شخص پیغمبر اکرم- صلی الله علیه و آله- و امیر مومنان علی- علیه السلام- از آن بزرگواران گرفته باشد. ضمناً محتوای آن نیز در نهج البلاغه آمده است. «۱»

در نهج البلاغه، حضرت علی- علیه السلام- دو بار این بیان را دارند که قرآن به وسیله خودش قابل تفسیر است و آیات آن یکدیگر را تفسیر می‌کنند. (و ذکر ان الکتاب یصدق بعضه بعضاً). «۲» و در جای دیگر می‌فرمایند: (و ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض). «۳» بعضی از این آیات از بعضی دیگر سخن می‌گویند و بعضی، گواه بر بعض دیگر است.

خداوند بر پیامبرش نیز وحی فرموده که قسمتهای مختلف قرآن یکدیگر را

(۱) - پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱ ص ۲۱.

(۲) - نهج البلاغه، خ ۱۸.

(۳) - همان، خطبه، ۱۳۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵۱

تصدیق می‌کنند و هماهنگ هستند. پس هیچ عیبی در بهره‌گیری از آیات در موضوعی خاص از سوره‌های دیگر نیست؛ بلکه بسیار شایسته و ممدوح است.

ب - گستردگی افق بحث در روش تفسیر موضوعی

یکی از نکته‌های مهم در بیان دیدگاه قرآنی با روش تفسیر موضوعی، فراتر رفتن از حد نص قرآنی است. چون ظاهراً آیات قرآن محدود و معین است و ما با این روش می‌توانیم از هدایت‌های قرآنی در سطح وسیع‌تری بهره‌مند گردیم «نص‌های قرآنی و مسائلی که به شرح و بیان و تفصیل آنها دست یازیده شده است، معلومند. اما مشکلات انسانی و کرانه‌های شناخت وی نامحدود است و تا زمانی که حیات انسانی بر کره زمین ادامه دارد، ممکن نیست در مقابل مشکلات مختلف، با ظواهر نص‌های محدود قرآنی مواجه شد، بلکه - با توجه به - گستردگی خطوط اساسی که در آیات نازل شده قرآن نمایش داده شده در می‌یابیم از خلال بیان نص‌های قرآنی و هدایتها و راهنمایی‌های آن، می‌توانیم به انواری برسیم که راه را به وسیله آن تشخیص دهیم» (۱) مرحوم شهید صدر نیز بر گستردگی افق بحث در روش تفسیر موضوعی تأکید دارند و معتقدند که: (روش تفسیر موضوعی گسترش افقی‌اش بیشتر و میدان‌ش بازتر و پربارتر است و در آن گامی از تفسیر ترتیبی به جلوتر برداشته شده است و می‌تواند پیوسته پیشروی‌اش را ادامه دهد و همواره نوآوری‌هایی داشته باشد). (۲)

هنگامی که آیات یک موضوع خاص، کنار هم گردآوری و به طور کلی بدان پرداخته شود، ابهامات بسیاری رفع گشته و نکات بسیار مفید قرآنی، از اسرار آیات به دست می‌آید که بدون این روش، ممکن نیست. علاوه بر آن حقایق تازه و نابیی از

(۱) - مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص ۳۰.

(۲) - سنت‌های تاریخ در قرآن، آیه‌الله سید محمد باقر صدر، ترجمه دکتر موسوی اصفهانی، ص ۱۰۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵۲

آیات گردآوری شده در یک موضوع کشف می‌گردد، که بسیار با ارزش و گرانبهاست.

شناخت و آگاهی از شرایط، خصوصیات، علل و نتایج موضوعاتی که در قرآن مجید مطرح است را، می‌توان یکجا از روش تفسیر موضوعی به دست آورده، مورد استفاده و بهره‌جویی قرار داد.

همچنین تفسیر منظم و قرآنی و بدون دخالت اندیشه بشری در مباحث زنده روز، از قبیل: جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم اقتصادی، احکام فقهی، مباحث اعتقادی، اخلاقی و ... را می‌توان از لابلائی آیات قرآنی به صورت جامع به دست آورد.

ج - تفسیر موضوعی بیان دیدگاه قرآن به طور متمرکز و تخصصی است.

آنچه که امروزه در سراسر جهان دانش به عیان قابل مشاهده است، این که علوم، تخصصی‌تر شده و هر کس در رشته بسیار فرعی دارای تخصص شده است. ولی ما برای فهماندن دیدگاه قرآن به دیگران نیاز داریم به این که به مخاطب بگوییم یک بار تمام قرآن مجید را از اول تا به آخر مطالعه کند تا پس از چه مدتی، چه فهمی خواهد داشت؟ و تازه از روی کدام تفسیر مطالعه نماید که

مطالب قرآن کریم را روشن بیان کرده باشد و راه را نمایانده باشد، معلوم نیست که آن هم، در این عصر تخصصها، محقق، وقت لازم را ندارد تا یک یا چند سال را بگذارد تا مطلب خاصی را از قرآن بفهمد. نکته دیگر این که (نمی‌توان در برابر نظامهای فکری غلط، نظام فکری منجمسی را به وسیله مطالب پراکنده ارائه نمود ... در حالی که همه مکتبهای انحرافی کوشیده‌اند تا با ارتباط و پیوند یک سلسله مسائل، یک مجموعه کامل منظم و هماهنگ به وجود آورده و اندیشه‌های غلط خود را منجمس معرفی کنند، ما باید بیشتر از آنها در فکر عرضه معارف قرآن به صورت سیستماتیک و منظم باشیم. پس،

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵۳

ناچاریم معارف قرآنی را دسته‌بندی کنیم و به آنها شکل بدهیم تا یاد گرفتن آنها برای جوانان که وقت کمی دارند آسان بوده و همچنین در مقابل نظامهای فکری دیگر قابل عرضه باشد. «۱»

مرحوم آیه الله شهید صدر می‌فرمایند: حقیقت این است که امروزه ما ضرورت اساسی برای استخراج و تنظیم این نظریات درک می‌کنیم و نمی‌توانیم خود را از آنها بی‌نیاز بدانیم وضع اجتماعی، روحی و فکری که اصحاب رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- در آن زندگی می‌کردند همه برای فهم این نظریات و لو به طور اجمال و برای ایجاد یک مقیاس صحیح در مقام ارزیابی، یک وضع مناسب و مساعد بود. ولی جایی که چنین زمینه مساعد و وضعی مناسب- مانند وضع امروز ما- موجود نباشد، وقتی نیاز به بررسی نظرات قرآن کریم در اسلام شناسی احساس می‌شود، چگونه می‌توان از نظرات عمومی و جهانی در این مورد غافل ماند.

با ظهور نظریه‌ها و دیدگاههای متفاوتی که در برخورد بین اسلام و جهان غرب پدید می‌آید، با این همه سرمایه‌های فکری که در اسلام داریم و از این فرهنگ غنی و متنوعی که قرآن در تمام رشته‌های شناخت انسانی، به ما عرضه نموده است، وقتی برخوردی بین یک نفر مسلمان و یک نفر غربی صورت گیرد، مسلمان خود را در مقابل نظریه‌های فراوانی می‌بیند که در زمینه‌های مختلف ابراز شده است. بنابراین بر او واجب است که نظر اسلام را بداند ... و بفهمد چگونه اسلام همین مشکل را در همین زمینه‌ای که تجارب بشر هشیارانه در زمینه‌های مختلف زندگی به آن رسیده، حل کرده است. در این جاست که می‌بینیم تفسیر موضوعی، بهترین روش است. «۲»

نیاز امروز مسلمانان به بیان موضوعات از دیدگاه قرآن نیز در سخن بسیاری از

(۱)- معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی ص.

(۲)- المدرسة القرآنیة، آیه الله محمد باقر صدر، صص ۳۳-۳۷.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵۴

اندیشمندان مسلمان آمده است. از جمله آقای مصطفی مسلم چنین می‌نویسد:- به دلیل- (تازگی در نیازمندی جوامع و پیدایش اندیشه‌های جدید در مقابل انسانها و باز شدن میدین برای اندیشه‌های علمی جدید امکان پرده افکنی از حجاب- مشکلات- و دیدن صحیح مسائل وجود ندارد، مگر با پناه بردن به تفسیر موضوعی قرآن کریم. و این است که محقق مسلمان، هنگامی که مشکلی در زندگیش پیش می‌آید یا نظریه جدیدی در روانشناسی، جامعه‌شناسی، فرهنگ و تمدن شناسی، نجوم، جهان شناسی و یا اقتصاد و ... پدید می‌آید او نمی‌تواند برای هر یک از این نظریات جدید، نصوص آیات را از قرآن کریم بیابد؛ بلکه ناچار است به راهنمایی قرآن و ارشادهای سنت نبوی در این مسأله پناه ببرد و از دیدگاه قرآن کریم به این مسأله بنگرد و مشکلات را، حل نماید و اهداف قرآنی را در این موضوع درک نماید. «۱»

بالاخره در عصری که همه مباحث و موضوعات به طور تخصصی مورد بررسی قرار می‌گیرند، لازم است موضوعات از دیدگاه قرآن مجید نیز به طور متمرکز بیان گردد تا به دست آوردن اندیشه‌های قرآنی حد الامکان بسیار ساده و میسور باشد.

(۱) - مباحث فی التفسیر الموضوعی، مصطفی مسلم، ص ۳۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵۵

فصل چهارم ارتباط تفسیر موضوعی با تفسیر ترتیبی

اشاره

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵۶

در بخش اول از این فصل، به بررسی ارتباط میان روش ترتیبی و تفسیر موضوعی و بیان کاستیها و کمبودهای موجود در روش تفسیر ترتیبی و برتری روش موضوعی خواهیم پرداخت و به تفصیل به بیان ضرورت وجود هر دو روش، بالاخص مقدم بودن تفسیر ترتیبی برای روش موضوعی اشارت خواهد رفت.

در بخش دیگر بیان ارتباط و اختلاف روش تفسیر قرآن به قرآن با روش تفسیر موضوعی خواهد آمد و در زمینه چگونگی این دو روش بحث خواهد شد.

بخش سوم از فصل چهارم به بیان مسأله ضرب قرآن به قرآن و رابطه آن با تفسیر موضوعی خواهد گذشت و تمامی روایات از طریق فریقین بیان شده، فقه الحدیث و شرح آن روایات گفته خواهد شد که پاسخی نیز به مخالفان تفسیر موضوعی و حتی روش تفسیر قرآن به قرآن خواهد بود که به طور مبسوط عنوان گردید و با بیان محل نزاع، به حل و فصل نزاع پرداخته شد که ان شاء الله مطلوب واقع افتد و مقبول درگاه حضرت احدیت، سبحانه، گردد.

حال به بیان نحوه تعامل روش تفسیر ترتیبی و موضوعی می پردازیم و از اطاله کلام خودداری می نمائیم.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵۷

بررسی رابطه تفسیر موضوعی با روش ترتیبی

این دو روش از تفسیر در قبال هم کنش و واکنش داشته و با هم برخوردی نموده‌اند و در بیان رابطه این دو روش تفسیری، باید به نحوه ارتباط این دو روش با هم، تفاوت آنها و چگونگی بهره‌گیری از یکدیگر پرداخته شود. این دو روش تفسیری در طول تاریخ وجود داشته‌اند، ولی آنچه که بر همگان، مشهود است، حضور جدی تفسیر ترتیبی و حضور کمرنگ‌تر تفسیر موضوعی نسبت بدان، در طول تاریخ تفسیر، است. ولی در عصر حاضر نیاز به پاسخگویی قرآن به مسائل ضروری زندگی انسانی، ضرورت تفسیر موضوعی را روشن می‌سازد و از آن جا که (تفسیر ترتیبی امری توقیفی نیست که ضرورتاً بدان تمسک جوئیم، بلکه ما بر آنیم که قرآن مجید در مکان واقعی از زندگی و علم و جامعه و قانون و فلسفه و اقتصاد و تاریخ ... خود قرار گیرد.)، «۱» پس می‌توان این هر دو روش تفسیری را جهت فهم بیشتر و بهتر قرآن به کاربرد؛ ضمن این که به هیچ کسی حق دخالت و تصرف در موارد جزئی و کلی آیه‌ای از آیات قرآن داده نمی‌شود و نیز هیچ احدی حق خروج از محدوده فهم قرآن را ندارد.

در روش تفسیر ترتیبی، مفسر همگام با قرآن و ترتیب موجود در قرآن به پیش می‌رود. به تدریج آیات را قطعه به قطعه و با استفاده از ابزار و وسایلی که برای تفسیر در نظر گرفته است، تفسیر می‌کند. از ظاهر آیات بهره می‌گیرد یا آیات دیگر را به کمک می‌گیرد یا عقل را به مدد می‌طلبد و یا به آیات دیگر قرآن که با آن آیه در اصطلاح یا مفهوم مشترک هستند، روی می‌آورد و در پرتو آنها، آیات مورد نظرش را تفسیر می‌کند. ضمناً سیاق آیات را هم در نظر می‌گیرد. البته همه این کوششها را به منظور معلوم شدن معنای

مفردات و اصطلاحات آیه‌ای که در صدد بیان تفسیر آن

(۱) - المبادئ العامه لتفسير القرآن الكريم، دکتر محمد حسین علی الصغیر، ص ۱۵۲.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵۸

است، انجام می‌دهد. هر چند با وجود این که از صدر اسلام تا به حال بارها بلکه صدها بار این آیات به ترتیب تفسیر شده‌اند اما در هر زمان به بخشی از اهداف و مفاهیم قرآن اشاره رفته، گرایش‌های فرقه‌ای و قومی در آن تأثیر نهاده و روز به روز بر ابهام آن افزوده است. تنها در روش تفسیر ترتیبی با شیوه قرآن به قرآن و یاری و مدد روایات صحیح است که می‌توان، به مفهوم و بیان قرآن دست یافت و گر نه بسیاری از انحرافات در دستیابی به اهداف قرآن وجود دارد که در تفاسیر ترتیبی به چشم می‌خورد. (تفسیر ترتیبی) همان روشی است که از آغاز کار نگارش تفسیر معمول بوده و متداول شده است و به خاطر استفاده از همین روش بوده است که اختلاف نظر و طرز تفکر مفسران و معتقداتشان در تفسیرهایشان تأثیر بسزایی داشته و اختلافات سرسام آوری را که امروزه در کتابهای تفسیر، شاهد آن هستیم به وجود آورده است

مفسری که در تاریخ، تبحر و تسلطی داشته است؛ قصص قرآن را وجهه همت خود ساخته و طبعاً افسانه‌ها و مجعولاتی را که دور از تحقیق است و به قرآن ارتباطی ندارد به قرآن نسبت داده است.

مفسری که دارای دید فلسفی و جویای راز هستی و رمز آفرینش و اسرار ملک و ملکوت بوده است، از دیدگاه فلسفه به بررسی قرآن پرداخته است ... کوتاه سخن، این که هر یک از مفسران، قرآن را آنچه‌شان که تمایلاتشان اقتضاء می‌کرده است دیده‌اند و آن طور که آرمانهای شخصی، صنفی و یا مرامی ایجاب کرده است به تفسیر و توجیه و تطبیق آیات قرآن برخاسته‌اند. در نتیجه راه راست و مستقیمی که قرآن مشعلدار آن است، برای تشنگان حق و حقیقت در تاریکی قرار گرفته است .. به کار گرفتن همین روش در تفسیر قرآن است که باعث گردیده تا غالباً از مفاهیم صریح آیات قرآن عدول شود و معانی واقعی بعضی آیات قرآن، دستخوش تحریف قرار گیرد.

... از دستاوردهای همین روش تفسیری است، که بسیاری از مفسران می‌گویند هفتاد و چند آیه قرآن با یکدیگر متناقض‌اند ... کار روش تفسیر ترتیبی این بوده است

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۵۹

که ضابطه را (در فهم قرآن) دگرگون کرده است و کتاب خدا و سنت خدا را به آراء و عقاید مفسران ارجاع داده است. «۱»
نقصها و اشتباهاتی را که در تفسیر ترتیبی پدید آمده است، دیگر مفسران نیز بیان داشته‌اند مرحوم علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان، با بیان روشهای موجود در تفسیر قرآن و انحرافات که در روش تفسیر قرآن پدید آمده، بعد از بیان روشهای فلسفی و کلامی و روایی و عرفانی، از روش تفسیر قرآن به قرآن نام می‌برند که هیچ عیبی و انحرافی با تمسک به دامان اهل بیت بر آن مترتب نیست. همچنین، مرحوم علامه در مقدمه خودشان بر المیزان تأکید دارند روشهایی که در تفسیر قرآن پیش گرفته شد، تفسیر نبوده بلکه تطبیق عقاید خویش بر قرآن بوده که انحراف از قرآن شمرده می‌شود و در واقع، بیان آراء شخصی با استناد به بعضی از آیات متشابه قرآن اتفاق افتاده بود. «۲»

مرحوم شهید صدر نیز می‌فرماید: (جای تأسف است که این پراکندگی در روش تجزیه‌ای تفسیر، به تناقض‌های مسلکی فراوان در جامعه اسلامی ما کشیده شده و هر گروهی آیات قرآن را به مسلک و مذهب خود تفسیر به رأی کرده‌اند، زیرا کافی است مفسری بخواهد مسلک خود را توجیه کند تا با رواج آن گروهی را دور خود جمع کرده و طرفداران بیشتری برای مذهبش فراهم آورد ... مهم این است که این استفاده تنها به کشف معانی لفظی آیه مورد نظر صورت می‌گیرد و در هر گامی هدف این تفسیر، فقط فهم

مدلول لفظی آیه است که مفسر با آن مواجه است و با تمام وسایل ممکن می‌کوشد به این هدف خود برسد و او در هر بخش با فهم یک بخش از قرآن

(۱) - طاغوت، مقدمه دکتر محمد علی لسانی که ترجمه مقدمه (القرآن و القتال) علامه شیخ محمود شلتوت را ترجمه کرده و آورده‌اند صص ۴-۶.

(۲) - به مقدمه حضرت علامه طباطبایی (ره) بر تفسیر المیزان مراجعه شود.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶۰

مواجه است). «۱»

استاد دکتر شرقاوی در بیان دو روش تفسیر قرآن می‌گویند: (یکی این است که مفسر به همراه آیات قرآن کریم حرکت می‌کند و به ترتیب آیات موجود در سوره‌ها طبق مصحف، مفردات را تفسیر می‌کند و بین آیات و معانی و مفاهیمی که آیات بر آنها دلالت می‌کنند ارتباط برقرار می‌کند و این روشی از تفسیر است که از آغاز زمان مفسران و تفسیر شروع شده است ...

روش دوم این است که مفسر، تمامی آیاتی که درباره موضوع واحدی وارد شده است را جمع آوری می‌کند، سپس جلوی خود قرار می‌دهد و اساس آن را تحلیل می‌کند و معانی آن را درک می‌کند و رابطه و تناسب بین آنها را می‌شناسد و حکم برایش آشکار می‌شود بدین وسیله هر چیز در جای خودش قرار می‌گیرد و آیه را به معنایی که اراده نشده با اکراه حمل نمی‌کنند ... و این روشی است که به نظر، طریقه و روش، نمونه و عالی است و بخصوص در تفسیری که برای مردم نشر پیدا می‌کند، تا آنها را به مفاهیم قرآنی از انواع مختلف هدایت و ارشاد نماید ... هر موضوع قرآنی از غیر خودش مستقل و متمایز است و به خودش تکیه دارد و مردم نیز موضوعات قرآنی را با عنوانهای روشن می‌شناسند). «۲»

معلوم نمودن دیدگاه قرآن مجید در میان دیدگاههای دیگر و موضوعات بشری، برای انسانی که طالب اندیشه قرآنی می‌باشد، بسی در ترویج اندیشه‌های قرآنی تأثیر دارد. جناب آقای جعفر سبحانی در مقدمه منشور جاوید به همین نکته اشاره دارند که توجه یکسویه به تفسیر ترتیبی، زمینه مناسبی برای استفاده از آیه متشابهی که بیان آراء و عقاید شخصی مفسر با آن ممکن است، می‌باشد. یعنی معتزله و اشاعره و ... با استناد

(۱) - سنتهای تاریخ در قرآن، ترجمه دکتر موسوی اصفهانی، صص ۸۴ و ۸۵.

(۲) - الفکر الدینی فی مواجهه العصر، دکتر عفت محمد الشرقاوی، ص ۳۵۲.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶۱

به بعضی از آیات قرآن برای - عقاید باطل - خود مستندات قرآنی یافته و طرفدارانی هم به دست آورده‌اند که - این امر با - این روش فهم از قرآن، به دلیل عدم گرد آوری تمامی آیات موضوعی میسر است و گرنه چنین فهمی از قرآن میسر نیست. «۱»

لازم به ذکر است که روش تفسیر قرآن به قرآن با روش ترتیبی بوده و لیکن از بسیاری از این انحرافات به دور است ولی در عین حال بعضی مفسران این روش هم، در برخی موارد به خطا رفته‌اند.

اما در روش موضوعی، مفسر با گردآوری آیات قرآن به بیان دیدگاه قرآنی می‌پردازد و از دخالت عقیده شخصی مفسر در فهم از آیات تا حدود زیادی به دور و مصون می‌باشد.

(تفسیر موضوعی به مفسر امکان می‌دهد که برای بیان موضوع مورد نظرش از آیات قرآن به طور مستقل و بدون آنکه نیازی به چیز دیگری داشته باشد مفهوم گیری کند و بهره‌مند گردد و بدون آنکه موضوع مورد نظر را با موضوعات دیگر خلط کند، آشکارا و

بی‌پرده به حقایق مربوط به موضوع مورد نظرش دست یابد. «۲»

(امتیاز دیگر تفسیر موضوعی این است که چهره نوینی از اعجاز قرآن را به جهانیان نشان می‌دهد که چگونه کتابی که آورنده آن یک فرد خط‌نویس و درس‌نخوانده و به مکتب نرفته است و تعداد صفحاتش از چند صد صفحه نمی‌گذرد و حجم اوراق آن به اندازه‌ای است که در جیب جای می‌گیرد، صدها بلکه هزاران مطلب و موضوع را در بر دارد ... با این روش تفسیر می‌توان به مردم نشان داد و این باور را در اذهان مردم به وجود آورد که قرآن، دور از زندگی روزمره و نیازمندیهای فردی و اجتماعی او نیست. قرآن، درباره هر موضوعی سخنی دارد و برای هر پرسشی،

(۱) - منشور جاوید، آیه ۱ ... سبحانی، مقدمه.

(۲) - مقدمه طاغوت / ترجمه مقدمه القرآن و القتال علامه شلتوت، دکتر محمد علی لسانی ص ۷.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶۲

(پاسخی.)

مرحوم استاد شهید صدر در بیان تفسیر موضوعی می‌گویند: (هدف مفسر موضوعی این است که دیدگاه قرآن و در نتیجه برنامه عملی آئین اسلام را در زمینه موضوع مورد نظرش، به دست آورد ... هنوز فقه و کار فقهی، قدمی چند در مسیر تحول خود برداشته بود که روش موضوعی، سراسر تحقیقات فقهی را در قلمرو خود گرفت. در زمینه تحقیقات قرآنی، روش تفکیکی بر میدان تفسیر، سایه افکنده و تقریباً سیزده قرن، این روش در تفسیر قرآن رایج بوده است و هر مفسری که آمده، مانند مفسران پیشین، قلم به دست گرفته و از آغاز تا پایان قرآن را به ترتیب، آیه به آیه، تفسیر کرده است.) «۱»

چقدر جای تفسیر موضوعی به شیوه امروزی در گذشته تاریخی تفسیر، خالی بوده و چقدر کمتر بدان توجه شده، در حالی که بیشتر عقب ماندگی مسلمانان از این بی‌توجهی حاصل شده است. توجهی که مفسران به روش ترتیبی نموده بودند و به طور تقلیدی مباحثی را تکرار می‌کردند، چقدر مایه تأسف است. (به همان اندازه که روش موضوعی در فقه، سهم بسزایی در بارور ساختن هر چه بیشتر تحقیقات فقهی و پر کردن گنجینه‌های تحقیقات علمی در این زمینه داشته است، رایج شدن روش تفکیکی یا ترتیبی نیز در تفسیر قرآن، سهم بسزایی در عقیم ساختن فرهنگ قرآنی داشته است و نگذاشته است که تفسیر، مانند دیگر علوم اسلامی روز بروز رشد و نمو پیدا کند ...

در تفسیر موضوعی مفسر کارش را از متن قرآن شروع نمی‌کند، بلکه از واقعیت زندگی آغاز می‌کند. مفسر می‌خواهد موضع قرآن را در رابطه با موضوع مورد نظرش بداند و می‌خواهد نظریه کامل قرآن را از راه مقایسه و عرضه دستاوردهای علم و اندیشه بشری به پیشگاه قرآن، به دست آورد ... شیواترین و رساترین توصیف کار

(۱) - سنتهای تاریخ در قرآن، شهید صدر، ترجمه دکتر موسوی اصفهانی، ص ۹۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶۳

تفسیر موضوعی، عبارتست از به گفتگو نشستن با قرآن و طرح سؤالات و مسائل در برابر قرآن و رسیدن به پاسخهای قرآنی آنها. بارزترین وجه تمایز روش تفکیکی با روش موضوعی در تفسیر قرآن این است که در روش ترتیبی، نقش مفسر، سلبی است، گوش می‌دهد و یادداشت می‌کند. اما تفسیر موضوعی چنین نیست کار تفسیر موضوعی در هر زمان و در هر مکان این است که به تمام میراث معارف بشری در زمینه موضوع مورد نظر، توجه نماید و در مقابل قرآن بنهد. دانسته‌هایش را به قرآن، عرضه و از قرآن، صحت و سقم آن را بجوید و با گردآوری آیات و داوری قرآن درباره آن موضوع، به حقیقت برسند. «۱»

دکتر علی الصغیر درباره حرکت کند تفسیر ترتیبی معتقد است این تفسیر که به طور تقلیدی انجام شد و - بیشتر - که تلاش گذشتگان در آن بوده و آیندگان - تنها - از آن بهره جسته‌اند، جنبش متکاملی را توسط حرکت کند و جمعی قرآن به دست نمی‌دهد زیرا بیشتر تأکید، بر جانب لفظی و لغوی و بلاغی آن است. «۲»

با توجه به مباحث مطرح شده درباره تفسیر ترتیبی، این روش تفسیری همیشه لازم و ضروری است که وجود داشته باشد و به عنوان مبنای مفسر موضوعی در فهم از آیات و گرد آوری آیات هم موضوع باشد. (تفسیر موضوعی به اعتبار این که دارای افق وسیعتر و مرحله‌ای پیشرفته‌تر از تفسیر ترتیبی است و به خاطر قدرتش بر نوآوری مستمر که موجب ممتاز شدن تفسیر موضوعی است، دور انداختن و بی‌نیازی از تفسیر ترتیبی را نمی‌رساند و به طور مطلق دور تفسیر ترتیبی را ملغی نمی‌کند.) «۳»

تفسیر موضوعی، نفی کننده تفسیر ترتیبی نیست و مفسر موضوعی باید اصول

(۱) - سنتهای تاریخ در قرآن، شهید صدر، ترجمه دکتر موسوی صص ۹۱-۹۴.

(۲) - المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، دکتر محمد حسین علی الصغیر، ص ۱۵۱.

(۳) - تفسیر القرآن بالقرآن عند العلامة الطباطبایی، دکتر خضیر جعفر، ص ۱۰۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶۴

تفسیر را رعایت کند.

(در سیر آموزشی، تفسیر موضوعی بعد از تفسیر ترتیبی است. انسان در ابتدا باید به نحو ترتیب در خدمت قرآن کریم باشد. یعنی از اول تا آخر قرآن را به نوبه خود بررسی نموده و حضور ذهنی و علمی داشته باشد که اگر آیه‌ای از قرآن مطرح شد برایش بعید الذهن نباشد آنگاه پس از آشنایی با مضمون آیات و با سرمایه تفسیر ترتیبی به سراغ تفسیر موضوعی بیاید؛ موضوعی از موضوعات را انتخاب کرده و درباره آن بحث کند. یعنی آیاتی از قرآن را که حاوی این موضوع است جمع آوری نماید، سپس به جمع بندی روایات در آن زمینه پردازد و در مرحله نهایی بین دو جمع بندی به دست آمده از آیات و روایات، جمع بندی سومی به عمل آورد تا بتواند مطلبی را به عنوان نظر اسلام و قرآن و عترت ارائه دهد.) «۱»

در موضوع شرح حدیث و فقه الحدیث نیز همین بحث تفسیر ترتیبی و موضوعی را می‌توان قیاس کرد. در شرح الحدیث به بیان حدیث، سند و تحلیل متن حدیث و فقه الحدیث پرداخته می‌شود و به ترتیب به بحث ادامه داده می‌شود اما فقه، یک سلسله ابواب موضوعی از روایات است که در موضوعات حاصل، گردآوری شده‌اند کسی که به شرح ترتیبی حدیث می‌پردازد، ممکن است روایاتی چند را معنا بنماید، ولی نمی‌تواند با اطلاع از بعضی احادیث، فتوی بدهد. در حالی که فقیه، روایات مربوط به موضوع فتوی را از بابهای فقهی مختلف، گردآوری کرده، در پایان فتوایی می‌دهد.

(در آن که گفته شد تفسیر ترتیبی مقدم بر تفسیر موضوعی است، به خاطر آن است که اگر کسی خواست موضوعی را از نظر قرآن کریم بررسی کند، هرگز نمی‌تواند در محدوده (المعجم) و یا (کشف المطالب) موضوعی را از قرآن استنباط کند و آن را به قرآن استناد دهد. چون خیلی از مسایل مربوط به آن موضوع با آن لغت بیان نشده

(۱) - زن در آئینه جلال و جمال، آیه الله جوادی آملی.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶۵

است تا اینکه المعجم بتواند آن را ارائه کند، علاوه بر آن اگر کسی خواست تفسیر موضوعی بگوید یا بنویسد، اگر آیه‌ای موضوع مورد نظر را در بر داشت، آن آیه را نباید منهای سیاق قبل و بعد بنگرد. باید سیاق و خصوصیات موردی آیه را در نظر داشته باشد

تا بگوید که این، فلان مطلب را تا این حد بیان می‌کند. بنابراین روشن می‌شود که تفسیر موضوعی بدون تفسیر ترتیبی میسر نیست و زمانی انسان می‌تواند موضوع شناس باشد و موضوعی را از قرآن کریم استنباط کند که اول، تفسیر ترتیبی را گذرانده باشد و هر آیه‌ای را با ملاحظه صدر و ذیل آن بحث، در نظر بگیرد و همچنین همه آیاتی که به نحوی با موضوع محل بحث ارتباط دارد خواه به طور اثبات و تأیید و خواه به طور سلب و تکذیب، ملحوظ شود) «۱» بنابراین مقدم بودن تفسیر ترتیبی بر روش تفسیر موضوعی روشن و مبرهن است و جای بحث و تردید ندارد؛ زیرا بدون اطلاع از مجموعه قرآن نمی‌توان با اتکاء به معجم‌ها، تفسیر موضوعی نمود که در این صورت، بسیاری از آیاتی که ظاهرشان با موضوع سازگاری ندارد از دامنه بحث قرآنی بیرون خواهد ماند. از آنچه گفته آمد، معلوم می‌شود که تفسیر موضوعی نیامده است تا تفسیر ترتیبی را از صحنه بیرون کند، بلکه تفسیر موضوعی گامی پیشرفته‌تر از تفسیر ترتیبی است و وجود هر دو نوع از تفسیر، ضرورت دارد و لازم است. اما چون دامنه بحث در روش ترتیبی، محدودتر از موضوعی است، بیان دیدگاه جامع الاطراف قرآنی تنها از عهده این روش بر نمی‌آید و نمی‌توان از روش ترتیبی انتظار پاسخگویی دقیق به تمام پرسشهای موجود را داشت؛ لیکن تفسیر موضوعی، از روش ترتیبی بهره جسته و بدون روش مذکور، نمی‌توان تصور روش تفسیر موضوعی دقیق، عالمانه و جامع الاطراف را داشت. (رابطه تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی رابطه‌ای است طولی نه

(۱) - زن در آئینه جلال و جمال، آیه ۱ ... جوادی آملی.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶۶

عرضی و تفسیر ترتیبی پایان تفسیر قرآن نیست؛ بلکه آغاز تفسیر موضوعی است.) «۱»

و تفسیر ترتیبی مرکبی است که تا منزلی از راه را می‌توان با آن پیمود، ولی رسیدن به سر منزل مقصود با آن ممکن نیست. بلکه رسیدن به آن، نیاز به روش موضوعی دارد که به عقیده ما بهترین و مقدم و برترین روش تفسیری، تفسیر موضوعی است و تفسیر ترتیبی مقدمه آن است.

بررسی روش تفسیر قرآن به قرآن و روش تفسیر موضوعی

اشاره

برای بررسی این دو روش که هر دو بر گرفته از روش قرآنی در تفسیر قرآن می‌باشد، ابتدا روش تفسیر قرآن به قرآن را معرفی نموده، سپس با شناخت خویش از تفسیر موضوعی، این رابطه را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد. روش تفسیر قرآن به قرآن از روشهای نوینی است که در قرن اخیر و عصر حاضر معمول گردیده است. این روش تفسیری، برگرفته از سلف صالح. یعنی: ائمه اطهار - علیهم السلام - و پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و بالاخص روش بیان قرآن مجید در مباحث مختلف است. - و اساسا - (مطمئن‌ترین و مؤکدترین و والا-ترین روش جهت درک قرآن و دلالت و الهامات آن و زمینه‌های نزول و مناسبتهای آن، تفسیر پاره‌ای از قرآن به وسیله پاره‌ای دیگر و ارتباط بعضی از آیات با بعضی دیگر است.

همانا قرآن مجید سلسله کامل است که بعضی از قسمتهای آن به بعضی دیگر متصل است و مطمئن‌ترین پیوستگی در دوره‌های سیره نبوی در زمانش مصداق یافته بود. همان گونه که شأن عبارات و جملات و احکام و داستانها و پندهای آن است،

(۱) - روش شناسی تفاسیر موضوعی قرآن، هدایت الله جلیلی، ص ۵۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶۷

بعضی از پاره‌های آن بعضی دیگر را تفسیر می‌کند. «۱»

(در تفسیر قرآن به قرآن از آنجا که «مفسر بعضه بعضا» پاره‌ای از قرآن، پاره دیگر را تفسیر می‌کند سعی ما بر آن خواهد بود که قرآن را با قرآن تفسیر کنیم و در پذیرش نظریه‌ها و آرای تفسیری در معانی ظاهری و باطنی، قرآن را میزان قرار دهیم چرا که قرآن، خود، میزان است.) «۲»

بعضی از مفسران، یگانه روش بر گرفته از ائمه - علیهم السلام - را در تفسیر قرآن، روش تفسیر قرآن به قرآن بر شمرده‌اند و مرحوم علامه طباطبایی - قدس سره الشریف - روشهای دیگر را به عنوان تفسیر نمی‌پذیرد. آیه الله سبحانی نیز معتقدند:

(یگانه روشی که از اهل بیت پیامبر اکرم در تفسیر قرآن به یادگار مانده، همین روش تفسیر قرآن به قرآن است و روایاتی که از اهل بیت پیامبر نقل شده است به روشنی بر این مطلب گواهی می‌دهد و کوشش پیشوایان در قالب احادیثی که از آنان در تفسیر قرآن به یادگار مانده است، این است که یک رشته مفاهیم عالی را از خود (قرآن) آیات و یا به کمک آیات دیگر استخراج کنند و هرگز قصد آنها این نبوده که نظرات شخصی و علمی را بر قرآن تحمیل نمایند و در تفسیر آیات الهی از روش تطبیق نظر پیروی کنند.) «۳»

علامه طباطبایی می‌فرمایند: (پیامبر اکرم و اهل بیت گرامیش گرچه بر طبق نصوص قرآن، شارح و مفسر و مبین معانی و مقاصد قرآن می‌باشند، ولی اساس بیانات و روش تعلیم و تفسیرشان، همان طریق و روش تفسیر قرآن به قرآن بوده، خود، آن را

(۱) - القرآن المجید، محمد عزت دروزه، ص ۲۰۹.

(۲) - تفسیر کاشف، دکتر بی‌آزار شیرازی، دکتر سید محمد باقر حجتی، ج ۱ ص ۱۳، میثاق در قرآن، ص ۱۱.

(۳) - منشور جاوید، آیه الله .. سبحانی، ص ۱۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶۸

به ما آموخته‌اند و از طریق روایات نیز بر ما معلوم گشته است که در هیچ مورد از بیانات ایشان، در زمینه تفسیر آیات، از غیر قرآن، استعانت و استفاده‌ای به عمل نیامده است.) «۱»

بعضی از مفسران در روش تفسیر قرآن به قرآن، روایات را به کنار نهاده و تنها به قرآن مجید اکتفا کرده‌اند و جایگاهی به نقش احادیث اختصاص نداده‌اند و احتیاج به سنت در تفسیر قرآن را نفی کرده و قائل به عدم اعتماد به روایات، در فهم مقاصد و معانی قرآن شده‌اند. بر طبق عقیده این گروه، برای رسیدن به معنی واقعی قرآن، تنها روش صواب، استفاده از خود قرآن است؛ بدون اینکه مراجعه‌ای به روایات و سنت شده باشد. (تنها راه صحیح، همان است که به متن قرآن و توضیحات قراین موجود در آن مراجعه شود و از استعانت به غیر قرآن - به هر نحو که باشد خودداری گردد. زیرا تنها مرجع تحریف نشده و دست نخورده‌ای که از دروغها، پیرایه‌ها و پندارهای غلط مدعیان دین، منزّه و مبرا مانده است، متن قرآن می‌باشد و روایات به جهت آن که دچار دستبرد جاعلان و سوداگران حدیث گشته است و چند برابر آنچه صحیح است، روایات جعلی و دروغین بر آنها افزوده شده است، لذا ارزش و اعتبار خود را از دست داده، فاقد صلاحیت لازم برای تفسیر قرآن می‌باشد.

از تفاسیری که بر اساس این نظریه تألیف شده است و مؤلف آن از مدافعان سر سخت نظریه فوق محسوب می‌گردد کتاب تفسیری: (الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن) «۲» را می‌توان نام برد ... مفسر مزبور، بر این اساس، روایات را به کلی کنار گذاشته، ارزش تفسیری آن را یکباره انکار نموده است.) «۳»

(۱) - ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۰.

(۲) - ذهبی در کتاب التفسیر و المفسرون ج ۲ / ص ۵۳۲ آن را بدون نام مؤلف نقل کرده است.

(۳) - مبانی و روشهای تفسیر قرآن، استاد عمید زنجانی، ص ۱۸۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۶۹

ضمن بیان عقیده مفسری که مدعی تفسیر نمودن قرآن تنها به روش قرآن به قرآن، بدون بهره‌جویی از روایت است، باید تأکید نماییم که روش تفسیر قرآن به قرآن هنگامی قدر بیند و بر صدر نشیند که در بسیاری موارد از همتای قرآن، یعنی ثقل اصغر و سنت نبوی مدد جوید و گرنه ره به بیراهه خواهد برد.

درست است که قرآن، مبین و مفسر خویش است، ولی در بسیاری از موارد، در توضیح بسیاری از آیات احکام، داستانها و ... استفاده از روایت صحیح، لازم و واجب است. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر گرانقدر المیزان، در باب ضرورت بهره‌گیری از روایات صحیح در تفسیر قرآن، می‌فرماید: (روشی که در روایات بدان ترغیب شده، همان تفسیر از طریق قرآن است و آنچه از آن نهی و منع شده، تفسیر از غیر طریق قرآن می‌باشد. بنابراین تنها روش مورد قبول در تفسیر قرآن، استمداد از قرآن جهت فهم معنای آیات آن و تفسیر آیه به آیه است. این روش در صورتی مورد قبول خواهد بود که تفحص و جستجوی کافی در روایات نقل شده از نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - و ائمه - علیهم السلام - به عمل آمده، پس از تحصیل ذوق و معلومات بر گرفته از آنها، به تفسیر کلام اشتغال ورزید. «۱»

همچنین مرحوم علامه طباطبائی (ره) در راهنمایی مفسرین می‌فرماید: (وظیفه مفسر این است که در احادیث پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و ادله اهل بیت - علیهم السلام - که در تفسیر قرآن وارد شده، غور کرده به روش ایشان آشنا شود؛ پس از آن طبق دستوری که از کتاب و سنت استفاده می‌شود به تفسیر قرآن پردازد و از روایاتی که در تفسیر وارد شده آنچه را که موافق مضمون است، اخذ نماید. «۲»

وجود این حقیقت را نمی‌توان نادیده گرفت در تفسیر قرآن، که سنت حضرت

(۱) - المیزان، ج ۳ ص ۹۰.

(۲) - قرآن در اسلام، مرحوم علامه طباطبائی، ص ۸۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷۰

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و روایات ائمه معصومین - علیهم السلام - در کنار آیات قرآن قرار دارند و بدون این بال، پرواز در افق فهم معانی بلند قرآنی، میسر نیست.

در روش تفسیر قرآن به قرآن از روش ترتیبی بهره‌جویی می‌شود. یعنی از ابتدای قرآن شروع شده و اندک اندک به ترتیب آیات قرآن مجید تفسیر می‌شود و در تفسیر آیه‌ای در این ترتیب، از آیات دیگر سوره‌های قرآن استفاده می‌شود اما در روش تفسیر موضوعی، مبنای اولیه، جمع آوری آیات هم مفهوم و هم مضمون از یک موضوع در سراسر قرآن مجید است و ارائه یک بحث به صورت موضوعی که بیانگر دیدگاه قرآن بوده باشد.

دکتر رادمش در این باره می‌گویند: مرحوم علامه طباطبائی (ره) اساس کار خود را بر قاعده متین تفسیر قرآن به قرآن قرار داده‌اند و همواره، سر رشته (ان القرآن یفسر بعضه بعضا) همانا بعضی از آیات و عبارات قرآن، روشنگر بعضی دیگر است را، در دست داشته‌اند. در عین این که قرآن را از آغاز تا انجام، سوره به سوره و آیه به آیه، تفسیر کرده‌اند. موضوعات مشابه و مشترک را که

در سوره‌های مختلف با عبارات مشابه یا متفاوت تکرار شده همه را ماهرانه در کنار یکدیگر آورده و تحت یک بحث جامع، حلاجی کرده‌اند و این شیوه را نه فقط در مورد قصص قرآن و بلکه در سایر موضوعات اعتقادی و عبادی نیز به کار برده‌اند. فی‌المثل بحث از خلقت آدم یا حقیقت بهشت و جهنم و ... را یک بار به نحو جامع با استفاده از تمامی آیات مربوطه به آنها مطرح کرده‌اند و در سایر موارد، خوانندگان را به بحث اصلی ارجاع داده‌اند. «۱»

جناب استاد آیة ا ... جوادی آملی در این باره می‌فرماید: (مرحوم علامه اطلاع

(۱) - آشنایی با علوم قرآنی، دکتر رادمنش، ص ۲۳۵.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷۱

نسبتاً وسیع و فراگیری نسبت به تمام ظواهر قرآنی داشتند و لذا هر آیه را که مطرح می‌نمودند طوری درباره آن بحث می‌کردند که سراسر قرآن کریم مطمح نظر بود؛ زیرا یا از آیات موافق به عنوان استدلال یا استمداد سخن به میان می‌آورد یا اگر دلیل یا تأییدی از آیات دیگر وجود نداشت، به طرزی آیه محل بحث تفسیر می‌شد که متناقض با هیچ آیه از آیات قرآن مجید نباشد و هر گونه احتمال یا وجهی را که متناقض با دیگر آیات قرآنی می‌بود، مردود می‌دانستند. زیرا تناقض آیات با انسجام اعجاز آمیز کتاب الهی سازگار نیست) «۱» هر چند در تفسیر ترتیبی قرآن، به پاره‌ای از مباحث موضوعی به طور جامع پرداخته شده است، ولی با این همه تفاوت تفسیر ترتیبی قرآن به قرآن با روش تفسیر موضوعی، مشهود و معلوم است و اگر این تفاوت را از میان برداریم، دیگر اختلافی وجود نخواهد داشت؛ چه این که در تفسیر موضوعی، نگرشی قرآنی وجود دارد که با این نگرش، روش تفسیر موضوعی، از روشهای کلامی و فلسفی و لغوی و ... متمایز بوده و تفسیر قرآن به قرآن به شمار می‌رود. (آنان که معترض تفسیر کتاب الهی می‌شوند و می‌نمایند که در تفسیر قرآن به قرآن چه چیزی وجود دارد، ناگزیرند اولاً تمامی آیاتی که از قرآن در موضوع واحدی وجود دارد را جمع آوری نمایند - سپس - آیات را با هم مقابله نمایند تا به وسیله بعضی از آنها بعضی دیگر را به یاری گیرند تا برای فهم آنچه که مختصر آمده، از آن چه که مبسوط بحث شده، یاری جویند و با آیات مبین، آیات مجمل را شرح دهند و بدین وسیله تفسیر قرآن به قرآن به دست می‌آید و فهم مراد الهی با وسیله‌ای که از سوی خدا آمده صورت می‌گیرد؛ زیرا صاحب کلام، به معنای کلام خود آشناتر و عارفتر می‌باشد.) «۲»

(۱) - تفسیر و تفاسیر جدید، بهاء الدین خرمشاهی، ص ۱۱۶.

(۲) - التفسیر و المفسرون، دکتر محمد حسین ذهبی، ج ۱/ ص ۳۷.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷۲

بالاخره این که (تفسیر موضوعی عهده‌دار بحث از موضوعات خاصی است که قرآن، آن را تحلیل فرموده است. وقتی موضوعی از نظر قرآن مطرح می‌شود، از عترت جدا نیست و عترت از قرآن منفک نیست. قهراً آن موضوع از نظر قرآن و عترت مطرح خواهد بود.) «۱» این گونه به نظر می‌رسد که رشد و حیات نهال تفسیر موضوعی قرآن، مرهون روش تفسیر قرآن به قرآن بوده و عزت و عظمت این روش تفسیر ترتیبی، تأثیر بسزایی در تقویت و هدایت و رشد سریع تفسیر موضوعی بر جای خواهد نهاد. تأثیر تفسیر قرآن به قرآن در رشد سریع تفسیر موضوعی در عصر حاضر، خود گویای این واقعیت است که تفسیر قرآن باید از زبان قرآن و ترجمان وحی بوده باشد و راهگشایی آن بدین صورت میسر است.

یکی از مباحثی که قبل از تفسیر قرآن مجید هر مفسر شیعه یا سنی لازم است در اطراف آن به بحث بنشیند تا شیوه بحثی مطابق با سنت نبوی و سیره ائمه معصومین - علیهم السلام - را انتخاب نموده باشد و از هر گونه انحراف و تفسیر به رأی پرهیز نماید، این

است که مفسر قرآن مجید به احادیث مربوطه احاطه داشته باشد و روش تفسیری خویش را به نحوی گزینش نماید که با سخنی از معصوم- علیه السلام- و قرآن مجید تفاوت نداشته باشد.

مفسر واقعی کسی است که در تفسیر آیات قرآن، خود را از هر نوع پیشداوری و عقیده قبلی خالی و مجرد سازد و به جای این که قرآن را بر افکار و آراء خود عرضه بدارد، افکار خود را بر قرآن عرضه کند. برای فتح قله‌های علمی قرآن و تبیین اسرار نهفته و گرانبهای آن، بهترین راه، بررسی آیات قرآنی و مطالعه در آن و تحقیق در احادیث قطعی اسلامی است. با توجه به ارزشمند بودن روش تفسیر قرآن به قرآن و وجود این سبک در

(۱)- زن در آئینه جلال و جمال، آیه الله جوادی آملی، ص ۴۰.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷۳

تفاسیر گذشتگان بالاخص روش ائمه معصومین- علیهم السلام- و احیای آن در عصر حاضر در مصر و ایران و بعضی از کشورهای اسلامی، بعضی از محققان اخباری، این حدیث را مطرح کرده‌اند که مسأله تفسیر قرآن به قرآن با روایتی تناقض دارد و آن روایت مسأله ضرب قرآن به قرآن است و به همین دلیل بر مفسران روش قرآن به قرآن خرده گرفته و تفسیر آنان را مشابه ضرب قرآن به قرآن به شمار آوردند.

ما به تحلیل این روایات از حضرت پیامبر اکرم (ص) از منابع فریقین و روایت امام صادق- علیه السلام- خواهیم پرداخت و ان شاء الله در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت.

الف: روایت‌های ضرب قرآن به قرآن

۱- ان رسول الله خرج علی قوم یتراجعون فی القرآن و هو مغضب، فقال: (بهذا ضللت الامم قلبکم باختلافهم علی انبیائهم، و ضرب الكتاب بعضه ببعض). قال: (و ان القرآن لم ینزل لیکذب بعضه بعضا و لکن ان ینصدق بعضه بعضا، فما عرفتم منه فاعملوا به و ما تشابه علیکم فامنوا به.) «۱»

رسول خدا از کنار گروهی گذشتند که آیات قرآن را تفسیر کرده، آیه‌ای را به آیه دیگر ارجاع می‌دادند. ایشان در حالی که از این عمل آنان خشمناک بودند، فرمودند: (به همین طریق، امتهای قبل از شما گمراه شدند؛ چه، درباره پیامبرانشان با یکدیگر اختلاف کردند و مطالب کتابشان را به یکدیگر ارجاع دادند).

حضرت فرمودند: (و به راستی که قرآن نازل نشد تا بعضی از آن برخی دیگر را تکذیب نماید، بلکه نزول آن بدان جهت بود که بعضی از آن، برخی دیگر را تصدیق

(۱)- در المنثور، سیوطی، ج ۲ ص ۱۴۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷۴

نماید، پس از قرآن، هر چه را به درستی شناختید به آن عمل کنید و هر آنچه را که بر شما مشتبه بود به آن ایمان آورید).

۲- سمع رسول الله (ص) قوما یتدارون، فقال: (انما هلك من كان قلبکم بهذا، ضربوا کتاب الله بعضه ببعض و انما نزل کتاب الله ینصدق بعضه فلا تکذبوا بعضه ببعض فما علمتم منه فقولوا و ما جهلتم فكلوه الی عالمه.) «۱»

رسول خدا- که درود خداوند بر او و خاندانش باد- شنیدند گروهی (در مورد قرآن) اختلاف کرده‌اند، حضرت فرمودند: (همانا مردمان قبل از شما به سبب چنین کاری هلاک شدند، بعضی آیات خدا را با کمک بعضی آیات دیگر تفسیر کردند، جز این نیست

که قرآن نازل شد تا بعضی دیگر را تصدیق کند، پس برخی از آیات آن را با برخی دیگر تکذیب نکنید، آنچه از آن می‌دانید، بیان کنید و آنچه را که نسبت به آن آگاهی ندارید، به داننده‌اش واگذار کنید....)

۳- اخرج نصر المقدسی فی الحججه عن ابن عمر، ان رسول الله- صلی الله علیه و آله- خرج علی اصحابه و هم یتنازعون فی القرآن؛ هذا ینزع بایه و هنا ینزع بایه فکانما فقیء فی وجهه حب الزمان، فقال: (لهذا خلقتم او لهذا امرتم ان تضربوا کتاب الله بعضه ببعض، انظروا ما امرتم به فاتبعوه و ما نهیتم عنه فانتھوا). «۲»

۴- اخرج نصر المقدسی فی الحججه عن ابن عمرو، قال (خرج رسول الله- صلی اله علیه و آله- من وراء حجرته علی قوم یتجادلون فی القرآن، فخرج محرمة و جناته کانما تقطران دما، فقال: یا قوم لا تجادلوا بالقرآن فانما ضل من کان قبلکم بجداولهم، ان القرآن لم ینزل لیکذب بعضه بعضا و لکن نزل لیصدق

(۱)- در المنثور، ج ۲، ص ۱۴۹.

(۲)- در المنثور، ج ۲ ص ۱۵۳.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷۵

بعضه بعضا، فما کان من محکمه فاعملوا به و ما کان متشابهه فامنوا به. «۱»

حضرت پیامبر اکرم- صلی اله علیه و آله- از پشت اتاقشان بر گروهی خارج شدند که در قرآن با هم مجادله و دعوی داشتند، چنان چهره‌اش سرخگون شده بود که گویی از آن خون می‌بارید، پس فرمودند: ای مردم در قرآن و با قرآن جدال و دعوی نکنید، همانا گذشتگان شما با مجادله‌شان در کتابشان گمراه شدند، قرآن نازل نشده تا بعضی از آیات آن، بعضی دیگر را تکذیب کند؛ بلکه قرآن نازل شده که بخشی از آن، بخش دیگر را تصدیق کند، پس آنچه از محکم قرآن است، بدان عمل کنید و آنچه که متشابه قرآن است، بدان ایمان آورید.

۵- عن النضر بن سويد، عن القاسم بن سليمان عن ابي عبد الله عليه السلام قال: (قال ابي: و ما ضرب رجل القرآن بعضه ببعض الا کفر) «۲»

(شخصی پاره‌ای از قرآن را با پاره‌ای دیگر نزد مگر آنکه کافر شد....)

۶- عن محمد بن الحسن بن الحسين بن الحسن بن ابان عن الحسين بن سعيد عن النضر بن سويد، قال الصادق عليه السلام: (ما ضرب رجل القرآن بعضه بعضا الا کفر)

قال الصدوق سألت محمد بن الحسن بن الحسين بن الحسن بن ابان عن الحسين بن سعيد عن النضر بن سويد، قال الصادق عليه السلام: (ما ضرب رجل القرآن بعضه بعضا الا کفر) «۳»

مرحوم شیخ حر عاملی در ادامه می‌فرماید:

قال المجلسی: (ضرب القرآن بعضه ببعضه کما یتستفاد من روایات اخر فهو أن یاخذ الرجل ببعض الآيات المتشابهة التي ربما یوافق ظاهرها فی نفسها

(۱)- همان، ج ۲، ص ۱۵۴.

(۲)- وسائل الشیعه ج ۱۸، ص ۱۳۵/ محاسن برقی ص ۲۱۲ حدیث ۸۶/ کافی.

(۳)- معانی الاخبار، ص ۱۹۰ حدیث ۱/ عقاب الاعمال ص ۴۴/ بحار ج ۸۹ ص ۳۹.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷۶

مع النظر عن سایر الآيات مذهب الفاسد و یاوّل سایر الآيات علی طبقها و یحملها علیها دون ان یتدبرها و یفسرها بسائر الآيات، قال

تعالی: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) و لعل هذا مراد محمد بن الحسن بن ولید شیخ شیخنا الصدوق - رحمه الله - حيث قال في جوابه (هو ان يجيب الرجل الخ). «۱»

۷- قال الصادق - عليه السلام: (انهم ضربوا القرآن بعضه ببعض و احتجوا بالمنسوخ و هم يظنون انه الناسخ و احتجوا بالخاص و هم يظنون انه العام و احتجوا بالأیه و تركوا السنه من تاويلها و لم ينظروا الى ما يفتح به الكلام و الى يختمه و لم يعرفوا موارد و مصادره اذ لم ياخذوا عن اهله فضلوا و اضلوا). «۲»

امام صادق - عليه السلام - (در مذمت اهل خلافت و مذهب فاسد) فرمودند:

ایشان بعضی از آیات را مفسر و شارح برخی دیگر از آیات قرار می‌دهند. استدلال به منسوخ نموده و حال آن که گمان دارند ناسخ است، احتجاج به خاص کرده در حالی که آن را عام می‌پندارند، تمسک به آیه قرآنی نموده و سنت و حدیثی که در تأویل آن وارد شده را رها می‌کنند. به معنای آیه‌ای پرداخته، بدون این که به افتتاح و اختتامش بنگرند. ایشان، موارد و مصادر معانی آیات را مطلع نیستند، زیرا آن را از اهل قرآن نگرفته‌اند و فلذا خود گمراه شده و هم دیگران را گمراه و منحرف نموده‌اند. با توجه به تعداد روایات نقل شده از طریق اهل سنت و شیعه در مذمت ضرب قرآن به قرآن لازم است که درباره آن مفصل بحث نموده و دامنه معنای آن را معین و

(۱) - وسائل الشیعه ج ۱۸، ص ۱۳۵ کتاب انفضا.

(۲) - تشریح المقاصد ۲، ص ۱۹۹ (شرح رسائل شیخ انصاری)، و بحار الانوار علامه مجلسی به نقل از تفسیر نعمانی، ج ۹۰ ص ۳.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷۷

مشخص کرده، مفهوم کامل آن را بیابیم که این، خود، پاسخی بر اشکال وارد کنندگان این ایراد است و معلوم می‌شود که در واقع نه اشکالی وارد است و نه آن که معنای روایت را به درستی فهمیده‌اند.

ب: تحلیل مفهومی و فقه الحدیثی روایات ضرب قرآن به قرآن

آنچه که در روایات ضرب قرآن به قرآن به چشم می‌خورد، عدم سازگاری معنایی و معارضت آیات با یکدیگر است و حال آن که آنچه از مفهوم تفسیر قرآن به قرآن به دست می‌آید، سازگاری معنایی پاره‌های قرآن است و این مفهوم دقیقی است که روایت حضرت پیامبر - صلی الله علیه و آله - آن را تاکید می‌کند و آیه قرآن نیز بدان اشاره دارد: (ليصدق بعضه بعضا)، (وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا).

در بعضی روایات از به هم خوردن ترتیب آیات قرآن، نکوهش شده و به طور صریح از تفسیر قرآن، با به هم ریختن آیات و حمل آیه‌ای بر آیه دیگر، تحت عنوان (ضرب القرآن بعضه ببعض) نهی شده است. مخالفان نیز «عنوان ضرب القرآن بعضه بعضا» را به معنای همان تفسیر قرآن به قرآن دانسته‌اند و به این ترتیب، مدعی شده‌اند که روش مزبور مانند روش تفسیر به رأی، مردود و از نظر اهل سنت، ممنوع می‌باشد. مرحوم علامه طباطبایی درباره مفاد این گونه روایات چنین می‌فرماید:

این روایات مفهوم و معنای (ضرب القرآن بعضه بعضا) را در مقابل تصدیق القرآن بعضه بعضا. قرار داده است و به مقتضای این مقابله، باید گفت:

معنای ضرب قرآن همان خلط بین آیات و به هم زدن آنها از نظر مقامات و مناسبات مفاهیم آیات با یکدیگر و نیز اخلال نمودن در ترتیب بیان مقاصد قرآن می‌باشد مانند آن که آیه محکمی را به جای متشابه و آیه متشابهی را به جای محکم، مورد استفاده

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷۸

قرار می‌دهند. «۱»

شاید به تعبیری مراد از ضرب قرآن را بتوان بریدن و گسستگی بین آیات، قطع مناسبات و سیاق آیه قبل و بعد، بد فهمی از مراد آیه و آیه را به دلخواه خویش تفسیر نمودن، دانست. در این جا به شرح جناب استاد غفاری در ذیل روایت ضرب قرآن در عقاب الاعمال توجه می‌نماییم: (شاید مقصود از زدن بعض قرآن- به بعض دیگر- این باشد که کسی بر طبق دلخواه خود و بدون دلیل و مدرک شرعی، پاره‌ای از آیات متشابه قرآن را تفسیر کند که با آیات دیگر سازگار نباشد. مرحوم صدوق- رحمه الله- در معانی الاخبار از استاد خویش مرحوم ابن ولید (محمد بن حسن بن ولید) نقل کرده که گفت مراد آن است که شخصی تفسیر آیه‌ای را از تو بپرسد و او را به تفسیر آیه دیگری پاسخ دهی.) «۲»

به نظر می‌رسد مراد از روایات ضرب قرآن، آن است که شخصی دارای مذهب باطل و فاسدی باشد و در مذهب خود تمسک به یکی از آیات متشابه کند و ظاهر آن را دلیل بر صحت مذهب خود گیرد و آیات دیگری که مخالف مذهب اوست همه را تأویل کند.

(درباره تفسیر موضوعی، تفسیر قرآن به قرآن و ضرب قرآن به قرآن باید گفت:

با یک دقت بیشتری در روش کار و مفهوم یابی آیات، نتیجه‌ای که از این دو روش به دست می‌آید، بسیار قابل ملاحظه می‌باشد. در تفسیر قرآن به قرآن، حتی پیامبر اکرم (ص) هم گرچه طبق صریح قرآن مجید، مفسر و ترجمان وحی بوده‌اند، ولی با بررسی دقیق به روش تفسیری آنان می‌توان درک کرد که آنان نیز به همین روش تفسیر می‌کرده‌اند و هیچ استفاده و استعانتی از غیر قرآن نکرده‌اند و حتی در روایات نیز به

(۱)- المیزان ج ۳، ص ۸۵.

(۲)- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۶۳۹ حدیث ۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۷۹

همین روش در تفسیر آیات ترغیب شده‌ایم و آنچه که نهی شده از طریق غیر قرآن است، بنابراین تنها روش مورد قبول در تفسیر قرآن، استمداد از قرآن، جهت فهم معانی آیات آن و تفسیر آیه به آیه می‌باشد، این روش در صورتی مورد قبول خواهد بود که تفحص و جستجوی کافی در روایات نقل شده از نبی اکرم (ص) و ائمه اهل بیت- علیهم السلام- به عمل آمده پس از تحصیل ذوق و معلومات برگرفته از آنها به تفسیر کلام، اشتغال ورزید.) «۱»

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل روایت ابن ولید (پاسخ ابن ولید به مرحوم صدوق (ره)) می‌فرماید: پاسخ ابن ولید به مرحوم صدوق کمی ابهام دارد و دو پهلو است چون ممکن است مقصودش آن روشی باشد که در بین اهل علم معمول است که در مناظره خود یک آیه را به جنگ با آیه‌ای دیگر می‌اندازند و با تمسک به یکی، آن دیگری را تأویل می‌کنند و هم ممکن است مقصودش این بوده باشد که کسی بخواهد معنای یک آیه را از روایات دیگر استفاده کند و خلاصه آیات دیگر را شاهد بر آیه مورد نظرش قرار دهد.

اگر منظور ابن ولید معنای اول باشد، درست است و ضرب بعضی قرآن به بعض دیگر است و اگر مقصود، معنای دوم باشد، سخن باطلی گفته است. «۲»

همان گونه که مرحوم علامه طباطبایی در موارد دیگر و بعضی از بزرگان دیگر بیان فرمودند، که اشاره گردید. دیدگاه استاد آیه‌ا ... معرفت درباره روایت ضرب قرآن به قرآن چنین است که ضرب قرآن به قرآن یعنی کوبیدن آیه‌ای به وسیله آیه‌ای دیگر و با تفسیر قرآن به قرآن به یک معنا نیست و باید در لفظ ضرب قرآن به قرآن دقت داشت. ثانیاً منظور روایت، آوردن آیه‌ای در تفسیر

آیه‌ای دیگر بدون توجه به

(۱) - المیزان ج ۳، ص ۹۰.

(۲) - ترجمه تفسیر المیزان، مرحوم علامه طباطبائی، ج ۳ ص ۸۶.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸۰

ناسخ و منسوخ و مطلق و مقید و شأن آیات است که - این موارد - در تفسیر قرآن به قرآن وجود ندارند.

در روایت امام صادق - علیه السلام - که در رسائل مرحوم شیخ انصاری، بحار الانوار علامه مجلسی و تفسیر نعمانی آمده بود، ضرب قرآن به قرآن درباره تفسیر قرآن به قرآن نیست، بلکه استفاده نابجا از آیات قرآنی بدون شناخت مکان و شأن آیه، مراد است. مؤید گفتار ما همان روایتی است که قبلاً در رد امام - علیه السلام - نسبت به ابو حنیفه گذشت و وی مدعی شد که به کتاب الله عمل می‌کند و حضرتش وی را بر این ادعا ملامت و مذمت کرد معلوم است که شخصی همچون ابو حنیفه به ظواهر قرآن عمل می‌نماید نه آن که ظواهر قرآنی را تأویل برده و مطابق رأی خودش معنا کند چه آن که از نظر اهل سنت با وجود قرآن و سنت، اعتباری به رأی نمی‌باشد. «۱» مؤید گفتار ما همان فرموده حضرت امام صادق - علیه السلام - در مذمت اهل خلاف است که قبلاً در بخش روایات آورده شد که فرمودند ایشان بعضی از آیات را مفسر و شارح بر برخی دیگر از آیات قرار می‌دهند. استدلال به منسوخ نموده و حال آنکه گمان دارند ناسخ است، احتجاج به خاص کرده در حالی که آن را عام می‌پندارند، تمسک به آیه قرآنی نموده و سنت و حدیثی که در تأویل آن وارد شد را رها می‌کنند. به معنای آیه‌ای پرداخته، بدون این که به افتتاح و اختتامش بنگرند. ایشان موارد و مصادر معانی آیات را مطلع نیستند، زیرا آنها را از اهل قرآن - ائمه (علیه السلام) - نگرفته‌اند پس هم گمراه شدند و هم گمراه کردند.

برای توجه و درک بیشتر تفاوت میان تفسیر قرآن به قرآن با ضرب قرآن به قرآن که به شدت از آن نهی شده است، باید آن دو را به صورت دو موضوع و حکم

(۱) - کتاب شرح فارسی رسائل، علی محمدی ج ۵، ص ۳۱۸ و کتاب رسائل مرحوم شیخ انصاری، ج ۳، ص ۱۲۴.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸۱

جدای از هم به حساب آورد. باید توجه نمود که این دو حکم و موضعا جدای از یکدیگرند؛ زیرا آنچه از حضرت امام صادق - علیه السلام - رسیده است که (ما ضرب رجل القرآن بعضه ببعض الا کفر) ناظر به آن است که کسی حقیقت قرآن را که یک واحد هماهنگ و منتهی است به هم از هم جدا کرده و آن را به هم بزند و ارتباط میان ناسخ و منسوخ را قطع کند و منسوخ حکم کند بدون توجه به ناسخ و پیوند تخصیصی عام و خاص را منقطع گرداند و رابطه تقییدی مطلق و مقید را نادیده بگیرد و پیوستگی صدر و ذیل را ملاحظه نکند و نظایر آن. (نه این که جامع الاطراف دیدن آیه مورد بحث و شواهد قرآنی آن را ملاحظه نمودن، ضرب قرآن بعض به بعض باشد.)

و نیز اگر کسی آیه‌ای را از مسیر خودش خارج کند و به دلخواه خود، معنا نماید، مشمول حدیث یاد شده است. چه این که مرحوم صدوق از استادش - ابن ولید - معنای این حدیث را پرسید. ابن ولید فرمود: کسی از تو تفسیر آیه‌ای را بپرسد و تو با تفسیر آیه دیگر جواب او را بدهی. (هو ان تجیب الرجل فی تفسیر آیه تفسیر آیه اخری) بنابراین بین تفسیر قرآن به قرآن و ضرب قرآن بعض به بعض که یک نوع تفسیر به رأی است موضوعاً امتیاز است و قهراً امتیاز حکمی هم خواهند داشت.

برخی از محققان علم اصول نیز چون مرحوم شیخ انصاری در بحث از حجیت ظاهر قرآن، اشارتی درباره ضرب قرآن بعضه به بعض

دارند که عصاره آن، همان تفکیک عام از خاص و صدر از ذیل و نظایر آن می‌باشد و این به نوبه خود همان تفصیل و تفریق اعضای پیکر یگانه قرآن مجید می‌باشد. «۱»

ممکن است مراد روایات حضرت پیامبر اکرم (ص) و حضرت امام صادق - علیه السلام - همان جدایی بین ثقلین بوده باشد. یعنی همین کاری که اهل سنت با قرآن کریم کردند و بر سر قرآن مجید آن آوردند که جدای از ثقل اصغر و مهجورش

(۱) - مقدمه ترجمه المیزان آیه الله جوادی آملی، ص ۲۰، ج ۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸۲

نمودند و ثقل اصغر را نیز از قرآن جدا کردند و با شعار (حسبنا کتاب الله)، ناسخ و منسوخ، قرآن محکم و متشابه و عام و خاص قرآن را به هم آمیخته و اشتباه کردند و محل آنها را تغییر دادند و یا برخوردی که اخباریان شیعی که با قرآن نمودند و آن را از صحنه عملی زندگی بیرون راندند. بنابراین مراد از ضرب قرآن بعضه بعض می‌تواند مقارنه آیات و ارجاع آیه‌ای به آیات دیگر به منظور ابراز اختلاف و تضاد بین آیات و ایجاد فتنه در دین خدا باشد.

این معنا گرچه با روایات، سازگار نیست، ولی در روایت سیوطی از حضرت پیامبر اکرم (ص) که صریحا تکذیب القرآن بعضه بعضا را نتیجه ضروری ضرب القرآن بعضه بعضا قرار داده است، احتمال مزبور را تقویت و تأیید می‌کند و اما در روایت از امام صادق (ع) جمله (و احتجوا بالمنسوخ و هم یظنون ...) ضعف احتمال مزبور را از نظر این روایت جبران می‌کند.

نکته‌ای که در روایات فوق باید مورد توجه قرار گیرد، مسأله کفر کسانی است که اقدام به این عمل ضرب القرآن بعضه بعض می‌نمایند، به طوری که در روایات بدان تصریح شده است. بی‌تردید عمل ضرب قرآن به معنای تفسیر غلط قرآن، هیچ‌گاه موجب کفر مفسر نخواهد بود. آنچه می‌تواند مفسر عامل به ضرب قرآن را تا سر حد کفر بکشاند، عملی است که لازمه آن، انکار آیات قرآن و تکذیب آنها باشد. پر واضح است که ضرب القرآن بعضه بعض به آن معنایی که گفته شد مستلزم چنین عمل کفر آمیزی بوده، انکار وحی و آیات الهی را در بر خواهد داشت. «۱»

از آنچه بیان شد و از مجموع روایات مورد بحث، این نکته مهم را می‌توان دریافت که اولاً: آنان که به تفسیر قرآن به قرآن اشکال وارد می‌کنند و آن را با ضرب قرآن به قرآن برابر می‌پندارند، نه مفهوم ضرب قرآن به قرآن را از روایات فوق،

(۱) - مبانی و روشهای تفسیر قرآن، عمید زنجانی، عباسعلی، صص ۱۹۰ و ۱۹۱.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸۳

دقیق و صحیح فهمیدند و نه معنای تفسیر قرآن به قرآن را خوب متوجه شده‌اند. آنچه که اینان به زعم خویش، ضرب قرآن به قرآن قلمداد می‌کنند، برگرفته از روش پیامبر اکرم (ص) و سیره ائمه معصومین - علیهم السلام - است و هیچ رابطه‌ای با ضرب قرآن به قرآن ندارد و اندکی تأمل بیشتر باید، تا درک صحیح مفاهیم بلند قرآنی از قرآن حاصل آید.

ثانیا: مسأله ضرب قرآن به قرآن از زمانی امکان وجود و رخ نمایاندن است که از محضر عترت کسب فیض نشده، مفسر، با خرواری از علوم صحیح و سقیم بشری در محضر وحی بایستد و یا حتی شاید وحی را در محضر خویش نشانده، درباره کلام خدا به بحث بنشیند و یافته‌های اندک خویش را با یافته‌های ذهنی خود و دیگران به نام قرآن تمام کند و از سر تحکم فریاد برآورد که قرآن باید مرادش چنان بوده باشد و بدون علم به قرآن، در قرآن سخن گوید.

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸۴

نتیجه

تفسیر موضوعی، تلاشی است در فهم دیدگاه قرآن، به وسیله گردآوری روشمند آیات از سراسر قرآن مجید، در موضوع یا موضوعاتی که مورد بحث قرار داده می‌شود، چه عقیدتی یا اقتصادی یا سیاسی و اجتماعی و ... که با دقت در ترتیب آیات بر حسب نزول و توجه به سیاق و نظم حاکم بر آیات بدون تقطیع آن و با احاطه کامل به تمام آیات قرآنی و تفسیر ترتیبی می‌باشد. آنچه که لازم به یادآوری است، توجه به بیان دیدگاه قرآن در موضوعات می‌باشد و باید از هر گونه دخالت اندوخته‌های باطل بشری در بیان دیدگاههای قرآنی پرهیز شود. هر چند لازم است که با چراغ درک مسائل و مصائب زمانه حرکت کرد و اطلاع لازم، کامل و کافی از تجربه‌های بشری داشت، لیکن باید در مقابل کلام وحی متواضعانه قرار گرفت و با کمال اخلاص و صداقت با آن گفت و سخن شنید و درمان درد درون و برون بشر و جوامع بشری را از آن جو یا شد.

نکته دیگر این که تفسیر موضوعی، از زمان حضرت پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - آغاز شده و روایاتی که به دست ما رسیده از آن حکایت دارد که ائمه اطهار - علیهم الاف التحیه و الثناء - بدین روش، تفسیر نموده‌اند و کتابهای تفسیر موضوعی بسیار فراوان و قابل توجهی از علمای اسلام باقی مانده است.

عصر حاضر، عصر بیداری مستضعفان و مظلومان است. ملت‌های مسلمان نیز خیزش نموده، تا حدودی از خواب غفلت بیدار شده و جهت‌رهایی کامل، راهی جز دست گرفتن به دامن قرآن ندیدند؛ به همین دلیل، تفسیرهای موضوعی عصر حاضر بیشتر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در بر گرفته است و نهضت‌های اسلامی را رونق و حیات بخشیده است.

مصلحان و روشنفکران دینی از قرآن به عنوان نسخه حیاتبخش بشر و کلام خدا مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن ۱۸۵ نتیجه ص: ۱۸۴

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸۵

در بیداری و قیام ملتها که تأثیر فراوانی در روحیات و اخلاق مردم مسلمان داشته است، بهره گرفته‌اند که ما امیدواریم این حرکت، روز به روز گسترده‌تر و پر خروش‌تر شود و قرآن مجید، در همه صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ... جوامع بشری حضور فعال پیدا نماید.

نکته دیگر این که روی آوردن به تفسیر موضوعی به عنوان گام نهادن در مرتبه‌ای متعالی‌تر در عالم تفسیر به شمار می‌رود و نه از سر بی‌نیازی و بی‌اعتنایی به تفسیر ترتیبی بدان اقبال شده است، بلکه مرحله‌ای بالاتر و گامی بلندتر و فهمی دقیقتر از تفسیر قرآن مجید می‌باشد و باید این گام برداشته شود تا نیازهای اساسی بشر در هر زمان مرتفع گردد.

تفسیر ترتیبی، مقدمه‌ای برای تفسیر موضوعی است و تفسیر موضوعی از نظر جایگاه و مرتبه مقدم بر تفسیر ترتیبی می‌باشد. پس توجه به یکی، نفی و انکار دیگری نخواهد بود.

امید است که با اقبال مفسران به تفسیر موضوعی در عصر حاضر، زمینه حضور مستدام جاودانه‌ترین اعجاز در حیات بشر به طور گسترده‌تری فراهم گردد و عمل به دستورات آن بیشتر شود. هر چند مفسران موضوعی نیز باید اهتمام خویش را مصروف آن کنند که آینه تمام نمای وحی باشند و زنگارها را از قلم جان و جان قلم‌هایشان بزایند تا بر ژرفای جان تشنگان حقیقت، بی‌واسطه نزول یابند و سرادقات جانها به نور قرآن منور گردد.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸۶

- ۱- قرآن مجید، ترجمه استاد مهدی الهی قمشه‌ای.
 - ۲- نهج البلاغه، ترجمه دکتر اسد الله مبشری.
 - ۳- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، تحقیق: ابو الفضل ابراهیم، قم: الشریف الرضی، بیدار، الغزیزی، ط سوم.
 - ۴- اصول کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه حاج سید جواد مصطفوی، تهران: علمیه اسلامی، بی تا.
 - ۵- ائمتنا، علی محمد علی الدخیل، بیروت: دار المرتضی، بی تا.
 - ۶- اعیان الشیعه، علامه سید محسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳.
 - ۷- بحار الانوار الجامعه، اخبار الائمه الاطهار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، طبع دوم، ۱۴۰۳ هـ ۱۹۸۳ م.
 - ۸- البحر المحیط، ابو حیان الاندلسی، بی تا ۱۳۰۸ هـ
 - ۹- البرهان فی علوم القرآن، بدر الدین زرکشی، بیروت: دار المعرفه، ۱۹۷۲ م.
 - ۱۰- البیان فی تفسیر القرآن، آیه الله العظمی سید ابو القاسم موسوی خویی، انوار الهدی، ۱۴۰۱ هـ
 - ۱۱- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، آیه الله سید حسن صدر، عراق: شرکه النشر و الطباعه العراقیه، ۱۳۷۰ هـ.
 - ۱۲- التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه استاد جعفر سبحانی، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ط اول.
 - ۱۳- تفسیر القرآن بالقرآن عند علامه الطباطبایی، دکتر خضیر جعفر، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۱ هـ، ط اول.
 - ۱۴- تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود العیاشی، قم: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ هـ.
 - ۱۵- التفسیر و المفسرون، دکتر محمد حسین ذهبی قاهره: ۱۳۶۹ هـ، ط دوم.
 - ۱۶- تفسیر نور الثقلین، شیخ عبد علی بن جمعه عروسی الحویزی، تصحیح: رسولی محلاتی، قم: علمیه، ۱۳۸۲.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸۷
- ۱۷- تفسیر در المنثور، جلال الدین عبد الرحمن سیوطی، بیروت: دار الفکر ۱۴۰۳ هـ.
 - ۱۸- مجله تراثنا، شماره ۴ و شماره ۱۳.
 - ۱۹- دائره المعارف الاسلامیه، مقاله تفسیر، امین الخولی، قاهره: دار الشعب، ۱۹۷۱ م.
 - ۲۰- الذریعه الی تصانیف الشیعه، علامه محمد محسن آقا بزگ تهران، قم، مؤسسه مطبوعاتی، اسماعیلیان، ۱۳۷۸ هـ، ۲۵ جلد فهرست، تصحیح احمد منزوی.
 - ۲۱- الرجال، ابو لعباس احمد بن علی النجاشی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۸ هـ.
 - ۲۲- فصلنامه رساله القرآن، قم: دار القرآن الکریم (حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی ره) شماره ۹.
 - ۲۳- علوم القرآن، آیه ۱... محمد باقر حکیم، تهران: مجمع علمی اسلامی، ۱۴۰۳ هـ.
 - ۲۴- الفکر الدینی فی مواجهه العصر، دکتر عفت محمد الشرقاوی، بیروت: دار العوده، ۱۹۷۹ م.
 - ۲۵- الفهرست محمد بن اسحاق ابن الندی، قاهره: مطبعه استقامه.
 - ۲۶- الفهرس، شیخ ابی جعفر محمد بن حسن الطوسی، نجف: المرتضویه، تصحیح محمد صادق آل بحر العلوم.
 - ۲۷- القاموس الرجال، علامه محمد تقی شوشتری، مرکز نشر کتاب، تهران ۱۳۷، ه ق.
 - ۲۸- القرآن المجید، دکتر محمد عزت دروزه، بیروت، بی تا.
 - ۲۹- الکشاف فی تفسیر القرآن، جار الله زمخشری، قاهره: مطبعه العامره الشریف، ۱۳۰۷ هـ.

- ۳۰- الکشف الظنون، مصطفی بن عبد الله مشهور به حاجی خلیفه، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ۳۱- لسان العرب، ابن منظور، مصر: الامیریة بولاق، ۳۰۰ ه، ط اول.
- ۳۲- مباحث فی التفسیر الموضوعی، دکتر مصطفی مسلم، دمشق: دار العلم.
- ۳۳- مباحث فی علوم القرآن، دکتر صبحی صالح، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۷ م، ط ۳.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸۸
- ۳۴- المبادئ العامه لتفسیر القرآن الکریم، دکتر محمد حسین علی الصغیر، بیروت: مؤسسه الجامعیه للدواسات، ط اول.
- ۳۵- محاسن البرقی، ابی جعفر احمد بن محمد بن الخالد البرقی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه.
- ۳۶- المدرسه القرآنیه، علامه محمد باقر الصدر، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- ۳۷- مسالک الافهام، فاضل جواد کاظمی، مقدمه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، تهران: مرتضویه، ۱۳۶۵ ش.
- ۳۸- معالم التنزیل، البغوی الفراء، قاهره: التقدم العلمیه، بی تا.
- ۳۹- معالم المدرستین، علامه سید مرتضی عسگری، تهران، مجمع علمی اسلامی ۱۴۱۳ ه.
- ۴۰- معانی الاخبار، مرحوم شیخ صدوق، ترجمه و تصحیح استاد علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- ۴۱- معجم مصنفات القرآن الکریم، علی شواخ اسحاق، ریاض: دارالرفاعی، ۱۴۰۴ ه، ط اول.
- ۴۲- المفسرون حیاتهم و منهجهم، سید محمد علی ایازی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴، ط اول.
- ۴۳- المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد، بیروت: دارالمعرفه.
- ۴۴- مقدمات فی التفسیر الموضوعی، علامه سید محمد باقر صدر، بیروت: دار التوجیه.
- ۴۵- مقایس اللغه، احمد بن فارس، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- ۴۶- مناهل العرفان، محمد عبد العظیم الزرقانی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۹، ط اول.
- ۴۷- نقباء البشر. علامه محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، مشهد: دار المرتضی، ۱۴۰۴ ق.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۸۹

فهرست منابع فارسی

- ۱- آشنایی با علوم قرآنی، دکتر سید محمد رادمش، تهران: نشر مؤلف، ۱۳۷۰ ش.
- ۲- آشنایی با علوم قرآنی، دکتر سید علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر، ۱۳۶۹ ش.
- ۳- آئینه پژوهش، شماره ۲۰ مجله وابسته به حوزه علمیه قم، در بررسی علمی و پژوهشی.
- ۴- ترجمه البیان، حضرت آیه ا... العظمی خوئی، ترجمه محمد صادق نجمی، هاشم هریسی، قم.
- ۵- بینش تاریخی قرآن، یعقوب جعفری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۶- بینات، مدیر مسئول حجه الاسلام محمد علی مهدوی راد. ویژه مباحث علوم قرآنی و تفسیر.
- ۷- پژوهشی در نظم قرآن، عبد الهادی فقهی زاده. تهران: جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۴.
- ۸- پیام قرآن، آیه الله ناصر مکارم شیرازی. قم: مدرسه امیر المومنین، ۱۳۶۸.
- ۹- تاریخ تفسیر قرآن، حبیب اله جلالیان، تهران: سوره، ۱۳۷۲.
- ۱۰- تشریح المقاصد، سید محمد جواد ذهنی، قم: حاذق، ۱۳۶۶.

- ۱۱- تفسیر کاشف، دکتر سید محمد باقر حجتی و دکتر عبد الکریم بی‌آزار شیرازی، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۱۲- تفسیر راهنما، حجه‌السلام اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۱۳- ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبایی (ره)، ترجمه حجه‌الاسلام سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۱۴- تفسیر و تفاسیر جدید، بهاء الدین خرمشاهی، تهران: کیهان، ۱۳۶۴.
- ۱۵- تفسیر و تفسیر نویسان شیعه، دکتر رجبعلی مظلومی، تهران: آفاق، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۱۶- تفسیر تحقیقی سوره جدید. دکتر محمد علی لسانی فشارکی، درس در دانشگاه امام صادق علیه السلام سال تحصیلی ۷۴-۷۳. مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۹۰.
- ۱۷- تفسیر موضوعی قرآن، آیه الله عبد الله جوادی آملی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۵.
- ۱۸- مجله حوزه، شماره ۳۷ و ۳۸، مصاحبه حجه‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها، مجله مخصوص حوزه‌های علمیه.
- ۱۹- خدا و انسان در قرآن، توشی هیکوایزوتسو، ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۲۰- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، آیه الله محمد تقی مصباح یزدی، تهران: امیر کبیر.
- ۲۱- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، سید کاظم بجنوردی، تهران ۱۳۷۲. مقاله آیات الاحکام و احکام القرآن.
- ۲۲- دائرة المعارف تشیع، بنیاد خیریه فرهنگی شط، مقاله تفسیر، تهران: ۱۳۷۳.
- ۲۳- در آمدی بر علوم قرآنی، دکتر محمد رضا صالحی کرمانی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ط اول.
- ۲۴- روش شناسائی تفاسیر موضوعی، هدایت الله جلیلی، تهران: کویر، ۱۳۷۲.
- ۲۵- روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، علی الاوسی، ترجمه سید حسن میر جلیلی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۲۶- زن در آئینه جلال و جمال، آیه الله عبد الله جوادی آملی، تهران: نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۱.
- ۲۷- سنتهای تاریخ در قرآن، شهید علامه سید محمد باقر صدر، ترجمه دکتر سید جمال الدین موسوی، اصفهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۸- سیمای صابران در قرآن، دکتر یوسف قرضاوی، ترجمه دکتر محمد علی لسانی فشارکی، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۰.
- ۲۹- شرح رسائل انصاری، علی محمدی، قم: دار الفکر.
- ۳۰- شرح فشرده‌ای بر مقدمه المیزان، دکتر محمد علی لسانی فشارکی، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۰.
- ۳۱- طاغوت، خواهران (هاشمی، دین پرور، غفاری) مقدمه دکتر لسانی فشارکی، تهران: دفتر نشر انقلاب، ۱۴۰۱ ق.
- مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، ص: ۱۹۱
- ۳۲- طبقات مفسران شیعه، دکتر عقیقی بخشایشی، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۳.
- ۳۳- علل انحطاط تمدنها از دیدگاه قرآن، احمد علی قانع عزآبادی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۳۴- علوم قرآن و فهرست منابع، دکتر سید عبد الوهاب طالقانی، قم: دار القرآن الکریم، ۱۳۶۱.
- ۳۵- فرهنگ موضوعی قرآن. کامران فانی، بهاء الدین خرمشاهی، تهران: الهدی، ۱۳۶۹، ط دوم.
- ۳۶- قرآن در اسلام، مرحوم علامه طباطبائی. تهران: بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۳۷- کتابنامه بزرگ قرآن. محمد حسن بکایی، تهران: نشر فرهنگی قبله، ۷۴-۱۳۷۳.
- ۳۸- کیهان اندیشه، قم؛ مقاله سید محمد علی ایازی، ش ۲۸، سال ۱۳۶۸.
- ۳۹- کیهان فرهنگی تهران، مصاحبه دکتر سید محمد باقر حجتی، سال ششم، شماره ۱.